

اتحادیه ی میهنی، حزب دمکرات کردستان عراق و انقلاب

بهزاد خوشحالی

bkhoshhali@yahoo.com

پیش گفتار

هدف از گرد آوری این مجموعه، آشنایی با یکی از پراهمیت ترین دوره های تاریخ کردستان و ایران است. خوانندگان این مجموعه با بسیاری از رویدادها و شخصیت های آن دوران آشنایی دارند، اما آشنایی با اندیشه های آنان در همان عصر، و جایگاه اندیشه ورز ایشان از زبان خود آنها بسی جالب تر می نماید. سرزمین کردستان در آن دوران، روزگار نگرانی های سیاسی و اضطراب های اجتماعی از یک سو و کشاکش های مسلکی از سوی دیگر بوده است، عصری که یکی از پرتلاطم ترین دوره ها در تاریخ نوین ایران و دوره ای است که انقلاب ایران به بار نشست، دوران بی ثبات گذار را پشت سر نهاد و دوره ی ناآرامی کردستان را تجربه کرد.

مجموعه ی حاضر، سرگذشت چگونه اندیشیدن و چه کردن، چگونه تلقی کردن و چگونه پنداشتن، چگونه تاثیرگذاردن و چگونه تاثیر پذیرفتن، و چه بودن ها و چه شدن ها در این دوران سرکش است.

شاید اندیشه نگاری نسلی از بزرگترین معماران تاریخ معاصر پس از انقلاب، آن هم از زبان همین معماران، آسان ترین راه برای درک واقعیات آن دوران باشد... تاریخ خود را تکرار می کند و چون حالت های کنونی چیزی جز بازگشت به حالت های گذشته نیستند، به همین خاطر، آگاهی از تحولات گوناگون و پیاپی گذشته، کلید ورود به دنیای آینده خواهد بود... فراموش نکنیم: تاریخ کتابی است که ما می نویسیم و خود نیز در آن نگاشته می شویم... این مجموعه از مطبوعات ایران در سال های ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ استخراج شده است.

جلال طالبانی: شاه و ساواک علیه من توطئه کرده اند.

جلال طالبانی رهبر کردهای مخالف دولت عراق شاه ایران و ساواک را متهم کرده علیه او توطئه کرده اند. طالبانی طی اعلامیه ای که در آن خود را دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق نامیده حکومت عراق را در این زمینه همدست شاه و ساواک معرفی کرده است. اعلامیه اتحادیه میهنی کردستان عراق که به عنوان توضیحی در باره رویداد پاسگاه ژاندارمری «گوره شیر» به زبان فارسی منتشر شده در شهرهای مرزی ایران با عراق نیز پخش شده و گزارش رسیده از پیرانشهر (۵ کیلومتری مرز عراق) حاکی است که بر در و دیوارها این شهر اعلامیه به چشم می خورد. متن این اعلامیه چنین است:

خلق های قهرمان ایران رادیو و روزنامه های دولتی ایران خبر نادرستی را در باره رویداد ۲۷ دی ۵۷ پاسگاه ژاندارمری روستای «گوره شیر» پخش کرده همین جهت لازم دانستیم حقایق زیرین را برای مردم مبارز ایران روشن نمائیم: ۱- بعد از ظهر ۲۷ دی ۵۷ میان یک گروه قاچاقچی ایرانی و افراد پاسگاه «گوره شیر» از توابع سردشت برخورد مسلحانه روی داد. از آنجا که چندی پیش با موافقت شاه ارتش عراق در همان ناحیه جهت حمله به ما پیاده شده بود به

منظور کسب اطلاع از ما گروهی از پیشمرگان ما به محل رفتند و لکن ژاندارمها به محض مشاهده پیشمرگان شروع به تیراندازی نمودند. آنان نیز در مقام دفاع از خود برآمدند نتیجتاً تعدادی کشته و زخمی به ماند.

رادیو تهران از يك طرف به منظور منحرف ساختن اذهان مردم از جریانات داخلی به جریانات خارجی و از يك طرف پیشبه منظور زشت وانمود کردن رخسار سیاسی انقلاب کنونی ما به تحریف وقایع پرداخته است.

۲- انقلاب کنونی کردستان عراق همیشه خود را جزو لاینفک انقلاب خلقهای خاور میانه دانسته و همواره پشتیبانی خود را از انقلاب خلق قهرمان ایران ابراز داشته این حقیقت را در نامه‌ها و بیانیه‌های خود برای نیروهای شرقی ایران روشن ساخته‌ایم و متذکر شده‌ایم که هیچگاه و به هیچ عنوان در امور داخلی ایران مداخله ننموده بلکه برعکس همواره احترام به استقلال و تمامیت وسایل مرزی ایران در مد نظر ماست.

۳- علی‌رغم سیاست دوستانه ما نسبت به خلق ایران، شاه و ساواک همواره از طریق بکاربردن دستگاه کهنه پرست و خائن رهبری بارزانی علیه ما مداخله نموده و با سرنوشت خلق کرد بازی کرده‌اند. علیه انقلاب دموکراتیک کنونی ما که هدف آن دموکراسی برای عراق و خود مختاری برای کردستان می‌باشد. و از موجودیت ملت کرد و جلوگیری از عربی کردن کردستان دفاع می‌نماید.

شاه ایران از هیچ دشمنی دریغ نورزیده با همدستان دولت عراق صدها نفر مزدور مسلح بارزانی را از سرزمین ایران به جنگ با ما فرستاده است. هنوز هم از پایگاه‌های مزدوران بارزانی «ناله هورامی» و «حسین فیلی» و «قاله سوور» در اورامانات و مریوان به ما حمله می‌شود. پایگاه مرکزی بارزانی هنوز در کرج عزمیه دست اندرکار خیانت و توطئه علیه ما ماست.

دهها پیشمرگ کردستان از طرف حکومت دستگیر و به دولت عراق تسلیم و اعدام گشته‌اند. در حالی که در آذر ماه، سی نفر مزدور بارزانی به رهبری «آزاد خفاف» و «وریا ساعاتی» به وسیله ساواک از ترکیه به اورامانات ایران منتقل شدند تا از خاک ایران به ما حمله کنند. ما از روزنامه نگاوان و نمایندگان نیروهای شرقی ایران می‌خواهیم که به مرز ایران-عراق در نواحی مریوان-بانه و سردشت آمده و به رأی العین ببینند که حکومت ایران با چه وقاحتی مزدوران بارزانی علیه ما به کار گرفته است. در آذر ماه سال گذشته ارتش ایران حمله شکست خورده ارتش عراق را بر ضد ما پشتیبانی نمود. ما این سیاستهای غیر انسانی و تجاوز کارانه رژیم شاه را به این جهت تحمل نموده‌ایم تا به بهانه به دست شاه ندهیم که کرنای تجزیه طلبی بزند و... این حقایق در نامه ما برای جعفر شریف امامی نخست وزیر اسبق و مجلسین توضیح داده شده است.

۴- اتحادیه میهنی کردستان عراق با دیگر هم‌رزمی خود را با انقلاب خلق قهرمان ایران تأیید و تأکید می‌نماید و اعلام می‌دارد: در حالی که برای هر گونه همکاری آماده است به هیچ عنوان در امور داخلی آن دخالت نمی‌کند به همین جهت انتظار داریم که شایعات سرا پا نادرست سلطنت طلبان ایران را باور نکنند و نگذارند که دولت ایران علیه انقلاب ما دخالت کنند ما مطمئنیم که مبارزین انقلابی ایران که همواره دوستدار و هم‌رزم اتحادیه میهنی کردستان عراق بوده‌اند این شایعات را به مسخره خواهند گرفت و به خوبی آگاهند که انقلاب دموکراتیک ما سوگند خورده صمیمی و پشتیبان انقلاب آنها در آزادی، دموکراسی، حاکمیت و جمهوری دموکراتیک است. زنده باد انقلاب خلقهای

قهرمان ایران، مستحکم باد همبستگی انقلاب خلقهای کردستان، ایران، عرب، ترکیه، مرگ بر امپریالیسم، صهیونیسم و دیکتاتوری. دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق جلال طالبانی. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۱/۸)

نماینده کردهای پناهنده توطئه کردهای بارزانی علیه پاسگاه های ایران را تکذیب می کند.

خبري راجع به وجود دو پاسگاه در نزديكي اشنويه و کرمانشاه و همچنین دو هزار و پانصد نفر کردهای بارزانی برهبري بارزانی فرزند ملا مصطفي بمنظور حمله به پاسگاههای مرزی ایران در مطبوعات چاپ شده است. دیروز آقای "عبد الله پشدری" رابط پناهندگان کرد در کمیته امور اجرایی وزارت کشور، در این مورد توضیحات کتبی به روزنامه اطلاعات تسلیم داشت. در این توضیحات آمده است:

خبر منتشره را قویاً تکذیب می نمایم و برای روشن شدن اذهان عمومی به اطلاع می رساند که اولاً پناهندگان کرد از بدو ورود به ایران هنوز در استانهای غربی ساکن نشده اند و ثانياً ادريس بارزانی از چهار ماه قبل برای عیادت از پدرش، راهی آمریکا شده و هنوز برنگشته است و در نهایت پناهندگان کرد در امور داخلی کشور ایران دخالتی نداشته و نخواهند داشت. از عموم مسلمانان و کلیه مردم انسان دوست ایران تقاضا دارم که نسبت به پناهندگان کرد همیشه حسن ظنی داشته و پناهندگان کرد را در مورد عنایت قرار دهند. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۱/۱۱)

تلگرام جلال طالبانی به امام خمینی

جلال طالبانی طی تلگرافی به امام خمینی، آمادگی کردهای عراق را برای هم‌رزمی و همکاری تا حصول پیروزی نهایی انقلاب ایران اعلام داشت. جلال طالبانی که تلگرام خود را با عنوان دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق به زبان فارسی از بوکان مخابره کرده است ضمن تبریک به بمناسبت پیروزی انقلاب یادآور شده است که پیروزی انقلاب ظفرمند ایران، پیروزی بزرگی برای خاورمیانه بطور اعم و انقلاب فلسطین و مبارزه برحق کردهای عراق بطور اخص است. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۱/۳۰)

جلال طالبانی ایجاد ناراحتی نکرده است.

مهاباد- از سوی کمیته نظامی اتحادیه میهنی کردستان عراق، تلگرافی برای رهبر بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مخابره شد. متن تلگراف بدین شرح است: «رهبر بزرگ انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خمینی! با نهایت تأسف در اخبار دو شنبه شب مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۳۰ رادیو و تلویزیون انقلاب اسلامی ایران، خبری مبنی بر تولید ناراحتی از جانب طرفداران جلال طالبانی و وابسته به اتحادیه میهنی کردستان عراق در مرزهای ایران پخش شد. بدینوسیله صحت این موضوع را به شدت تکذیب می نمایم همچنین بارها اعلام داشته ایم ما افرادی شرافتمند به آزادی همه ملتها هستیم و ضمن اعلام عدم دخالت و نیز ناراحتی در امور داخلی ایران، پشتیبان واقعی نهضت بزرگ ملت ایران، به رهبری آن زعیم عالیقدر می باشیم. بنابراین همواره همبستگی خود را با آرمانهای آزادیخواهانه ملت مبارز ایران، حفظ خواهیم نمود و در هر زمان کلیه اخبار و شایعاتی از این قبیل که ناشی از دسایس امپریالیزم و وابستگی می باشد را رد خواهیم نمود.

کمیته نظامی اتحادیه میهنی کردستان. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۳)

مداخله «جلال طالبانی» در مناقشات کردستان تکذیب شد.

مهاباد-خبرنگار کیهان: کمیته نظامی اتحادیه میهنی کردستان با مخابره تلگرامی به حضرت آیت الله العظمی خمینی، شایعات مربوط به دخالت جلال طالبانی را در مناقشات کردستان ایران شدیداً تکذیب کردم. پیام کمیته نظامی چنین است: «با نهایت تأسف در اخبار دوشنبه شب مورخ ۵۷/۱۱/۳۰ رادیو تلویزیون خبری مبنی بر تولید ناراحتی از جانب طرفداران جلال طالبانی وابسته به اتحادیه میهنی کردستان عراق در مرزهای ایران پخش شد بدین وسیله صحت این موضوع را بشدت تکذیب می‌نمایم و همچنین بارها اعلام داشته ایم ما افرادی شرافتمند و معتقد به آزادی همه ملت‌ها هستیم و ضمن عدم دخالت و تولید ناراحتی در امورات داخلی ایران پشتیبان واقعی نهضت بزرگ ملت ایران برهبری آن زعیم عالیقدر می‌باشیم. بنابراین همواره همبستگی خود را با آرمانهای آزادیخواهانه ملت مبارز ایران حفظ خواهیم نمود و در هر زمان کلیه اخبار و شایعات از این قبیل را که ناشی از دسایس امپریالیزم و وابستگی است رد خواهیم کرد. (کیهان ۴/۱۲/۱۳۵۷)

گروه طالبانی اعلام کرد در حوادث اخیر کردستان نقشی ندارد.

بیروت- خبرگزاری فرانسه- اتحادیه ملت کرد(عراق) بر رهبری جلال طالبانی اعلام کرد که در حوادثی که اخیراً در کردستان ایران روی داده هیچ نقشی ندارد. سخنگوی این اتحادیه در بیروت اعلام داشت که در ایران هم یک جنبش مشابه به همین نام وجود دارد این سخنگو افزود که چندی پیش در پاریس دیداری میان یکی از نمایندگان اتحادیه ملی کرد و امام خمینی انجام گرفته و امام در آن هنگام رفتار مناسبی نسبت به آرمان کردهای ایران داشته است. این سخنگو در پایان خواست که دولت تازه ایران، حقوق ملی کردهای ایران را در چارچوب جمهوری اسلامی بپذیرد.

نماینده اتحادیه میهنی کردستان عراق: ملا مصطفی بارزانی نقشه‌های «سیا» را در کردستان اجرا می‌کند.

«حاجی صفرمصطفی چاورش» نماینده «اتحادیه میهنی کردستان عراق» با مخابره تلگرامی به مقر امام خمینی ملا مصطفی بارزانی رهبر کردهای عراقی رانده شده را متهم کرد که با پخش شایعات بی اساس و دست زدن به عملیات تحریک آمیز و خرابکارانه و انتساب این عمل به جلال طالبانی در کردستان جنگ اعصاب به راه انداخته است. وی در تلگرام خود اعلام کرده است «دارو دسته ملامصطفی بارزانی مزدور شاه و ساواک با انتشار سازمان سیا دست به اقداماتی زده‌اند که به خیال خود در کردستان ناامنی و بحران ایجاد کنند و از این طریق به انقلاب اسلامی ایران لطمه بزنند.» نماینده اتحادیه همچنین گفت: ملا مصطفی و دارودسته او به فرمان «سیا» اعمال جنایتکارانه ای را که خود زیر نام «قیاده موقت» مرتکب میشوند به جلال طالبانی و اطرافیان او نسبت میدهند تا در همبستگی خلق کرد با انقلاب ایران برهبری امام خمینی شکاف بیاندازند. در همین تلگرام گفته شده است: «شب ۵۷/۱۱/۳۰ از فرستنده رادیو تلویزیونی انقلاب اسلامی ایران خبری به این مضمون پخش گردید که از قرار اطلاع گروهی از افراد جلال طالبانی به پاسگاههای مرزی حمله کرده‌اند این خبر در زمانی پخش شد که ما با نیرو تمام پشتیبانی خود را بارها با صدور اعلامیه نسبت به جنبش اسلامی ایران و برچیدن نظام فاسد شاهنشاهی در ایران اعلام داشته بودیم.» در پایان این تلگرام از امام خمینی درخواست شده است که بمنظور روشن کردن وحدت و یکپارچگی اتحادیه

میهنی کردستان عراق با با انقلاب ایران، نمایندگانی به مناطق مرزی اعزام شوند. (کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۵)

دخالت در بحران کردستان تکذیب شد.

بیروت- خبرگزاری فرانسه: سخنگوی جنبش کردهای عراق در «بیروت» اظهار داشت که سازمان «اتحادیه ملی کردهای طالبانی» در حوادث اخیر کردستان ایران هیچگونه مداخله‌ای ندارد. سخنگوی اتحاد ملی کردهای عراق پس از اشاره به این مطلب که در ایران نیز اتحادیه‌ای به همین نام وجود دارد گفت که هنگام اقامت حضرت آیت الله خمینی در پاریس دیداری میان ایشان و یک نماینده اتحاد ملی کردهای عراق روی داد و امام خمینی روش مساعدشان را نسبت به آرمان کردهای عراق ابراز داشتند. سخنگوی اتحاد ملی کردهای عراق از دولت تازه ایران درخواست کرد که حقوق ملی کردهای ایران را در چارچوب جمهوری به رسمیت بشناسد. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۵)

تکذیب شد.

در ژنو یکی از سخنگویان رزمندگان بارزانی، خبر دخالت نیروهای بارزانی را در حرکت تجزیه طلبی کردستان بی اساس دانست و گفت: طما خود را از انقلاب ایران جدا نمی‌دانیم و همانطور که رهبر ما در تلگرام به امام خمینی متذکر شده همواره در خدمت انقلاب مردم ایران خواهیم بود». شبیه به این گفته بنقل از سخنگوی حزب دموکرات پارت که رهبر آن جلال طالبانی است دیروز در جراید بیروت بچاپ رسیده بود. سخنگوی طالبانی گفته بود ما هرگز به ایران که تحت اداره یک رژیم انقلابی اسلامی است حمله نمی‌کنیم و مطابق خواست برادران کردمان در ایران، از این انقلاب دفاع می‌کنیم».

در حال حاضر بنظر می‌رسد که خواسته‌های مردم کردستان کاملاً طبقه بندی شده و بشکل خود مختاری در امور داخلی، گزینش رهبران کردستان توسط انجمنهای ایالتی و ولایتی، انتخاب فرماندهان ارتش از میان افسران محلی و ضمیمه کردن بعضی از مناطق در حوزه استانیهای مجاور است که در طول سلطنت رضا شاه و شاه، از استان کردستان جدا شده است. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۹)

آقای طالبانی! کسی که خانه اش از شیشه باشد نباید به سوی خانه دیگران سنگ پرتاب کند.

بر خلاف اصول اخلاقی، این روزها دیده می‌شود جلال طالبانی که همیشه میان دسته‌های راست و چپ انتقال یافته است، در روزنامه‌ها دست به مطرح نمودن مسائل تحریک آمیز و عاری از حقیقت می‌زند یا اینکه دیگران را به آن وادار می‌کند. هر چند اکنون ملت مبارز و آزادیخواه ایران برهبری امام خمینی از لحاظ فکری به سطحی رسیده است که خیلی زود حقیقت را از باطل تشخیص می‌دهد لیکن مبادا که دروغ مثل مه صبحگاه برای مدت کوتاهی حقیقت را بپوشاند. لذا ناچار هستیم برخی حقایق تاریخی راجع به آقای بارزانی و طالبانی را مطرح کنیم تا ملت جانباز ایران قضاوت کند کدامش فرصت طلب و خیانتکار است.

۱ - میان سالهای (۱۹۳۵-۱۹۳۰) بارزانی در کردستان عراق چند قیام علیه رژیم وقت بر پا کرد و بعلت ضعف زمینه‌های مادی و معنوی، آن قیامها به ثمر نرسید و در نتیجه بارزانی به جنوب عراق بعد، به استان «سلیمانیه» تبعید شد.

۲ - در سال ۱۹۴۳ بارزانی از تبعید گاه خود (سلیمانیه) به منطقه سردشت، سپس منطقه بارزان برگشت و در همان سال دست به قیام دیگری علیه رژیم پادشاهی عراق زد.

۳ - در اوایل سال ۱۹۴۵ بارزانی «حزب آزادیخواه کرد» را تشکیل داد و در آن روزها قیام دیگری به رهبری ایشان علیه رژیم موقت عراق بر پا گردید. در نتیجه در اواخر سال ۱۹۴۵ بارزانی ناچار گردید به منطقه مهلباد منتقل شود و در اوایل سال ۱۹۴۶ بعثت فداکاری و جانبازی، به درجه ژنرال افتخاری نایل آید.

۴ - در بهار ۱۹۴۶ بدستور بارزانی، در کردستان عراق، «حزب دموکرات کرد» که بعدها به «حزب دمکراتیک کردستان» تغییر نام یافت تأسیس و در اولین کنگره کرد، بارزانی را برهبری حزب انتخاب کرد.

۵ - طول نکشید که در اثر جریانات آذربایجان، بارزانی بهمراهی ۵۰۰ نفر اکراد عراق دست به یک راهپیمای تاریخی و طولانی و خطرناک بطرف شوروی زد که ۵۲ روز طول کشید.

۶ - پس از تغییر رژیم عراق در سال ۱۹۵۸ و دوازده سال اقامت در شوروی، بارزانی به خاک وطن برگشت و ملت عراق چه عرب و چه کرد از ایشان بعنوان یک رهبر ملی استقبال نمود.

۷ - در ماه سپتامبر ۱۹۶۱ بارزانی قیام عظیم ملت کرد را علیه رژیم دیکتاتوری رهبری کرد و شعار آن قیام خودمختاری برای کردستان عراق و دمکراسی برای عموم ملت عراق بود.

۸ - در سال ۱۹۶۳ رژیم عراق، دستور ریشه کن کردن نیروهای مترقی را داد و افراد آن نیروها از ترس جان، ناچار پایتخت و شهرهای مختلف عراق را ترک کردند. برخی که اشتباهاً بدست هواداران جلال طالبانی افتادند با سر نیزه‌های آنان روبرو شدند اما آنهایی که بمناطق آزاد شده بارزانی پناه آوردند نه فقط از سامان و وسایل زندگی بهره مند شدند بلکه از همه وسایل دفاع از جان، برخوردار گردیدند.

۹ - در سال ۱۹۶۴ پس از اختلاف طالبانی با قیام ملت کرد، وی و طرفدارانش به ایران پناه آوردند و در یک پایگاه مخصوص در استان همدان اقامت نمودند و ساواک، همه وسایل زندگی در اختیار آنها گذاشت.

۱۰ - پس از یک سال اقامت در ایران، طالبانی و هوادارانش به کردستان عراق بازگشتند و اظهار ندامت کردند. بدستور بارزانی برخی از آنها در مقامهای حساس انتصاب شدند. «کمال مفتی فرمانده تیپ قره داغ و محمد امین فرج فرمانده تیپ کاوه»

۱۱ - طولی نکشید که طالبانی بعثت عدم استقامت از داخل شورش و بطور محرمانه با کاربدستان بغداد تماس گرفت و در سال ۱۹۶۶ خود و هوادارانش به رژیم عراق پیوستند و پس از مسلح شدن، پیشاپیش ارتش عراق، آبادی‌های کرد نشین را به آتش کشیدند. بهمین علت به جاش ۶۶ نامیده شدند.

۱۲ - پس از موافقت نامه مارس ۱۹۷۰ میان رهبری بارزانی و دولت عراق، کار طالبانی به پایان رسید و مقامهای عراقی آنها را خلع سلاح نمودند لذا مجدداً ناچار شدند در یک کنفرانس مخصوص، اظهار ندامت کنند و بار دیگر به شورش کرد پناه آوردند بدستور بارزانی و با در نظر گرفتن منافع ملی از آنها مجدداً استقبال شد.

۱۳ - در سال ۱۹۷۱ طالباني با اجازه گرفتن از بارزاني، براي ادامه تحصيل راهي اروپا شد.

۱۴ - در سال ۱۹۷۴ بعلت اينکه حکومت عراق به موافقتنامه مارس وفادار نبود مجدداً جنگ ملت کرد برهبري بارزاني با حکومت بغداد شروع شد. در اين جنگ مقامهاي عراقي علاوه بر استفاده از کمکهاي خارجي، از مدرن ترين سلاحها براي قتل عام ملت کرد استفاده کرد. لذا هزاران زن و بچه و پيرمرد از ترس جان به ايران پناه آوردند تا اينکه تعداد آنها به سيصد هزار نفر رسيد.

۱۵ - پس از موافقتنامه الجزاير بين شاه خائن و رژيم بغداد و زدن خنجر به پشت ملت کرد، در آن هنگام سوريه فرصت را مغتنم شمرد، بعلت تيره شدن روابط وي با عراق و از طالباني درخواست نمود که از اروپا به سوريه منتقل گردد. طولي نکشيد که ايشان بدستور سازمان امنيت سوريه، حزبي بنام «اتحاد ميهنی کردستان» تشکيل داد و پس از مسلح شدن و گرفتن بيست هزار دينار عراقي بعنوان حقوق ماهانه، در سال ۱۹۷۷ با همراهي چند نفر از سازمان امنيت سوريه از مرز ترکيه و با کمک عمال سازمان امنيت آن کشور به خاک کردستان عراق وارد شد. به محض ورود پشت به سوريها کرد و يك نماينده از طرف خود بنام «علي عسکري» بطور محرمانه براي مذاکرات به بغداد فرستاد ليکن حکومت عراق اهميتي براي او قائل نشد و طالباني ناچار شد به کمک عمال ساواک از آبادي «زبوه» که جزو استان رضاييه است به خاک ايران وارد شود و با کاميونهايي که قبلاً بوسيله ساواک تهيه شده بود، مهمات و طرفداران خود را به منطقه سردشت انتقال داده و در يك آبادي بنام «نوکان» اقامت گزيد.

۱۶ - سال پيش دکتري «محمود عثمان» که يکي از همراهان معروف طالباني مي باشد نامه اي براي «شمس الدين» معروف به «امير قاسمي» که اکنون در اروپا مي باشد فرستاد. در اين نامه وي از طالباني انتقاد کرده و اظهار تاسف کرده که طالباني هنوز اصرار دارد به ترانههاي «فريد الاطرش» گوش کند. منظورش اين است که طالباني هنوز اصرار دارد با ساواک همکاري کند.

۱۷ - طالباني در روزنامه اطلاعات شماره (۱۵۷۷۰) روز يکشنبه هشتم بهمن ماه ۱۳۵۷ نوشته است که وي همه حقايق را براي شريف امامي نخست وزير اسبق و مجلسين توضيح داده و آيا اين به آن معنا نيست که طالباني همه چيز را براي آنکه قبل از شريف امامي بوده و آنکه بعد از شريف امامي آمده نوشته باشد؟ و پرسش ديگري که خود بخود مطرح مي شود آن است که آيا کوششهاي جديد طالباني به آن معنا نيست که ايشان پس از توافق سوريه و عراق سعي مي کند منبع ديگري دست و پا کند؟

پاسخ به اين پرسشها را فقط و فقط آينده خواهد داد اما اينکه من بتوانم بگويم که امکان دارد برخي از افراد بخواهند بازرگاني باشند ولي آيا ممکن است از اصل تقليد نمود؟ و براي طالباني هنوز زود است عمق رهبري بارزاني را درک نمايد. ۸ اسفند ۱۳۵۷. هوشيار کردستاني (اطلاعات ۱۲/۱۲/۱۳۵۷)

ملا مصطفي بارزاني درگذشت

لندن - خبرگزاري فرانسه : ملا مصطفي بارزاني، رهبر پيشين جنبش کردستان عراق عصر پنجشنبه در يکي از بیمارستانهاي واشنگتن به حمله قلبي درگذشت. ملا مصطفي که از سه سال پيش به سرطان ريه مبتلا بود، در اين بیمارستان بستري شده بود. خبر درگذشت ملا مصطفي را دفتر نمايندگي حزب او در لندن اعلام کرد و گفت قرار است يك هواپيما براي انتقال جنازه او به

واشنگتن برود. زیرا قرار است که جنازه اش در «اشنویه» در غرب آذربایجان به خاک سپرده شود.

ملا مصطفی چند روز پس از امضای قرارداد آشتی ایران و عراق در ۱۵ اسفند ۱۳۵۴، که به نبرد او برای کسب استقلال کردستان عراق پایان می‌داد. عراق را ترک کرده و بایران آمد. ملا مصطفی در اوایل قرن کنونی در بارزان، شمال عراق دنیا آمد، او از ۱۹۳۱ در جنبش ملی کردستان در شرکت کرد و در ۱۹۴۳ کوشید تا یک دولت خودمختار کرد در عراق پدید آورد. اما زیر فشار نیروهای انگلیسی و عراقی ناگزیر شد به ایران بگریزد. و به جنبش کردستان ایران بپیوندد. اما از ایران هم به شوروی گریخت و ۱۲ سال در آنجا به سر برد. او در سفر به شوروی ۵۰۰ تن از افراد قبیله اش را با خود برد. پس از انقلاب عراق و روی کار آمدن عبدالکریم قاسم، ملا مصطفی به عراق بازگشت و نبرد را در شمال عراق از سر گرفت تا اینکه در ۱۱ مارس ۱۹۷۰ (۲۰ اسفند ۱۳۴۹) قراردادی با حزب بعث حاکم امضا کرد که به موجب آن به کردها در چهارچوب جمهوری عراق خودمختاری داده میشد. اما عمر این قرار داد کوتاه بود زیرا عراق به وعده خود عمل نکرد و اختلاف دوباره بالا گرفت و در ۷ مهر ۱۳۵۰ بارزانی از سوءقصدی که علیه او ترکیب یافته بود جان به در برد. بارزانی در آنجا حزب دمکراتیک کردستان عراق را ایجاد کرد و خود رئیس آن شد. در ۲۰ اسفند ۱۳۵۳ دولت مرکزی عراق یکطرفی قانون خودمختاری شمال را اعلام کرد که چون در مورد قبول کردها نبود بحران شدت یافت و بارزانی که حالا دیگر از طرف شوروی هم محکوم می‌شد هیچ کمکی دریافت نمی‌کرد مگر ایران که ایران هم با امضای قرار داد ۱۵ اسفند ۱۳۵۴ دست از کمک به او برداشت. لذا ملا مصطفی از عراق به تهران آمد و پس از مدتی به آمریکا رفت و عملاً صحنه سیاست را ترک گفت. مرگ ملا مصطفی که گفته می‌شود قصد داشته به زودی به ایران بیاید، در محافل کرد ایران همچون یک «خبر خوب» تلقی شده است. یک سخنگوی حزب دمکرات ایران گفت، خلق‌های کرد از خبر مرگ کسی که در سال‌های اخیر جنبش کرد عراق را به شاه و سیا فروخته بود، احساس راحتی خواهد کرد.» این سخنگو افزود که بارزانی در بسیاری از مناطق کردستان ایران و عراق بعنوان یک خائن و خودپرست که نیروهای پیش مرگه را در راه جاه طلبی‌های خود نابود کرد، معروف است. (کیهان ۱۲/۱۲/۱۳۵۷)

ملا مصطفی بارزانی در گذشت.

مهاباد - فرستاده ویژه اطلاعات: گزارهای رسیده از مهاباد حاکی است که ملا مصطفی بارزانی در آمریکا درگذشته است. وی که حدود ۷۵ سال داشت از سالها پیش از سرطان رنج می‌برد و پس از پاشیده شدن انقلاب کردهای شمال عراق به رهبری او مدتی در کرج بود و پس از آن به آمریکا رفت. گفته می‌شود ملا مصطفی بارزانی وصیت کرده است، جنازه او در «اشنویه» واقع در منطقه کردنشین ایران دفن شود. وی در زمان اعلام جمهوری کردستان به رهبری قاضی محمد در ایران، از یاران او بود و از سوی او به درجه ژنرالی رسید. او پس از تسلیم قاضی محمد مدتها با دولت مرکزی ایران می‌جنگید و بعد از آن به روسیه رفت. بارزانی در زمان «عبدالکریم قاسم» به کردستان عراق رفت و در سال ۱۹۶۱ جنگ با دولت عراق برای خود مختاری کردستان عراق را آزاد کرد. بارزانی در نامه‌ای که در ۹ فوریه ۱۹۷۷ به «جیمی کارتر» رئیس جمهوری آمریکا نوشت از قطع کمک‌های آمریکا و ایران که یاران او در این نبرد بودند، سخت گله کرد و تقاضای کمک نمود. (اطلاعات ۱۲/۱۲/۱۳۵۷)

۳ روز عزا

اشنویه - بمناسبت در گذشت ملا مصطفی بارزانی، شورای انقلاب «اشنویه» بمدت ۳ روز در این منطقه اعلام عزاداری کرده و بدنبال آن کلیه ادارات، مدارس و مغازه‌های بازار و شهر تعطیل شد. (اطلاعات ۱۳/۱۲/۱۳۵۷)

جسد بارزانی بخاک سپرده شد.

اشنویه - (خبرنگار اطلاعات): دوشنبه گذشته جسد «ملا مصطفی بارزانی» رهبر فقید کردهای شورشی عراق با هلی‌کوپتر نیروی هوایی ملی ایران به «اشنویه» انتقال یافت و در میان تآثر بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کردهای ایرانی به خاک سپرده شد. در مراسم تدفین جسد ملا مصطفی بارزانی، سرود ملی کردستان خوانده شد و جمعیت فریاد زدند: «درود بر امام خمینی مبارز قهرمان آزادی بخش ایران - درود بر بارزانی فقید مبارز از جان گذشته ملت کرد».

میتینگ ۳۰۰ هزار نفری

جسد ملا مصطفی بارزانی در گورستان اختصاصی ۱۳ هکتاری «اشنویه» که برای دفن پناهندگان کرد به ایران از چندی پیش تدارک دیده شده بود، دفن گردید. دیروز نیز ۳۰۰ هزار نفر کرد از سراسر کشور در میتینگ عظیم «اشنویه» شرکت کردند. در این میتینگ که خبرنگاران داخلی و خارجی نیز حضور داشتند آقای محمودزاده نماینده شورای انقلاب اشنویه بخاطر فوت ملا مصطفی بارزانی، ۳ روز دیگر در این شهر اعلام عزاداری نمود. سپس ملا کریم شهرکندی نماینده کردهای مهاباد طی سخنانی اعلام داشت که ماده ۸ از خواسته‌های کردها در مورد ملا مصطفی بارزانی حذف خواهد شد. «ملا صالح رحیمی» نماینده مردم نرده نیز در این زمینه صحبت کرد. در این مراسم استاد «هزار» اشعاری قرائت کرد که حاضرین را بشدت تحت تأثیر قرار داد.

امام رهبر بزرگ

در میتینگ کردها در اشنویه مسعود بارزانی پسر ملا مصطفی، در سخنان خود، امام خمینی را رهبر بزرگ اسلامی خواند و افزود: «امام خمینی فرمودند که کردهای ایران را به حقوق حقه خود خواهند رساند و بدانید که شما کردها هیچ وقت تجزیه طلب نبوده و حاضر نخواهید بود کاری کنید که بر مشکلات دولت اسلامی بیافزاید. به شما وعده می‌دهم که این رهبر بزرگ زیر پرچم اسلامی ایران و چارچوب تشکیلات جمهوری اسلامی، به شما خودمختاری خواهند داد». مسعود بارزانی در مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرد: «ما نه تنها در اشنویه بلکه در هیچ کجای ایران پایگاه موقت نداریم و تنها پایگاه موقت ما در خاک عراق است».

وی گفت: «شاه سابق بما خیانت کرد و با نابود کردن شورش ما در عراق، ۲۰ هزار کرد را به کشتن داد و از پشت به ما خنجر زد» طبق اطلاع، قریب به یکصد هزار نفر از کردهای عراق و ترکیه برای شرکت در مراسم تدفین ملا مصطفی بارزانی. قصد آمدن به اشنویه را داشتند که با ورود آنان به خاک ایران مخالفت شد. (اطلاعات ۱۶/۱۲/۱۳۵۷)

تجلیل از ملا مصطفی

مهاباد - دیروز از طرف علمای مهاباد، مراسم به مناسبت در گذشت ملا مصطفی بارزانی برپا شد. در این مراسم که در مسجد جامع مهاباد برپا گردید عده‌ای از خبرنگاران خارجی نیز حضور داشتند و حجت الاسلام «ملا مصطفی شهریکندی» و «حجت الاسلام ملا رشید قرنی» نیز ضمن سخنرانی از مقام بزرگ و ارزنده و مبارزات دلیرانه ملا مصطفی تجلیل کردند. در این مراسم از

روانشاد دکتر «محمد مصدق» نیز تجلیل بعمل آمد و جمعیت حاضر در جلسه بار دیگر ضمن تأیید امام خمینی و رهبری بحق معظم له، تأکید کردند که ملت کرد، ایرانی است و تجزیه طلب نیست. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۱۷)

مقاله

ایالات متحده آمریکا با برخورداری از تجارب چندصد ساله استعمارگران اروپایی، بویژه امپریالیسم انگلیس، به عرصه سیاست خاورمیانه قدم گذاشت. سیاست (تفرقه بیانداز حکومت کن) فصل مهمی است در توطئه گریهای استعمار یفوت و فنهای این سیاست را امپراتوری شکست خورده و تحت تکفل بریتانیا از جنگ دوم به بعد در اختیار امپریالیستهای تازه نفس و آزمند آمریکایی گذاشت. بخش عقب مانده جوان، از جمله خاورمیانه مملو از ناهمگونیها، جداییها و اختلافات منطقه ای، قومی، زمانی و اقتصادی بوده است. اینها نمودها و ویژگیهای مناطق و جوامع فئودالی - قبیله ای در همه جای دنیا است. قاره اروپا نیز تا پیش از قرن شانزدهم چنین وضعی داشته است. تفاوت عمده در تحول اقتصادی - سیاسی اروپا با سایر بخشهای جهان در دو چیز بوده است نخست آنکه این سیر تحول به دلایلی که در این جا مجال ذکر آنها نیست سریعتر از جاهای دیگر صورت گرفت، دوم آنکه به همین دلیل تحول درونی قاره اروپا همراه با دگرسانی منلاطق گوناگون آن بصورت (ملت)، (وحدت جغرافیایی، قومی، فرهنگی، اقتصادی و پدید آمدن تمایز در همین جهات میان مناطق مختلف) بدون مداخلات مخل و برهم زننده، خارجی به انجام رسید.

وحدت سیاسی

از سوی دیگر، در بخشهای عقب مانده جهان که مستقیماً یا غیر مستقیم به زیر یوغ این ملتهای بالنده سرمایه داری کشیده شده اند، این یکپارچگی و انسجام ملی به دلائل اقتصادی یا نتوانسته بود بوجود آید یا بصورتی ناقص در حال پدید شدن بود مثلاً به همین هندوستان اگر نظری بیافکنیم می بینیم که زمینه (بدون دخالت استعمارگران) برای دگرسانی و پدید آمدن (ملتهای) متعددی در آن فراهم بود ایران خودمان از زمان سقوط ساسانیان تا تشکیل دولت صفوی با وجود پیوندهای عمیقی که مناطق مختلف آن با هم داشته اند بی شباهت به شبه قاره هند نبود جز آنکه زمینه برای وحدت سیاسی آن بسیار فراهم تر از هندوستان بود و همین عوامل عینی بود که بنیانگذاری ایران نوین را بدست صفویان میسر ساخت. با این حال ایران نوین به یک امپراطوری فئودالی قبیله ای شبیه تر بوده است تا به یک ملت همگن از نوع اروپایی. با ملتهایی چون ویتنام، کره، ژاپن و ارمنستان. بهره برداری از ناهمگونیهایی که درون واحدهای سیاسی- فرهنگی چون ایران وجود داشته یکی از شیوههای اساسی استعمارگران - در زمانی که مداخله صریح نظامی را به مصلحت خویش نمی دیده اند- بوده است در این زمینه اندیشه های یک آمریکایی بسیار سرشناس به نام ویلیام - اوداگلاس قاضی دیوان کیفر آمریکا که از لیبرالهای (زیبا چهره) آن دیار است خواندنی است او در سالهای ۱۹۴۹-۵۰، یعنی در تندنای جنگ سرد (حمله تبلیغاتی محافل امپریالیستی آمریکا بر نهضت های دمکراتیک و صلح خواهانه جهان به منظور پس زدن شورویها و نیروهای چپ و تسهیل سلطه ارتجاع و استعمار بر بزرگترین بخش ممکن جهان) دوبار به خاورمیانه، از جمله ایران آمده و (سفرنامه ای) تحت عنوان (استرینج لندن، اندرندلی پیل)، (سرزمینهایی شگفت و مردمانی مهربان) نگاشته است.

ملا مصطفی و آمریکا

او در این کتاب ایرانیان را نه چنان می‌بیند که هستند- مجموعه‌ای از مردمی که با داشتن خصوصیات گوناگون خانواده متحدی را تشکیل می‌دهند او یک گروه حاکم فارسی می‌بیند و گروه‌های دیگر غیر فارسی که محکوم(فارسیان) هستند. این(دمکرات) در ایران اختلاف می‌بیند و نه وحدت. شخص نویسنده افتخار آشنایی با آمریکاییان را داشته است که معتقد بودند آذربایجانیها ایرانی نیستند و اینها سالها در آذربایجان به انجام (وظیفه انسانی) مشغول بوده‌اند مگر نه این است که (پارسیان آریایی) هستند. و آذربایجانی‌ها(ترک)؟ مگر نام آن مزدور بزرگ(آریامهر) نبود؟ لقب به این گندگی بیخودی نمی‌شود. اکنون که سخن از نقش بارزانی‌ها، بویژه ملامصطفی در مطبوعات به میان آمده - آنهم در زمینه حرکت انقلابی و خواسته‌های برحق هم میهنان دلیر کرد- به جاست یادی از ملامصطفی کرده شود و نگاهی کوتاه به رابطه او با آرمان ستمدیدگان کرد از یک سو و توطئه‌های استعماری- ارتجاعی علیه حاکمیت و تمامیت ملت و کشور برادر و هم سرنوشت ما عراق از سوی دیگر افکنده شود به سبب کمبود اطلاعات مشخص و معتبر(که امید است دیگران فراهم آورند) به نقل قول‌هایی بسنده می‌شود: (جیم هوگلند که از راه‌های مخفی «احتمالاً از ایران» به مقرر فرماندهی ملامصطفی رفته با وی مصاحبه کرده است. ملا مصطفی در این مصاحبه از آمریکا کم‌کم‌های «سیاسی، انسانی و نظامی» می‌خواهد چه علنی، چه مخفی»).

ترس از شوروی

توجه بشود که دولت عراق در این سال نفت خود را ملی کرده است. ملا مصطفی می‌گوید که اگر دولت عراق قبلاً با او مشورتی می‌کرد، او با ملی کردن ناگهانی(!!) مناطق نفتخیز کرکوک مخالفت می‌کرد. بارزانی گفت: ما حاضریم تا آنجا که بتوانیم با سیاست آمریکا در این منطقه موافقت کنیم به شرط اینکه آمریکاییها از ما در مقابل «گرگها» حفاظت کند.(اگر کمک آمریکا به اندازه کافی باشد ما می‌توانیم مناطق کرکوک را کنترل کنیم و بگذاریم که یک شرکت آمریکایی در آنجا فعالیت کند...). بارزانی گفت: (ما عاملی مهم در خاورمیانه هستیم)(کدام جهت؟) و اینکه (کردها) با گسترش نفوذ شوروی در عراق مخالفتند. این شد منطق. مرتجع‌های همیشه از هر تکانی که زنجیرهای نفوذ استعمار را سست گرداند بختک نفوذ شوروی را بر می‌انگیزند و می‌خواهند تا این شبه وحشتناک نزدیکتر نشده است آن تکان را سرکوب کند اصولاً سست شدن نفوذ استعمارگران خودش به منزله درآمدن نفوذ شوروی به جای آن است، و این هیچ دلیل نمی‌خواهد. هوگلند یادشده بنا به گزارش‌هایی که شنیده از ملا مصطفی می‌پرسد:

آیا این درست است که او از اسرائیل کم‌کم‌های مالی و نظامی می‌گیرد؟
جواب: "چیزهایی است که اگر حقیقت هم داشته باشد بهتر است درباره آنها حرفی زده نشود." بارزانی در این مصاحبه از کم‌کم‌های شاه سابق تسکر می‌کند ولی می‌گوید این کم‌کمها فقط به ده درصد نیازکنندهایش می‌رسد او به وضوح گفت که حاضر است از طریق اسرائیل و کشورهای دیگر کم‌کم‌هایی از آمریکا دریافت کند. اما اضافه کرد که ترجیح می‌دهد که آمریکایی بی واسطه به او کمک کند.(نه به توسط ایران) ۱۳۵۳/۱/۶ از جوزف-فچت، در ابزرور، از جمله از قول ملامصطفی چنین می‌نویسد (از سال ۱۹۷۱ که دولت فعلی(عراق) قرارداد دوستی با شوروی را امضا کرد عراق بصورت مرکز اصلی نفوذ شوروی در دنیای عرب در منطقه خلیج فارس درآمد (اوبدون رودرواستی تقاضای

حمایت از ناحیه آمریکا را دارد و در برابر آن امتیازاتی را برای اکتشاف و بهره برداری منابع نفت (کروک) و دیگر معادن کردستان پیشنهاد می‌کند» او مدعی است که دولت بغداد این معادن غنی را بی جهت از یاد برده است» و ملا مصطفی بارزانی آماده است که این منابع را در اختیار کشورهای بگذارد که آشکارا یا پنهانی از (کردها) حمایت کنند).

نفت و مساله کرد

۱۳۵۲/۷/۸ هنگامی که جنگ ارتش عراق با نیروهای بارزانی شدت گرفته بود مفسر معلوم الحال اسوت آشیتد پرس ملا مصطفی را چنین می‌ستاید (...). این جنگی خاکستری مو با شدیدترین و خونینترین جنگ زندگی خود رودروست، که مقداری از آن به تصاعد قیمتهای نفت مربوط می‌شود و موضوع مورد دعوا را مهمتر از پیش می‌کند...

۱۳۵۴/۱/۴ بیروت- یونایتد پرس به خبرگزاری فرانسه: بارزانی در مصاحبه خود سیاست آمریکا را نکوهش کرده می‌گوید: "در گذشته مذاکراتی سری با مقامات آمریکایی انجام داده بود و مقامات آمریکایی حمایت غیراصلي خود را از پیش مرگان اعلام کرده بودند او گفت آمریکا ما را تشویق می‌کرد و هرچند تعهدی صریح و کتبی به ما ندادند اما همیشه از مذاکرات خود با آنها چنین می‌فهمیدیم که آنها به هنگام نیاز ما را تنها نخواهند گذاشت". (کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۲۰)

طالبانی: ما به کردستان انقلاب صادر نمی‌کنیم.

«جلال طالبانی»، دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق و عبارتی رهبر جنبش کردهای عراق در يك گفتگوی اختصاصی با خبرنگار اطلاعات، از توطئه‌ها و نقشه‌های مخفی شاه و اسرائیل در کردستان عراق پرده بر گرفت و بسیاری از رازها را فاش کرد. دکتر جلال طالبانی صریحاً اعلام کرد که خود مختاری کردستان ایران، او را خوشحال می‌کند اما در مورد اتحاد کردستان ایران و عراق گفت: «این چیزی است که شاید در آینده بتوان در اتحاد خلقهای خاورمیانه به آن دست یافت». او گفت: «حوادث کردستان ایران مربوط به کردهای ایران است و هرگز این فکر را نداشته و ندارد که به کردستان ایران انقلاب صادر کند». متن مصاحبه خبرنگار اطلاعات با دکتر طالبانی به این شرح است:

س: از جنبش کنونی کردها در عراق بگوئید و از اتحادیه میهنی کردستان که رهبری این جنبش را بر عهده دارد.

طالبانی: پس از آنکه بدنبال توافق شاه و صدام حسین در الجزیره، بارزانی جنبش کردها را رها کرد در حالی که می‌توانست ادامه دهد - ما تصمیم گرفتیم يك سازمان انقلابی بنام «اتحادیه میهنی کردستان» تشکیل دهیم. من و «دکتر فواد معصوم»، «عادل مراد» (رئیس سابق اتحادیه محصلین و دانشجویان کرد در عراق)، «دکتر کمال فواد» (رئیس سابق اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا) «عمر» و «عبدالرزاق فیلی»، پایه‌های تشکیل این اتحادیه را در خارج از عراق ریختیم. بعداً با مبارزان داخلی تماس گرفتیم و تشکیلاتی در داخل بوجود آوردیم. پس از آن، سازمان مارکسیست لنینیستی کردستان عراق نیز به ما پیوست. پس از تشکیل اتحادیه در ۲۱ مه ۱۹۷۵ جنبش رفته رفته گسترش پیدا کرد، زیرا ما اعتقاد داشتیم که شرایط عینی برای انقلاب هنوز موجود است و فرار بارزانی شکست يك رهبر بود نه شکست خلق کرد. بنابراین ما شروع کردیم به تهیه اسلحه و تشکیل گروههای پیشمرگ. همچنین يك جبهه عراقی علیه دولت بعث نیز وجود دارد که «تجمع الوطني العراقي» نامیده می‌شود و از

چند گروه از جمله «ناصریست‌ها»، «بعثی‌های چپ»، «کمونیست‌های انقلابی» و «سوسیالیست‌های مترقی» تشکیل شده است. ما به این «تجمع» پیوستیم. هدف این بود که مبارزه مسلحانه‌ای که از کردستان عراق آغاز می‌شود به یک انقلاب دموکراتیک عراقی برای رهایی عراق از یوغ استبداد و دیکتاتوری و بر سر کار آوردن یک دولت انقلابی مبدل شود که هم دموکراسی برای عراق و هم خودمختاری برای کردستان عراق بوجود بیاورد. یکسال پس از تشکیل اتحادیه، نخستین گروه مسلح مبارز زیر نظر سروان مهندس «غرو» با ۲۵ پارتیزان شروع به فعالیت کرد. همچنین در استان سلیمانیه چندین گروه مسلح بوجود آوردیم و در استان «اریل» نیز گروه‌های مسلح ما شروع به مبارزه کردند اما دو تن از مزدوران بارزانی به نام‌های «کریم سنجاری» و «جوهر نامق» که هر دو ساواکی بوده و در اسرائیل دوره دیده بودند به تحریک عشایر وابسته به بارزانی، گروه نخست را دستگیر کرده و در زندان، زیر شکنجه کشتند. اما گروه‌های ما هر روز رشد بیشتری یافت بطوریکه در پایان سال ۱۹۷۶ پیشمرگان مسلح ما بیش از دو هزار و پانصد نفر شدند. ما اعتقاد داریم که مبارزه مسلحانه تنها راه رهایی خلق و برانداختن دیکتاتوری و استبداد و بدست آوردن آزادی است. پس از شروع مبارزه، جنبش سوسیالیست دموکرات کردستان با نام «جنبش سوسیالیست کردستان» نیز به ما پیوست.

س: اکنون در چه مرحله از این جنبش هستید؟

طالبانی: ما مرحله کنونی انقلاب خودمان را انقلاب دموکراتیک ملی می‌دانیم و می‌خواهیم یک جامعه دموکراتیک و مترقی عراقی به وجود آوریم که خالی از ستم ملی و استبداد و نفوذ امپریالیسم باشد. سیاست ما سیاست استقلال ملی است بدون پیوستن به هیچ ابر قدرتی. چنین دولتی باید به کمک انقلاب فلسطین بشتابد و از آنان حمایت و دفاع کند.

س: در این صورت این جنبش را بر اساس چه اصولی پیش می‌برید.

طالبانی: ما در انقلاب خودمان چند اصل داریم. اول، بسیج توده‌ها و متشکل ساختن نیروهای خلق. دوم، وحدت مبارزه نیروهای مترقی کرد و عرب در عراق. سوم، وحدت، وحدت مبارزه خلق‌های مترقی خاور میانه. یک روز کسی گفت: شاه به بارزانی کمک می‌کرد شما که این پشتیبانی را ندارید. من گفتم: «ایران ما ایران شاه نیست، ایران توده است، ایران ما ایران توده‌های خلق است و بگذارید مسائلی را برای شما بگویم. طول مرز کردنشین عراق با ایران، ترکیه و سوریه به عرض ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر از مردم تخلیه شده همه روستاها را سوزانده‌اند مزارع و چشمه‌ها و تاکستانها را از بین برده‌اند. وسعت منطقه سوخته شده بین ۲۵ تا ۳۰ هزار کیلو متر مربع است. یعنی چیزی سه برابر وسعت لبنان. کاری کرده‌اند که صهیونیست‌ها در فلسطین نکردند. بهمین جهت ما می‌گوئیم که فلسطین دوم هستیم. صدها بچه مرده‌اند و والدین آنها سرگردان شده‌اند. مثل نازیها افراد روستاهای کردنشین را به اردوگاه‌های کار اجباری برده‌اند. آنها را مجبور می‌کنند که بروند و در جنوب کار کنند چرا که عمداً همه کارخانه‌ها را آنجا ساخته‌اند بطوریکه الان در جنوب عراق به ۴۲ هزار کارگر نیاز دارند اما در کردستان هیچ چیز نساخته‌اند».

س: پس آن دوستی چند سال پیش با دولت بعث عراق کجا رفت؟ شما زمانی با دولت عراق همکاری می‌کردید.

طالبانی: بگذارید به سال ۱۹۶۴ باز گردم که بین ۱۵ عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات از جمله دبیر کل و اعضای دفتر سیاسی از یکسو و بارزانی

و هاشم غفراوي (اکنون وزیر در دولت عراق) از سوي ديگر اختلاف افتاد و به این ترتیب حزب دو قسمت شد. در سال ۱۹۶۶ بارزاني دست به کشتن رهبران گروه ما زد و «علي حمدي» عضو کمیته مرکزی و «محمود توفيق» عضو کمیته ایالت سلیمانیه را زندانی کرد و کشت. قرار بود من و ۳ تن از رهبران حزب ما را نیز به همین سرنوشت دچار کند، ولی ما فرار کردیم و مخفی شدیم. در همان سال بارزاني با دولت عراق به توافق‌هایی رسید و ما هم به این توافق راضی شدیم. در همین حال بارزاني رفته رفته رابطه‌اش با شاه و ساواک و همچنین «موساد» - سازمان امنیت اسرائیل - نزدیکتر شد و ما دیدیم که انقلاب کرد به زیر سیطره نیروهای مرتجع خاورمیانه می‌رود. در آن موقع ما با «عبدالناصر» خیلی دوستی داشتیم. بعد از توافق بارزاني و دولت عراق، نماینده‌ای نزد ناصر فرستادیم. ناصر نظرش این بود راه توافقی با دولت عراق پیدا کنیم تا جنبش کرد را از زیر تأثیرات شاه و اسرائیل در آوریم. در سال‌های ۶۸-۱۹۶۷ رابطه بارزاني با شاه بسیار نزدیک شد و هیأت نمایندگی اسرائیل نزد بارزاني آمد. بارزاني با «شاه»، «گلدامیر» و «موشه دایان» ملاقات کرده و پذیرفته بود که علیه دولت عراق کار کند. به این ترتیب، بارزاني به جنبش کرد، نقش ارتجاعی بخشید و آن را وابسته، شاه و اسرائیل و امپریالیسم آمریکا کرد. از سوي ديگر ما خواستیم رابطه جنبش کرد با اعراب تقویت شود اما در این راه، ما اشتباه بزرگی کردیم. یعنی بجای این که راه درستی برای وحدت مبارزه کرد و عرب پیدا کنیم شروع به همکاری با دولت عراق کردیم. این اشتباه بزرگ یعنی همکاری با دولت عراق در سال ۱۹۶۸ آغاز و در سال ۱۹۷۰ پایان گرفت. در این هنگام، بار دیگر بارزاني و دولت عراق به توافق‌هایی دست یافته و ما هم با بارزاني متحد شدیم. گرچه من شخصا موافق وحدت با بارزاني نبودم ولی کنگره حزب ما با اکثریت آرا به این موضوع رای داده بود. به این ترتیب ما پیش بارزاني برگشتیم ولی در سال ۱۹۷۲ چون بارزاني از رابطه با آمریکا و شاه دست بردار نبود و حتی پسرش ادیس را نزد هلمز (رئیس وقت سیا) فرستاد، من دیگر بکلی از بارزاني نا امید شدم و به قاهره رفتم. تا سال ۱۹۷۵ که برگشتم و «اتحادیه میهنی کردستان» بوجود آمد.

س: گفته می‌شود اخیرا يك فرستنده رادیویی بنام «رادیو کردستان آزاد» شروع به پخش برنامه کرده است. شما فکر می‌کنید محل این فرستنده را کجا باید جستجو کرد؟

طالبانی: خود من تاکنون صدای این فرستنده رادیویی را نشنیده‌ام ولی يك گروه از افراد بارزاني به رهبری «محمود عبدالرحمان» (سامی) در ترکیه با میت - سازمان امنیت ترکیه- همکاری دارند. آنها يك فرستنده رادیویی در اختیار دارند که در تابستان گذشته بنام «صدای کردستان» برنامه پخش می‌کرد. شاید رادیو کردستان آزاد، همین باشد. ما اطلاع داریم که افراد بارزاني با تماس با چند تن از رؤسای عشایر کرد، قرار بود در نقشه کودتای ۲۸ بهمن جاری به شاه کمک کنند.

س: موضع شاه سابق و ساواک در قبال جنبش کردستان عراق چه بود؟
طالبانی: ما به اسناد محرمانه‌ای دست یافته‌ایم که از همکاری ارتش شاه با ارتش عراق علیه ما حکایت دارد. در پایان سال مسیحی گذشته، هلی کوپترهای عراقی سربازان خود را در خاک ایران نزدیک پاسگاه «گوره شیر» پیاده نمودند و آنگاه از دو طرف به ما حمله کردند. وقتی ما سربازان عراقی را تعقیب کردیم، آنها به پاسگاه‌های ایران پناهنده شدند. همچنین ۶۰۰ کرد پناهنده به

دستور ژنرال‌هاشمي (از مقامات ساواک) به رهبري «صابر احمد مينارندان»، «خلة رشا بحري»، «قادر فرج»، «تحسين شاويس»، «عثمان فتاح»، «فقيه قادر» و «محمد شيخ حسن» به منطقه فرستاده شدند و پس از خرابکاري به دولت عراق پيوستند و حالا عليه ما مي‌جنگند. شاه همچنين گروههاي مسلحي در خاک ايران نزديک مرز عراق مستقر کرد که ۵ نفر به نامهاي «حميد حسين»، «نادر حورامي»، «حسين فيلي»، «قادر سور» و «فقيه رسول» رهبري آنها را بر عهده داشتند. در اکتبر سال گذشته نيز سي نفر از افراد مسلح بارزاني به رهبري «وريا ساعتی» و «آزاد خفاف» از ترکیه با ماشين ساواک به مرز ايران و عراق آورده شدند و آنها به ما حمله کردند. ما آنها را تعقيب کردیم و آنها به خاک ايران گريختند و ارتش که از ماجرا بي خبر بود آنان را دستگير کرد ولي بعد بدستور ساواک آزاد شان کردند و آنها دوباره به ترکیه بازگشتند. اينها گوشه‌هاي از توطئه‌هاي شاه عليه ما بود.

س: آیا ساواک هيچ وقت درصدد تماس و جلب همکاري با شما بر نيامد؟
طالباني: نه ولي چند ماه پيش از سقوط شاه يکي از افراد محلي که تماس‌هاي با مقامات داشت پيش من آمد وگفت: «يك سرهنگ ايراني ازطرف دربار ميل دارد به ديدن شما بيايد. من گفتم فعلاً هوا باراني است بگويد بهار بيايد».

س: صرفنظر از اينکه دبير کل اتحاديه ميهني کردستان عراق هستيد، خودتان شخصاً چه نوع ايدئولوژي سياسي داريد؟ آیا مارکسيست هستيد؟
طالباني: نه مارکسيست نه لينيست نيستم ولي به سوسياليسم معتقدم.

س: آیا شما قبلاً اعلام نکرده بوديد که مارکسيست هستيد؟
طالباني: در سالهاي ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ من عضو حزب دمکرات بودم و اين حزب اعلام کرده بود که مرام سوسيالستي دارد.

س: نيازهاي مالي جنبش کردستان عراق از چه منابعي تأمين مي‌شود؟
طالباني: ما از منابع مختلفي، نيازهاي مالي خود را تأمين مي‌کنيم به اين شرح:

۱ - حق عضويت اعضاي اتحاديه ميهني کردستان عراق.
۲ - جمع آوري پول از مردم کردستان.
۳ - نوعي عوارض (اين عوارض از قاچاقچيان ايراني و عراقي وصول مي‌شود).

۴ - پولي که دهقانان به ما پرداخت مي‌کنند.
۵ - کمک «تجمع الوطني العراقي»، فلسطيني‌ها و بعضي از نيروهاي مترقي .

۶ - کمک يك دولت عربي (بخواست جلال طالباني، اطلاعات نام اين دولت را فاش نمي‌کند).

۷ - ربودن اموال دولت بعثي و پول بانکهاي دولتي عراق.
س: احزاب کمونيست به شما کمک نمي‌کنند؟

طالباني: از آنجا که حزب کمونيست عراق با دولت شوروي دوست است وهنوز هم - از طريق ۲ وزير - در دولت عراق مشارکت دارد و از آنجا که دولت شوروي با دولت عراق پيمان دوستي دارد، احزاب کمونيست نزديک به شوروي در دنيا پشتيبان ما نيستند و به ما کمک نمي‌کنند. البته اخيراً رابطه دولت عراق با حزب کمونيست عراق بهم خورده، عده‌اي از کمونيستها کشته، صدها تن

زندانی و گروه زیادی فراری شده‌اند که دوپست نفر از آنها به انقلاب کرد پیوسته‌اند. حالا احزاب کمونیست نزدیک به شوروی، شروع به تبلیغ علیه دولت عراق کرده‌اند.

س: علت اصلی تیرگی روابط عراق با کمونیستها چیست؟
طالبانی: دولت بعثی عراق، یک دولت ارتجاعی استبدادی است. وقتی با کمونیستها سازش کرده بود نیاز داشت آنها را علیه کردها به سوی خود جلب کند. حالا عراق می‌خواهد از طریق عربستان سعودی به آمریکا نزدیک شود. بهمین جهت به کمونیستها فشار آورده‌اند.
س: گاهی شما را متهم به دخالت در موضوع خودمختاری کردستان ایران می‌کنند. در اینباره چه می‌گویید؟

طالبانی: مسأله کردهای ایران، یک مسأله وابسته به کردهای ایران و خلق‌های ایران است. انقلاب را نمی‌شود از خارج صادر کرد و بنابراین ما نمی‌توانیم برای کردهای ایران، انقلاب صادر کنیم. ما پیروزی انقلاب ایران را یک پیروزی تاریخی برای همه خلق‌های خاورمیانه و از جمله کرد می‌دانیم و پشتیبان این انقلاب هستیم و نمی‌خواهیم هیچ مشکلی برای آن ایجاد شود. بنابراین هر کاری که انقلاب را تضعیف کند، هر نقشه‌ای که لطمه به این انقلاب وارد سازد، یک کار ارتجاعی است و به کردهای ایران خدمت نمی‌کند. لذا ما نه نمی‌خواهیم و نه صحیح می‌دانیم که در این امور دخالت کنیم. البته ما همبستگی و هم‌رزمی با نیروهای مترقی ایران، از جمله کردهای مترقی را داریم.

س: از خودمختاری کردستان ایران خوشحال می‌شوید؟
طالبانی: البته

س: شما از دموکراسی در عراق و خودمختاری برای کردستان عراق سخن می‌گویید. کردهای ایران نیز دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران می‌خواهند. آیا تصور نمی‌کنید روزی که این خواست‌ها عملی شود، این تمایل در میان کردهای عراق و ایران بوجود بیاید که بهم پیوسته و تشکیل یک کشور مستقلی را بدهند؟

طالبانی: مسأله وجود یک ملت کرد، یک واقعیت است. تقسیم شدن کردستان بین کشورهای خاورمیانه (ایران - عراق - ترکیه و سوریه) نیز یک واقعیت است. ولی این وضعیت را من و کس دیگری بوجود نیاورده‌ایم. رهایی کردها از نوع امپریالیسم، ارتجاع و ستم ملی مربوط به رهایی کشورهای نامبرده و برقراری دموکراسی واقعی در این کشورهاست. ولی مسأله وحدت کردستان مربوط به آینده است و خیلی اشکال در راه آن است. من مبارز انقلابی واقع بینی هستم. حالا نمی‌توانم پیش بینی کنم این وحدت، چه وقت و به چه شکل و صورت، بار دیگر تحقق می‌یابد. بنابراین فکر می‌کنم هر قسمت از ملت کرد باید به همکاری دیگر خلق‌های کشوری برای دموکراسی مبارزه کند. مسأله وحدت کرد گرچه حالا در پیش نیست، ولی بهر حال این مفهوم را ندارد که کردها از ایران جدا شوند. شاید یک رژیم دمکراتیک ملی در ایران باشد که کردها بتوانند در زیر سایه اش به همه آرمان‌هایشان دست یابند و کردستان ایران، منطقه جذب دیگر کردستان‌ها شود و به جای تجزیه شدن، ملحق شدن به ایران باشد. من اعتقاد دارم در یک کشور کثیرالملل، دادن حقوق ملی و رفع ستم ملی، باعث مستحکم شدن پایه‌های آن کشور می‌شود.

س: با این حال، آیا فکر نمی‌کنید که کردها ترجیح می‌دهند متحد شوند و تشکیل يك کشور بدهند؟

طالبانی: اگر از يك شاعر کرد بپرسید، شاید يك شعر خوب پیرامون این مسأله برایتان بگوید، چون کردها يك ملت هستند، ولي اگر از يك مبارز واقع بین که می‌خواهد به توده‌های خلق خود خدمت کند، این سوال شود. پاسخ او این است که باید مبارزه برای تحقق یافتن آرمانهای ممکن باشد.

س: آرزوهایی که تحقق یافته‌اند روزی غیر ممکن بودند ...

طالبانی: بله بله

س: آیا شما آرزو ندارید که روزی وحدت ملت کرد عملي شود؟

طالبانی: من اعتقاد دارم که ملت کرد که يك ملت تقسیم شده است، روزی باز متحد خواهد شد ولي نمی‌دانم زیر پرچم کدام دولت یا کدام رژیم و یا تحت چه شرایطی. شاید این وحدت در اتحاد جماهیر خلق‌های خاورمیانه باشد یا در زیر پرچم اتحاد خلق‌های ایران صورت پذیرد و یا به شکلی دیگر. ولي بهر حال من فکر میکنم در آینده خلق‌های دنیا به سوی اتحاد می‌روند نه به سوی جدا شدن از یکدیگر. مثلاً وحدت مبارزه خلق‌های خاورمیانه (کردها، ایرانی‌ها، اعراب، ترکها، افغانها) اجتناب ناپذیر است، به ویژه پس از فرار امپریالیسم از خیلی از کشورهای آسیایی و با در نظر گرفتن اهمیت سوق الجیشی و نفتی و استراتژی و مالی خاورمیانه، امپریالیسم تلاش می‌کند بهر شیوه که ممکن است در این منطقه باقی بماند، در خالی که خلق‌های خاورمیانه می‌خواهند از یوغ امپریالیسم رهایی یابند. بنابراین شاید این وحدت مبارزه، روزی به صورتی در آید که اتحاد کشورهای آزاد و مستقل خاورمیانه ضروری شود.

س: آیا این کلنی خاورمیانه‌ای با آن قدرت، خطری برای جهان نیست؟

طالبانی: نه تنها خطر نیست بلکه کمکی هم برای جهان است. زیرا این کار، مرگ امپریالیسم جهانی را هر چه بیشتر نزدیک می‌کند و به خلق‌های دنیا این فرصت را می‌دهد که خود را از یوغ امپریالیسم و کاپیتالیسم رها کنند.

طالبانی و چهره‌ها

در جریان این مصاحبه، خبرنگار اطلاعات نظر جلال طالبانی را پیرامون چند تن از مردان سیاسی دنیا جویا شد و او درباره هر يك از آنها چنین اظهار نظر کرد:

سادات: بارزانی اعراب است

ناصر: يك رهبر ملي بزرگ و دوست ملت است

ملك خالد: نمی‌شناسم، جداً نمی‌شناسم

ملك حسین: يك بیچاره زرنگ

کارتز: يك حقه باز در زیر ماسک حقوق بشر

برژنف: يك رهبر خسته پیر

تیتو: او را دوست ندارم. يك مرد انقلابی که پادشاه شد.

هوا کوفنگ: خیلی بدبخت است که بعد از مائو آمده است

ژیسکاردستن: يك نماینده بزرگ بورژوازی فرانسه

امام خمینی: يك رهبر انقلابی، قاطع و آگاه

حرج حبش: يك انقلابی صادق و صمیمی که اطراف او را افراد بی کفایت گرفته‌اند.

قذافی: يك مسلمان صمیمی و يك انقلابی عرب. هر چه در دل دارد بر زبان می‌آورد.

شاه سابق: کلمه‌ای نیست که او را وصف کند. فقط باید گفت پسر رضاخان است

سلطان قابوس: باید یک‌هزار سال پیش سلطان می‌شد.
البکر: استاد توطئه‌گری و حقه‌بازی در خاورمیانه
صدام حسین: استاد ترور و شکنجه، خیلی زرنگ‌تر از ژنرال نصیری
جلال طالبانی: یک مبارز کرد، فقط همین

طالبانی در یک نگاه

دکتر جلال طالبانی، حقوقدان، وکیل دادگستری، روزنامه‌نگار و کارشناس جنگ‌های چریکی کوهستانی. پارتیزان‌هایش او را «مام جلال» (عمو جلال) و «مامه» (عموی بزرگ) صدا می‌کنند.

او در سال ۱۹۳۴ در یکی از روستاهای منطقه «بیتون» عراق بدنیا آمده است و تحصیلات ابتدایی و سیکل اول را در شهرک «کوی سنجاق» انجام داد و سپس به کرکوک رفت و در همانجا دیپلم گرفت. پس از آن وارد دانشکده حقوق دانشگاه بغداد شد اما هنگامی که در سال ۱۹۵۵ مشغول تحصیل بود بعثت فعالیت‌های سیاسی او را از دانشگاه بیرون کردند. در سال ۱۹۵۸ پس از کودتای عبدالکریم قاسم به دانشگاه بازگشت. و در سال ۱۹۵۹ فارغ‌التحصیل و وکیل دادگستری شد. در همان سال، بعنوان افسر وظیفه وارد ارتش عراق شد و در سال ۱۹۶۰ خدمتش پایان یافت. در سال ۱۹۴۷ عضو حزب دمکرات کردستان شد و یکسال بعد بعنوان نماینده نخستین کنگره اتحادیه محصلین و دانشجویان عراقی برگزیده شد. در سال ۱۹۵۰ که طالبانی عضو کمیته استان اربیل حزب دمکرات بود برای نخستین بار بخاطر فعالیت‌های سیاسی به زندان افتاد. یکسال بعد در کمیته مرکزی این حزب عضویت یافت. در سال ۱۹۵۳ دبیر اتحادیه دانشجویان کردستان عراق شد و سال بعد، از اعضای دفتر سیاسی حزب دمکرات به شمار می‌رفت. سال ۱۹۵۵ برای اولین بار به خارج رفت و در فستیوال جهانی جوانان در ورشو شرکت کرد. پس از آن به شوروی و چین رفت اما چون خروجش از عراق بطور غیر مجاز بود پس از بازگشت مخفی شد در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ نخستین روزنامه سیاسی کردی بنام «کردستان» به سردبیری او در بغداد منتشر شد و طالبانی در کمیته اجرایی سندیکای روزنامه‌نگاران عراق عضویت یافت ولی در سال ۱۹۶۰ بعثت فعالیت‌های سیاسی و اختلاف با «عبدالکریم قاسم» بار دیگر مخفی شد و یکسال بعد مبارزه مسلحانه علیه او را شروع کرد. در آن زمان عضو دفتر سیاسی و فرمانده شاخه نظامی حزب دمکرات کردستان بود و در طی سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴ «نیروی رزگاری» را نیز در کرکوک و سلیمانیه فرماندهی می‌کرد. سال ۱۹۶۳ به عنوان رئیس هیات نمایندگی کرد با دولت عراق مذاکره کرد و به نمایندگی انقلاب کرد و حزب دموکرات کردستان برای ملاقات با ناصر و بومدین به مصر و الجزایر رفت و در همین سفر بود که دوستی صمیمانه با ناصر پیدا کرد. در سال ۱۹۶۵ به کنگره بین‌المللی همبستگی با ویتنام در هلسینکی رفت و در سال ۱۹۶۷ تز او به نام «سوسیالیسم و مسأله ملی کرد در عراق» در کنگره سوسیالیست‌های عربی به تصویب رسید. در طی سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ روزنامه‌ای بنام «النور» در بغداد و مجله‌ای کردی بنام «رزگاری» در سلیمانیه منتشر کرد.

سال ۱۹۷۲ بدنبال نارضایی از بارزانی، از کردستان عراق به مصر رفت و تا سال ۱۹۷۵ در مصر بود و در همانجا اتحادیه میهنی کردستان عراق را تشکیل داد. در همان سال به سوریه رفت و در سال ۱۹۷۷ برای شرکت در جنبش

کنونی کردهای عراق بار دیگر به کردستان بازگشت. وی ۱۲ سال پیش ازدواج کرد و ۲ فرزند ۸ و ۲ ساله دارد. دکتر جلال طالبانی به زبانهای عربی، انگلیسی، فارسی و فرانسه تسلط دارد. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۲۱)
تضعیف دولت موجب درگیری مردم می‌شود.
... حمایت از خلق کرد

در پایان این مصاحبه سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق، ضمن اعلام حمایت از خواستههای برحق کرد گفت: باید در مقابل توطئه‌های امپریالیسم هشیار بود چرا که آمریکا به توسط بقایای ایل بازرانی در کردستان، قصد ایجاد جنگ داخلی دارد و اگر بتواند با ایجاد این توطئه‌ها تحت عنوان تجزیه طلبی، دولت را بر علیه خلق کرد تجهیز کند، مسلماً به هدف خود یعنی حفظ و بازسازی ارتش با فرمولهای قدیمی خواهد رسید. (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۲۱)
یکی از افراد قیاده موقت: ارتش ترکیه مخالفان طالبانی را آموزش می‌دهد.
شورشیان کرد یک افسر عراقی را دستگیر کردند.

مقر جلال طالبانی: شورشیان کرد عراق اعلام کردند یک افسر عراقی را در ناحیه هولیر در حین درگیری نظامی با ارتش عراق دستگیر کرده‌اند. این افسر به همراه چند سرباز عراقی دستگیر شده که سربازان پس از بازجویی کوتاهی آزاد شدند. افسر اسیر شده عراقی در گفتگویی با خبرنگار اعزامی کیهان خود را سروان حاسم محمد محمود اهل بصره و از تیپ ۸ پیاده عراق معرفی کرد وی گفت شورشیان دست چپی کرد با او به نیکی رفتار کرده‌اند و قرار شده به مناسبت عید نوروز (عید ملی کردها) وی را آزاد کنند. افسر عراقی گفت در ارتش عراق غیر از بعثی‌ها کسی به درجه افسری نمی‌رسد و برای کسانی که سعی کنند یک عراقی بعثی را به مرام دیگری تبدیل کنند مجازات اعدام پیش بینی شده است. غیر از افسر اسیر شده کردهای شورشی که وابسته به اتحادیه میهنی کردستان می‌باشد تاکنون دهها نفر از افراد قیاده موقت را دستگیر کرده‌اند. قیاده موقت وسیله مسعود و ادريس بارزانی پسران ملامصطفی رهبری می‌شوند و با کمک دولت سابق ایران، ترکیه، اسرائیل و آمریکا علیه دولت عراق و شورشیان طرفدار جلال طالبانی می‌جنگند. کاکه رش احمد کردی یکی از طرفداران قیاده موقت بوسیله اهالی روستای (بیوران) سردشت دستگیر و تحویل افراد جلال طالبانی شده در گفتگویی با خبرنگار اعزامی کیهان اعتراف کرد که در یکی از پایگاههای (قیاده موقت) در ترکیه به نام (گوسته تمزینان) دوره دیده است. وی گفت افراد ارتش ترکیه با قیاده موقت ارتباط داشته و از لحاظ مالی آنها را تأمین می‌کنند او که پزشکیار است و دو سال بعنوان پناهنده در جهرم و بوشهر بوده خود را مارکسیست انقلابی می‌داند و معتقد است که افراد طالبانی انقلابی نیستند! وی اعتراف کرد که از ساواک ایران به آنها دستور می‌دادند که علیه اتحادیه میهنی کردستان عراق مبارزه کنند. کاکه رش اضافه کرد: شخصی بنام دکتر کمال (محمد قادر) و مهندس محمد محمود عبدالرحمن معروف به سامی رهبری افراد قیاده موقت را بر عهده دارند. به گفته این شخص دکتر کمال رابط ادريس بارزانی و عظیمه کرج با پایگاههای قیاده موقت می‌باشد در جنگ حکاری که سال پیش اتفاق افتاده افراد بارزانی با همکاری نیروهای ترکیه، عراق ایران افراد طالبانی را شکست داده و بیش از ۴۰ میلیون لیره ترک اسلحه به دست دولت ترکیه افتاد این اسلحه‌ها از یک کشور عربی از طریق ترکیه به صورت قاچاق برای افراد طالبانی فرستاده شده بود. کاکه رش در گفتگویی خود اعلام داشت عشایر کرد و رئیس

بلديه (شهرداری) چوله ميرك تركيه با افراد قياده موقت همكاري مي‌كنند به گفته اين شخص هم اكنون ۷۰۰۰ پاينگاه قياده موقت با نزديك به ۷۰۰ نفر از طرفداران بارزاني در مرز تركيه مستقر مي‌باشند. از سوي ديگر ستوان دوم طاهري افسر پاينگاه اطلاعاتي سردشت در گفتگويي با كيهان تايبد كرد كه ارتش ايران در زمان شاه با قياده موقت همكاري مي‌كرده است وي گفت با وجود انكه طالباني هيچگاه به خاك ايران حمله نكرده است ولي به ما دستور داده مي‌شد كه پاينگاههاي طالباني را در مرز عراق گلوله باران كنيم وي گفت هر كدام از اعضاي طالباني را كه ما دستگير مي‌كرديم تحويل عراق مي‌داديم ولي افراد قياده موقت مي‌توانستند آزادانه در خاك ايران عبور و مرور كنند وي تايبد كرد كه يك بار ارتش ايران ۲۲ نفر از افراد طالباني را دستگير كردند و از طريق پيرانشهر تحويل عراق داده شدند. (كيهان ۱۲/۲۳/۱۳۵۷)

كمونيستهاي عراق به شورشيان كرد ملحق مي‌شوند.

مرز عراق - خبرنگار اعزامي كيهان : سه عضو برجسته كمونيست، متحد حزب بعث سوسياليست در جبهه ملي عراق، با اعدام محكوم شدند اين سه نفر سليمان يوسف عضو كميته مركزي حزب، سعيد مطر سرهنگ دوم بازنشسته و عبدالله امير عباس يك رهبر سنديكاي كل كارگران عراق هستند اين دومين اعدام جمعي كمونيستهاي عراق در عرض يكسال گذشته است بدنيال اعدام كادرهاي حزب كمونيست عراق كه از سال ۱۹۷۲ در جبهه ملي عراق شركت دارد دهها نفر از كمونيستها در نواحي مختلف كردستان عراق به كوهستانها فرار کرده و به شورشيان كرد پناه داده‌اند هنوز كميته مركزي حزب رسماً در برابر اين حوادث واكنشي نشان نداده است رسول مامند رهبر جنبش سوسياليستهاي عراق ضمن اعلام مطلب فوق افزود تاكنون بيش از ۲۰۰ تن از كمونيستها به شورشيان كرد عراق پيوسته و گروههاي از آنها در مبارزه مسلحانه عليه دولت بعثي مستقيماً شركت کرده‌اند. در برابر اين عده محمود حاج فقيه حذر عضو مجلس اجرايي ناحيه به اصطلاح خود مختار عراق و ملا احمد عباس باني خيلاني معروف به (ملا ديالكتيكي) و عضو كميته مركزي حزب كمونيست عراق ديده مي‌شوند. چند تن از كمونيستهاي عراق كه به شورشيان كرد پيوسته‌اند در گفت و گويي به خبرنگار اعزامي كيهان گفتند دولت عراق در ماههاي اخير فشارهاي بر كمونيستهاي عراق وارد کرده و از فعاليت اين حزب در شهرهاي عراق جلوگيري مي‌كنند اما حزب كمونيست هنوز رسماً در دولت عراق شركت دارد. و دو وزير آن در كابينه هستند. يك ماه قبل در جريان انتخابات سنديكاي معلمان عراق شانزده هزار معلم طرفدار كمونيستها انتخابات سنديكا به عنوان اعتراض به روش دولت بعثي تحريم کرده‌اند و هم اكنون از انتشار روزنامه (طريق - الشعب) (راه خلق) كه به طور دائم از دولت بعثي انتقاد مي‌كند در شهرهاي عراق جلوگيري مي‌شود تصفيه كارخانهها و موسسات دولتي از كمونيستها نيز مدتي است كه آغاز شده است. حزب كمونيست عراق در ماههاي اخير خط مشي دولت بعثي عراق را در نايود كردن زوستاها و شهرهاي كردنشين و وادار كردن كردها به ترك محل زندگي خود و همچنين موضع عراق را در قبال مسئله فلسطين و آيت الله خميني را مورد انتقاد قرار داده است كمونيستهاي عراق همچنين از گرايش دولت بعثي به طرف غرب ناخشنود هستند دولت عراق هم اكنون ۸۵٪ كالاهاي تجاري خود را از كشورهاي غربي بويژه ژاپن، آمريكا و فرانسه وارد مي‌كند و اخيراً صدام حسين در نطقهاي خود آمادگي دولت عراق را براي تجديد

رابطه با آمریکا اعلام داشته است. کشورهای سوسیالیستی و بویژه شوروی بزرگترین تأمین کننده اسلحه دولت عراق هستند. اگر چه عراق در ماههای اخیر مقادیری اسلحه از آلمان غربی و فلرانسه نیز خریداری کرده است. دولت عراق اخیراً قانونی به تصویب رسانده که به موجب آن هرکس که از سال ۱۹۶۸ به ارتش عراق خدمت کرده باشد از فعالیت در حزب کمونیست منع شده و برای متخلفین مجازات اعدام پیش بینی کرده است. (کیهان ۲۵/۱۲/۱۳۵۷)

هلال خضیب: خوابی که آمریکا برای خاورمیانه دیده است.

آقای سید جعفر خاتمی با طرح این مقاله در صفحه ۵ روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶ فروردین ۱۳۵۸ پس از اشاره به وضعیت خاورمیانه عربی و تبیین (طرح هلال خضیب) در یکی از موارد به (مراجعت جلال طالبانی اشاره میکند: ۰۰۰۰

۶ - مراجعت جلال طالبانی (کردستان)

جلال طالبانی یکی از رهبران استقلال طلب کردستان است اخیراً از لندن به کوهستانهای کردستان وارد شد. جلال طالبانی که در روزهای قیام ملا مصطفی بارزانی با او شدیداً اختلاف داشت در آن زمان در شهر لندن در یک مصاحبه مطبوعاتی ادعا نمود که بارزانی آلت دست شورویهاست و سلاح خود را از روسها در یافت می دارد و در حالی که چنین نبود و بارزانی سر سپرده آمریکا بوده و اسلحه‌هایی که در دست داشت سلاحهایی بود که ارتش آمریکا در ویتنام و کامبوج به غنیمت بدست آورده بود از طریق دولت سابق ایران به بارزانی داده می‌شود. طالبانی که مسلماً از عوامل اعتماد عرب است با حضور ناگهانی خود در کردستان و قیام مسلحانه، این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که امکان دارد اونیز یکی از حلقه‌های زنجیری باشد که برای اجرای طرح خاورمیانه در نظر گرفته شده است.

تحریک اوضاع در کردستان چند هدف داشته و دارد ۰۰۰۰ یکی اینکه بر حسب طرح آمریکایی (هلال خضیب) کوشش می‌کند کردستان را از ایران جدا ساخته و به کردستان ترکیه و سوریه و عراق ملحق سازند تا یک کشور مستقل ایجاد شود اگر چه اکثر کردهای وطن پرست، دیگر این اینکه با طرح تجزیه طلبی مخالفند نتوانستند آن را از ایران جدا کنند. لاقلاً تحریک کنند. اوضاع در کردستان عراق و سوریه و ترکیه باشند خصوصاً الان که دولت موقت قبول کرده که یک نوع خودمختاری به کردستان بدهد. کردهای عراقی هم به فکر خواهند افتاد و تحریک می‌شود که در عراق هم چنین کاری انجام دهند.....

(اطلاعات ۱۶/۱/۱۳۵۸)

امام جمعه اهل تسنن کرمانشاه:

فرزندان بارزانی از انقلاب ایران پشتیبانی کردند.

کرمانشاه- خبرنگار اطلاعات: ملا محمد ربیعی امام جمعه اهل تسنن کرمانشاه که برای شرکت در مراسم چهلمین روز درگذشت ملا مصطفی بارزانی در رأس هیأتی به «اشنویه» رفته بود به کرمانشاه بازگشت.

وی در گفتگویی با خبرنگار ما اظهار داشت: در این مراسم نمایندگان کردهای عراق و ترکیه ادریس و مسعود بارزانی فرزندان ملا مصطفی و بیش از بیست هزار تن از مردم اشنویه و کردهای دیگر مناطق شرکت داشتند.

سرهنگ «تازه بهار» نیز از سوی ژاندارمری کشور جمهوری اسلامی ایران تاج گلی نثار آرامگاه ملا مصطفی کرد.

ملا محمد ربیعی افزود: «در این مراسم فرزندان بارزانی ضمن تأیید انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پشتیبانی کردند.» (اطلاعات ۱۳۵۸/۱/۲۵)

پیشمرگان کرد ۱۸ سرباز عراقی را کشتند.

بیروت- خبرگزاری فرانسه: یکی از مسوولان نیروهای مشترک کرد عراقی (ف.س.ک) ضمن توقف کوتاهی در بیروت در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری فرانسه گفت: در جریان حمله «پیشمرگان کرد» به یک پاسگاه نیروهای عراقی در سوم آوریل (۴ فروردین) در منطقه آزاد نزدیک شهر حاجی عمران، و حمله به یک کاروان نظامی عراقی در نزدیکی شهر قلعه دره در هشتم همین ماه هیجده سرباز عراقی کشته شدند.

این مقام کرد گفت: «برخی از روستاهای کرد عملاً زیر کنترل ماست.» وی تأکید کرد که «نیروهای مشترک کرد» ثمره توافقی است که بین «اتحاد ملی کردستان» به رهبری دکتر جلال طالبانی و «حزب دموکراتیک کرد - کمیته موقت»، به رهبری ملا مصطفی بارزانی، حاصل شده است. این مقام کرد گفت: نیروهای مشترک کرد در شمال عراق اردوگاههای تعلیماتی و مواضع نظامی در منطقه قلعه دره دارند.

او گفت: «ما با حزب کمونیست عراق مناسبات خوبی داریم چرا که این حزب از چند سال قبل از طرف مقامات عراقی زیر فشار قرار گرفته است.» وی همچنین از یک پایگاه نظامی در منطقه قلعه دره نزدیک شهر سلیمانیه در کردستان عراق سخن به میان آورد که بیش از ۶۸۰ جنگجوی عرب کمونیست عراقی در آن فعالیت دارند.

خبرنگار خبرگزاری فرانسه درباره وضع جنبش کردها بعد از اعلام جمهوری اسلامی در ایران سؤال کرد. مقام کرد جواب داد: «ناسیونالیسم کرد دوباره ظاهر شده و بر شمار دستهای مسلح کرد افزوده شده است.»

او گفت: «هماهنگی بین جنبشهای گوناگون کرد نسبتاً محدود است.» وی خاطر نشان ساخت: سرنگون شدن شاه مخلوع ایران، نقل و انتقال و سازماندهی کانونهای مسلح کرد را تسهیل کرده است. وی درباره مناسبات کردهای عراق با رژیم جدید ایران گفت: «تا کنون هیچگونه تماسی گرفته نشده است.» وی گفت: «ما نظر مساعدی نسبت به خواستههای کردهای ایران داریم، خودمختاری و نه جدائی.» (کیهان ۱۳۵۸/۲/۴)

جناحهای سیاسی کردستان عراق به مذاکره و تبادل نظر پرداختند. دو گروه پزشکی به مناطق بمباران شده اعزام شد.

فعالیت جناحهای مختلف سیاسی عراق و مخالفان رژیم بعث این کشور برای تشکیل جبهه ملی مخالف دولت کنونی عراق، ادامه دارد.

یک سخنگوی شورشی کرد عراق ضمن اعلام این مطلب دولت عراق را متهم به دیکتاتوری و کوچ اجباری کردهای عراق از نواحی مرزی کرد.

وی گفت: «سیاستهای حکومت باعث شد که تشکیل یک جبهه ملی از مخالفان کنونی رژیم بعث عراق ضرورت پیدا کند.»

تاکنون سه جلسه مذاکره بین جناحهای مختلف سیاسی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی تشکیل شده است. جناحهای مختلف عبارتند از: جنبش سوسیالیستی کردستان - اتحاد میهنی کردستان (به رهبری طالبانی) کمیته تدارکاتی حزب دموکرات عراق تجمع وطنی (احزاب عربی مخالف دولت عراق مثل جناح منشعب از حزب بعث طرفدار سوریه و کمونیستهای قیاده

مرکزي) اخيرا گروهی از مخالفان حزب کمونیست عراق (طرفدار شوروي) به رهبری «احمد بانی خیلانی» به شورشیان کرد ملحق شده‌اند و این، بدنبال اختلافی بود که حزب کمونیست عراق بر سر مساله عظیمت آیت‌الله خمینی، مساله کردستان و سیاست نزدیکی به غرب دولت عراق با حزب بعث پیدا کرد. هم اکنون گروهی از کمونیست‌های عراق در کنار شورشیان کرد مسلحانه فعالیت می‌کنند».

قیاده موقت (طرفداران ملا مصطفی بارزانی) نیز تقاضا کرده بودند که به مذاکرات جاری برای تشکیل جبهه ملی مخالف رژیم بعث عراق ملحق شوند. ولی شورشیان کرد عراق تنها به این شرط حاضر شدند آنها را بپذیرند که به ارتباط خود با سازمان «سیا» ی آمریکا، موساد «اسرائیل» و «ساواک منحله» ایران پایان دهند. شرط دیگر پذیرفتن قیاده موقت در این مذاکرات آزادی رهبران سیاسی و نظامی شورشیان کرد عراق است که در جریان درگیری‌های مسلحانه در مرز ایران، عراق و ترکیه بدست افراد قیاده دستگیر شدند.

قیاده موقت در این درگیری‌ها با کمک نیروهای ایران و ترکیه، پیشمرگان جلال طالبانی را مورد حمله قرار دادند و هفت تن از رهبران سیاسی و نظامی شورشیان کرد عراق را به اسامی علی عسگری (فرمانده کل پیشمرگان کردستان)، دکتر خالد (از رهبران جنبش سوسیالیستی عراق)، آزاد عبدالمجید، حسین شیخ بابا، علی شیعه (از رهبران فرقه زیدیه)، شیخ علی و حامد حاجی را دستگیر کردند. این افراد یکسال پیش در دست افراد قیاده اسیر شدند و از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. (آیندگان ۱۷/۲/۱۳۵۸)

ایران از نگاه جهان

حمله عراق به ایران: هشدار به شورشیان کرد

فاینشنال تایمز: حمله ی هواپیماهای عراقی به کردستان ایران به احتمال نزدیک به یقین، گسترش زد و خورد شدیدی است که از سه هفته پیش در داخل عراق جریان دارد و بخشی از تهاجم تازه ی نیروهای دولت عراق علیه شورشیان کرد است.

علیرغم گزارش‌های ضد و نقیض، به نظر می آمد حمله هوایی به دهکده‌هایی که گمان می رود پایگاه پشتیبانی دو جناح اصلی شورشیان کرد باشند، عمده بود. این دو جناح، حزب دموکرات کردستان عراق و جبهه ی میهنی کردستان - سازمان کوچک تر و چپگرای جلال طالبانی - است. کردها می توانند صدها کیلومتر در مرز ایران و عراق، آزادانه حرکت کنند. غیبت نغرات نظامی ایران، شاید سبب شده که عراقی‌ها، مرز دو کشور را « منطقه ی آزاد » قلمداد کنند.

بین دو تا چهار جنگنده ی سوخوی - ۷ عراقی در ارتفاع کمی از میاه کوه‌های کردستان عراق گذشتند و با پنهان ماندن از شعاع عمل رادارهای ایران، به شهر کوچک سردشت که شراب مشهوری دارد، رسیدند.

شش دهکده به رگبار مسلسل بسته شد و در یکی از آنها - گوراشیر - گزارش مرگ هشت نفر رسید. خانه‌های اندکی سالم ماند.

تقریباً در همان زمان، حمله ی جداگانه ی دیگری در جنوب آن به دهکده ای نزدیک سنندج صورت گرفت. به نوشته ی روزنامه‌های تهران، چندین نفر کشته شدند. هر دو حمله در ۱۶ کیلومتری مرز ایران بود و ۹۰ ثانیه طول کشید.

ایران به هر دو حمله رسماً اعتراض کرد، اما عجیب است که سفارت عراق در تهران، دریافت چنین اعتراضی را انکار کرد. سخنگوی «حزب دموکرات کردستان» - پیروان ملا مصطفی بارزانی - گفت که هیچک از چریک‌هایشان (که «پیشمرگان» نامیده می‌شوند) در منطقه نبودند.

اما روشن شده که شورشیان ماه‌هاست در این سوی مرز، در ایران، پناه گرفته‌اند.

این موضوع آنجا اهمیت می‌یابد که گروه بارزانی مدعی است میان بغداد و آنکارا یکبار برای همیشه برای در هم کوبیدن باز ماندگان جنبش خودمختاری طلبی تفاهم شده است.

اگر چه گواه مستقل دیگری وجود ندارد، اما سران حزب دموکراتیک کردستان مدعی‌اند از بهار گذشته، تماس‌های مرتبی میان مقام‌های امنیتی ترکیه و عراق برقرار بوده است.

از این رو، نیروی نظامی ترکیه در طول مرز شمالی عراق با این کشور تقویت شده است. گفته می‌شود هواپیماهای گشتی عراق، اطلاعاتی درباره ی جنبش شورشیان کرد به مقام‌های عراقی داده‌اند.

در گذشته، حزب دموکرات کردستان بیشتر تجهیزاتش، به ویژه آرد و سوخت را از دوستان کرد داخل ترکیه دریافت می‌کرد. اقدام‌های امنیتی و حیره بندی در ترکیه، این کار را ناممکن کرده است.

گزارش می‌رسد مقادیر اندک غذا از سوریه و حتی بغداد با وجود خطرات بسیار، قاچاقی از مرز شمالی عراق می‌گذرد. اما تجهیزات اصلی شورشیان کرد، علناً از کردستان ایران، می‌رسد. حمله ی هفته ی پیش عراق به دهکده‌های ایران هشداري به همه کسانی بود که در این جریان دخالت دارند. (آیندگان ۱۳۵۸/۳/۲۲)

اوج گیری مبارزات در کردستان عراق به دنبال اوجگیری مبارزات کردهای عراقی و کشته شدن عده زیادی از سربازان و افسران ارتش عراق حزب دموکرات کردستان عراق اطلاعیه‌ای بدین شرح منتشر کرد:

-شکست خوردن یورش بهاری رژیم عراق بر ضد چریک‌های کرد در کردستان عراق

-سقوط دو هلیکوپتر و کشته شدن بیشتر از ۱۰۰ سرباز در یک درگیری که در منطقه «زاخو» روی داد.

یک سخنگو به نام قیاده موقت حزب دموکرات کردستان عراق اعلام کرد که یورش بهاری که حکومت عراق از آغاز بهار تدارکش را دیده بود تماماً شکست خورد و به نیروهای رژیم نژادپرست تلفات مالی و جانی زیادی وارد شد.

همین سخنگو اضافه کرد که برای این یورش بین نیروهای دو رژیم عراق و ترکیه هماهنگی کامل وجود دارد و از آغاز حمله بهاری نیروهای تجاوزکاران، چریک‌های ملی (پیشمرگان) چندین حملات متقابل را بر علیه مواضع دشمن اجرا کردند. اینک مهمترین آن حملات:

در ساعت نه شب ۱۹۷۹/۴/۲۱ سازمان ستاره سرخ کردستان یک نارنجک را فوق جسر (السعدون) در شهرستان (زاخو) منفجر کرد و یک پلیس را مجروح ساخت.

در تاریخ ۱۹۷۹/۴/۲۷ يك نيروي نظامي كه شامل يك ماشين ريل نظامي، يك جيب و ماشين تويوتا كه حامل افسران حزب بعث و چندين سرباز بودند، به طرف روستاي "گريت" بالا در بخشداري "باطوفه" - فرمانداري زاخو - مي‌رفت، همان جا يكي از واحدهاي چريكي ما پيشمرگان كمين مستحکمي را تدارك دیدند و در عصر همان روز، نيروي نظامي تجاوزكار را محاصره کرده، زیر آتش گرفته و تقريباً همه افراد دشمن را از بين برد، يك سروان، چهار افسر ديگر، دو كادر حزب بعث و ۲۷ سرباز از جمله كشته شدگان بودند.

در (۱۱ - ۱۹۷۹/۵/۲۰) واحدهاي چريكي ما چندين فعاليت چريكي را در مناطق "سه‌رگه‌ت"، "هاندن" و "طويله" تلفات جاني و مالي به نيروهاي رژيم عراق وارد شد.

در ۱۹۷۹/۵/۱۸ چريکها يك هلي کوپتر نظامي را در روستاي "گوره تو" نزديك فرمانداري "ميرگه سور" - استان اربيل - اسقاط کردند. از افراد دشمن ۲ نفر كشته و ۲ نفر ديگر مجروح شدند.

در تاريخ ۱۹ و ۱۹۷۹/۵/۲۰ يكي از چريکهاي ما ۵ مهندس را دو تا مصري، يك اردني، دو عراقي كه در پروژه‌هاي راه‌هاي نظامي منطقه "ميرگه سور" (استان اربيل) كار مي‌کردند، ربودند مهندسان مذکور زير حراست شديد ارتش و مزدوران محلي رژيم عراق بودند.

در روز دوم (۱۹۷۹/۵/۲۰) نيروهاي دولتي به تعقيب چريکها و مهندسان پرداختند و نتيجتاً با يك درگيري مواجه شدند. درگيري شديدي بين طرفين روي داد. در وهله اول ۴ چهار مهندس و يك مستخدم محلي به گلوله نيروهاي رژيم كشته شدند، ولي چريکهاي ما نيروهاي دشمن را محاصره و بيشتر از ۱۳۱ كشته و زخمي به دشمن وارد کردند.

در عصر ۱۹۷۹/۵/۲۶ يكي از واحدهاي چريكي ما پاسگاه "تونمان" رادرفرمانداري پنجوين استان سلیمانیه مورد حمله قرار داد. نيروهاي دولتي از اردوگاه نظامي "كاني مانگا" به سوي پاسگاه مزبور به حركت درآمدند، نتيجتاً درگيري سختي روي داد و بيشتر از ۵۰ كشته و زخمي در صفوف نيروهاي متجاوز به جا ماندند.

اما جنگ قاطع در روزهاي (۱۹۷۹/۵/۲۹ و ۲۵) در منطقه زاخو روي داد. رژيم عراق با همكاري رژيم تركيه، حمله بزرگي بر عليه مواضع چريکهاي ما در منطقه (زاخو) تدارك دید. دور نيروهاي تركيه اين بود كه در طول مرزهاي مشترك تركيه و عراق، مقابل منطقه زاخو، متمرکز شوند به نفع نيروهاي عراقي استطلاع كنند.

رژيم عراق يك لشكر كامل (لشكر يازده از ناصريه در جنوب عراق) را آورد، قله كوههاي (نرور، هرور، پيلم بيره، اسوس) و امتدادات آنان را اشغال نموده و از ساعت شش صبح ۱۹۷۹/۵/۲۵ اولين حمله خود را آغاز كرد. حمله نيروهاي پياده نظام عراق از جانب هلي کوپتر نظامي و توپ پشتيباني مي‌شدولي اين حمله در وهله اول شكست خورد.

بعداً حمله ديگري به همين سرنوشت دچار شد. حمله سوم همين‌طور، در اين ميان جنگ خيلي شديدي تا ساعت هشت عصر همان روز ادامه داشت. در هر حمله نيروهاي رژيم عراق با اينكه هوايما و توپ و تجهيزات بسيار سنگين داشت، مواجه با مقاومت دليرانه چريکهاي مي‌شدند و تلفات جاني زيادي به جا مي‌گذاشتند تا اينكه صحنه جنگ پر از لاشه سربازان و درجه‌داران شد. در طول شب نيز غرش توپ متوقف نشد. درروز دوم (۱۹۷۹/۵/۲۶) بار ديگر جنگ

شروع و تا ساعت هفت عصر همان روز ادامه داشت ولی از شدت هجومات دشمن تدریجاً کاسته شد به علت این که از تحقق هدفش (از بین بردن قاطع چریکهای ما) مایوس شد. در روز های (۲۷ - ۱۹۷۹/۵/۲۹) درگیریهای کوچکی ادامه داشت بعداً نیروهای رژیم عراق خودش را برای حمله آماده کرد اما چریکهای ما به تعقیبشان پرداختند.

نتیجه درگیریهای روزهای (۲۵ - ۱۹۷۹/۵/۲۹) به این شکل است:
سقوط دو هلی کوپتر نظامی عراقی، یکی در «خواردین» مقابل "سیلفانیک" در منطقه درگیری، فرمانداری «زاخو» و دیگری در «ره وشین» در بخشداری (باطوفه)، به آتش چریکها سقوط کردند.

شماره کشته شدگان نیروهای دشمن مجموعاً بیشتر از ۱۰۰ نفر می باشد، ولی اطلاعات اولیه می گوید که شماره واقعی تلفات دشمن خیلی از این رقم بیشتر است.

چریکهای ما مقداری مهمات نظامی به غنیمت گرفتند از جمله (۲) موشک ار پی، جی، ۸ گلوله توپ ۶۰ چادر و مهمات نظامی دیگر.
یک ماشین نظامی "ایفا" با سرنشینان منقلب شد و در رودخانه "خایور" افتاد و همه سرنشینانش از بین رفتند.

در روز ۱۹۷۹/۵/۲۹ نیروهای متجاوز به کلی شکست خوردند و اما ارتش ترکیه که مقابل مرزهای ترکیه - عراق در منطقه زاخو متمرکز بودند، در اثنای درگیریهای آن روزها، چتر باز به روستاهای مرزی ترکیه منتقل می کرده و بعضی از واحدهای ارتش ترکیه برای توپ ارتش عراق به مثابه "رصد" بودند، به همین علت نیروی نظامی ترکیه هم نشانهای سرخ و هم پرچمهای سفید حمل می کردند و پس از اینکه ارتش سرخ ترکیه شکست شرم آور ارتش عراق را دید، آن هم از مرزهای مشترک دور شد.

رادیوی "آنکارا" اخبار این درگیریها از جمله سقوط هلیکوپتر و تلفات جانی ارتش عراق را پخش کرد. حزب دموکرات کردستان عراق قیاده موقت (کیهان ۱۳۵۸/۳/۲۷)

اعلام همبستگی جنبش اسلامی کردستان عراق با انقلاب اسلامی ایران
جنبش اسلامی کردستان عراق طی اطلاعیه ای ضمن درود و تحیت به روان پاک شهیدان راه اسلام و آزادگی شهیدان راه اسلام و آزادگی ایران و تمام ملت های مسلمان و همبستگی با انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آمادگی خود را برای جانبازی در راه خدمت به هدفهای صدر اسلام اعلام نمود.

در قسمتی از بیانیه اعلام همبستگی این جنبش آمده است:
ما ملت مسلمان کردستان عراق رهبری و قیادت امام خمینی را در جنبش اسلامی جهان بر ضد استعمارگران و استثمارگران حرمت و عزیز می داریم.
جنبش مسلمانان متعهد کردستان عراق، رفتار حکومت شیطان، بعث عراق را در برابر انقلاب اسلامی ایران محکوم می نماید. (کیهان ۱۳۵۸/۳/۲۷)

گفتگو با یک افسر عراقی اسیر
چه سفارت خوشش بیاد چه نیاید!
پارتیزانهای اتحادیه میهنی کردستان عراق، یک افسر ارتش دولتی عراق را دستگیر کردند. این افسر، ستوان دوم «جاسم محمد محمود» نام دارد و جمعی پادگان اربیل و شماره واحد او ۵۹۷ است. او خود را شیعه مذهب، مجرد و اهل بغداد معرفی می کند.

این گفتگو با او صورت گرفته است:
کجا دستگیر شدی؟

- در روستای «کومسپان» نزدیک استان اربیل، من در حال مأموریت نظامی بودم، یعنی بین پادگان و یک پاسگاه سیم کشی برق می کردم. کسی می داند شما اسیر شده اید؟

- ارتش حتماً می داند، اما خانواده ام را نمی دانم. شاید به آنها اطلاع داده باشند. شاید هم ... بهر حال ۶ پیشمرگ مرا دستگیر کردند. من با ۲۲ افسر دیگر در حال مأموریت بودم. البته موقع دستگیری، ۳ کیلومتر با دیگران فاصله داشتم.

فکر می کنید حالا با شما چه خواهند کرد؟
- تا حالا با من خیلی خوب رفتار شده، بیشتر از آنچه انتظار داشتم. ولی در آینده نمی دانم چه می شود.

آیا این همان رفتاری است که ارتش عراق با کردهای اسیر می کند؟
- طبعاً نه. کردهای اسیر معمولاً تحویل دادگاه نظامی می شوند و آنجا مجازات آنها یا اعدام است یا زندان.
آیا جلال طالبانی را دیده ای؟

- اولین بار بود که طالبانی را می دیدم. یک مرد شجاع و بزرگ و روشن فکر. این نظر واقعی شماست یا چون اسیر شده ای این طور حرف می زنی؟
- طالبانی در میان افسران عراق به عنوان یک مرد مبارز و یک شخص روشن فکر شناخته شده است و این حقیقتی است که نمی توانم انکار کنم. ما افسران عراقی بخوبی می دانیم او یک شخصیت مترقی و انقلابی است. مسلماً سفارت عراق در تهران مصاحبه شما را می خواند. فکر نمی کنید که این حرفها باعث دردسر برای شما می شود؟
- چه سفارت خوشش بیاید و چه خوشش نیاید من این حرف را می زنم. حقیقت را نمی شود پنهان کرد.

درباره جنبش کردهای عراق چه نظری دارید؟
- این یک مبارزه واقعی است. حق کردها پایمال شده و باید برای بدست آوردن آن مبارزه کنند. امیدوارم به آرمان و آرزوی خود برسند.
اگر نظر شما این است، پس چرا به آن کمک نمی کنید؟
- من پدر و مادر و ۵ خواهر و برادر دارم که باید خرج آنها را تامین کنم. بهمین جهت وارد کار نظامی شده ام. ضمناً من کاری به سیاست ندارم. چقدر حقوق می گیرید؟

- ۶۳ دینار
در مورد دولت بعث عراق نظرتان را بگوئید.
- نسبت به مردم عراق خوب است. ولی نسبت به کردها باید گفت خیلی بد ...

تکریتیها در عراق چه می کنند؟
- چه بگویم؟ آنها از امتیازات خاصی برخوردارند. (هیوا/۴/۵/۱۳۵۸)
تهاجم ارتش عراق علیه چریکهای کرد
بیروت - رویتر: حزب دمکرات کردستان عراق با انتشار بیانیه ای اعلام کرد: «ارتش عراق ماه گذشته تهاجم بزرگی را علیه چریکهای کرد در شمال عراق آغاز کرد اما پس از چند روز نیروهای خود را به عقب نشاند».

بیانیه افزود: در يك مرحله از نبرد که نزدیک مرز ترکیه رویداد هلیکوپترهای ترکیه بر فراز منطقه به پروازهای شناسایی دست زدند و یکی از آنها به روی مواضع چریک‌ها آتش گشود. بیانیه حزب دموکرات کردستان عراق افزود عراقی‌ها همه لشکر یازدهم خود را درگیر این نبرد کرد و از توپخانه و هلیکوپترهای توپدار استفاده کرد. «طبق این بیانیه نبردها در منطقه بین «زاخو» و «عمادیه» روی داد.

بیانیه افزود: «عراقی‌ها پس از آنکه نتوانستند به هدف‌های خود دست یابند در ۲۷ ماه مه پس از دو روز نبرد نیروهای خود را عقب کشاندند». (آیندگان ۱۰/۴/۱۳۵۸)

مصاحبه یی با رهبر اتحادیه کردهای عراق

ترجمه از احمد شریفی

اکثریت خلق کرد ایران، زیر رهبری عزالدین حسینی در پی خودمختاری اند. اگر خودمختاری به عناصر ارتجاعی و وابسته به جای نمایندگان واقعی کرد داده شود، امیدی به آن نیست.

بسیاری از فئودال‌های مناطق مریوان و... از قیاده موقت پشتیبانی می‌کنند و برای انقلاب توطئه چینی.

انقلاب ایران، خلق‌های منطقه را از خواب بیدار کرد.

کردها از نژاد پاک آریائی، از آن اقوام اند، که سالیان دراز برای آزادی و داشتن حق تعیین سرنوشت خود جنگیده اند، آنان اینک سه پارچه اند. در ایران، در عراق و در ترکیه. بدفعات استعمارگران و جهان‌خواران تصور ایجاد یک کردستان آزاد (یک کشور کردنشین) را از مجموع استان‌های کردنشین این سه کشور در سر پخته اند و گاه نیز بر سر زبانها انداخته اند، یا کسانی را یافته اند که این فکر را هدف مبارزه خود قرار دهند. در طول تاریخ به زمان‌های بسیار برمی‌خوریم که حکومت‌های ارتجاعی سه کشور ایران، ترکیه و عراق خود را در سرکوبی جنبش کردها همراهی کرده‌اند و این معمولاً در آن زمان‌هایی اتفاق افتاده که این سه کشور از سیاست‌های امپریالیستی دور یا نزدیک پیروی کرده‌اند. ملا مصطفی بارزانی که در مطبوعات جهان غرب به «رهبر کردهای عراق» مشهور بود- و سال پیش به بیماری سرطان درگذشت- در طول سالها، با آن که به سرسپردگی به غرب مشهور بود ولی فراز و نشیب‌ها دید، مدت مدیدی حکومت ایرانی کمر به انهدام آن نهضت بسته بود و اما به شوروی پناه برد. باز سال‌هایی- بعد از انقلاب عراق- با کمک بی دریغ ایران، با عراق جنگید، در آخر کار نیز قربانی توافق شاه و صدام حسین شد و در تهران تحت نظر بود، بعد به آمریکا فرستاده شد و در همانجا درگذشت. اما او رهبر کردهای عراق نبود. جبهه‌های گوناگون بودند که جدا از او فعالیت می‌کردند، از بین آنها که عشیره‌یی از کردها را نیز پشت سر دارد، بارزانی‌ها بودند، همانها که اینک هستند، جلال طالبانی که به عنوان رهبر کردهای عراق، اینک از همه معروف تر است. از میان کردهای که اینک در کردستان عراق که با خطی - اینک باز و کاملاً در اختیار - از کردستان ترکیه و کردستان ایران جدا می‌شود. از اتحادیه وطنی کردستان نام برد که طالبانی رهبر آنست و متشکل است از اتحادیه وطنی، سازمان زحمتکشان کردستان عراق و جنبش سوسیالیستی کردستان. اخیراً انشعابی در این اتحادیه صورت گرفته است و یک شاخه سوسیالیستی معتقد به رهبری جمعی از آن جدا شده‌اند، اما طالبانی بهر حال دارای نیرویی است. گرچه پاره‌یی او را نیز دست نشانده می‌دانند، اما کم نیستند کسانی

که به او و راهش معتقدند. سابقه‌ی مبارزه کرده‌ها طولانی، در آن نخست بار در سال ۱۸۷۶ شیخ عبیدالله نهری را می‌توان شناخت- که نواده‌های او هم اینک در ایران به سر می‌برند- یا انقلاب شیخ سعید در کردستان ترکیه، انقلاب شیخ محمود در کردستان عراق و قاضی محمد جاوید در کردستان ایران، کردها در همه‌ی این دفعات چون امروز که عزادین حسینی را به رهبری خود برگزیده‌اند. فردی مذهبی و روحانی پرچمدار مبارزات آنان بوده است. هفته‌ی گذشته دو تن از یاران گروه سینمایی آزاد مکریان، پس از تلاش بسیار و طی راه‌های پر خطر توانستند به کنام طالبانی راه یابند و همراه تهیه فیلم، مصاحبه‌ی نیز با او داشته باشند. چکیده‌ی از این مصاحبه که بطور اختصاصی در اختیار «تهران مصور» قرار گرفته در زیر می‌آید.

س: مام جلال، تاکنون چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی، آیا شما و بطور کلی اتحادیه وطنی کردستان چه گام‌هایی برداشته و به چه نتایجی رسیده و موقعیت کنونی شما چگونه است؟

ج - اتحادیه وطنی کردستان عراق از چهار سال قبل تشکیل شده و سازمان یافته، یعنی پس از اینکه رهبری بورژوازی عشیره‌ای بارزانی به فرمان شاه و سیا، بدنبال توافق صدام و شاه در الجزایر و اعلام پایان مبارزه در کردستان از سوی بارزانی، نیروهای مترقی و پیشرو و آرمانخواه خلق کرد با توجه به اینکه مبارزه را پایان نیافته می‌دانستیم، لذا اقدام به تشکیل اتحادیه وطنی کردستان گردید تا برای بدست آوردن حقوق حقه خلق کرد مبارزات میهنی خود را دنبال کند، بعقیده من تا موقعی که خلق کرد به خواسته‌های مشروع و دمکراتی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خود نرسد مبارزه پایان نیافتنی است بهمین مناسبت ما در اتحادیه وطنی کردستان به سازماندهی نیروهای پارتیزانی برای جنگ مسلحانه پرداخته ایم تا خلق کرد و همه خلق‌های دیگر عراق بحق مشروع خود دست یابد. و ما این مبارزه توده‌ای را تا رسیدن بخواست خلق ادامه خواهیم داد، در همان ابتدای مبارزه نوین با آشنائی با این اصول و این خواستها بود. که انقلاب مسلحانه در کردستان عراق از سر گرفته شد و سازمان یافت. در این مرحله از انقلاب توده‌ای خلق‌های عراق، نیروهای پارتیزانی و مسلح ما همه جا هستند و مدافعین سرسخت قشرهای زحمتکش جامعه‌اند. اما مبارزه ما تنها در پیکار مسلحانه خلاصه نمی‌شود. اتحادیه میهنی در پیکار مسلحانه خلاصه نمی‌شود، اتحادیه میهنی کردستان دارای فعالیت گسترده سیاسی نیز هست. بسیاری از حرکت‌های حق خواهانه دهقانان، کارگران عراقی را در شهر و روستا رهبری می‌کنیم، حتی رهبری جنبش‌های محصلین و معلمین نیز برعهده ماست که در مجموع این اعمال، بخشی از فعالیت‌های غیر نظامی و فعالیت‌های سیاسی اتحادیه ما را تشکیل می‌دهند. از طرف دیگر از دیدگاه نظامی عرض شود، ما تا حال به موفقیت‌های چشمگیری نایل آمده‌ایم. در گام‌های نخست توانسته ایم سازمان‌های منظم پارتیزانی ایجاد کنیم، به طوریکه اکنون اکثر مناطق کردستان عراق را در بر گرفته‌اند مهمتر از همه کوشش ما برای رهنمودی مبارزه خلق کرد به بستر طبیعی مبارزات توده‌ای و همگامی و هماهنگی با نیروهای مبارز و پیشرو خلق‌های خاورمیانه است و نیز مبارزه آشتی ناپذیر ما علیه امپریالیسم جهانی، صهیونیسم و ارتجاع داخلی و خارجی است، زیرا متأسفانه رهبری بورژوازی - عشیره‌ای بارزانی، انقلاب کرد را بیک حرکت و انقلاب وابسته به امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم اسرائیل و حکومت کمپرادور بورژوازی شاه ایران درآورده بود،

بطوریکه آن انقلاب از سوی نیروهای پیشرو و مبارز خلقهای عرب و جهان هم اگر مورد تأیید و پشتیبانی نبود، با آشنائی و درک این حقیقت که هر حرکت انقلابی در جهان هم اگر مورد تأیید نیروهای مترقی و مبارز و زحمتکش جهان قرار نگرفت، محکوم به زوال است، پس اتحادیه وطنی کردستان عراق با تجارب علمی و عملی، توانسته انقلاب خلق کرد را در مسیر مبارزات طبیعی خلقهای جهان قرار دهد و در این رهگذر توانسته است ارتباط مستقیمی که بین جنبش کردی «کوردایه تی» و انقلاب مترقی جهانی هست، چه از نظر علمی و چه از نظر عملی برقرار نماید و با جنبشهای مترقی زحمتکش جهان و در راس آنها نیروهای مبارز خاورمیانه پیوند برقرار کند، بنظر من این عمل نیز اقدام بسیار مهم و انقلابی است برای اتحادیه وطنی کردستان.

س - جناب طالبانی، چنانکه اطلاع دارید و می دانید، انقلاب دگرگون بخشی در ایران روی داد و پیروز هم شد. آیا پیروزی انقلاب ایران چه از نظر سیاسی - نظامی و چه از نظر اقتصادی - اجتماعی، تاثیری بر انقلاب کرد در عراق داشته؟ و از چه دیدگاهی ثمرش بیشتر بوده؟

ج - برادر، پیروزی انقلاب ایران، پیروزی همه خلقهای خاورمیانه بود، سرنگونی رژیم شاه ارتجاع، تأثیر مثبتی داشت بر همه ی جنبشهای ضد امپریالیستی در خاورمیانه و شاید در سطح جهان، تاثرات انقلاب پیروزمند ایران بر انقلاب کرد نیز بی ثمر نبوده. ارتش شاه کمپرادور، همگامی وسیع نظامی علیه مبارزه ما با نیروهای نظامی فاشیست عراق داشت، بدفعات ارتش ایران مواضع ما را محاصره میکرد تا نیروهای عراقی ضربات خود را بر پیکر پارتیزانان کرد وارد آورند، حتی نیروهای غیر نظامی ایران نیز بتحرک شاه، بمبارزه با ما برخاسته بودند ولی اکنون که دیگر شاه نیست، ارتش ایران، با نظام فاشیستی عراق همکاری نمیکند و همین عدم همکاری ارتش ایران با ارتش عراق، دستاورد گرانبهائی است برای ما، از طرف دیگر پیروزی انقلاب ایران، تاثیری هم بر آگاهی و هوشیاری توده های وسیع خلق عراق داشت، توده های کرد، عرب و اقلیت های دیگر عراق از خواب بیدار شدند. فهمیدند می شود با دیکتاتور مبارزه کرد، بخصوص برادران شیعه ما در جنوب، بحرکت انقلابی پیوستند، آخر، چنانکه می دانید اکثریت قریب به اتفاق عرب های عراق شیعه هستند. همین بیداری آنها تحت تاثیر انقلاب پیروزبخش ایران، کمک شایانی است به مبارزه ما کرد، زیرا با مبارزه مشترک در پی منافع مشترک، زودتر خواهیم توانست دشمن مشترک را از میان برداریم.

س- آقای طالبانی، تماس و ارتباط شما - منظور اتحادیه وطنی کردستان است- با نیروها و سازمانهای انقلابی و مترقی عراق و خارج از عراق، چون سازمان آزادیبخش فلسطین یا سازمانهای مبارز و انقلابی ایران و ترکیه چگونه است؟ و اصولاً آیا با آنها ارتباطی دارید؟

ج- ما در اتحادیه وطنی کردستان، از همان نخستین روزهای سازماندهی اتحادیه، که پرچم مبارزات زحمتکش و توده های رنجبر و انقلابی خلق کرد را در عراق بدوش گرفتیم، اتحاد رایگانه راه پیروزی دانسته و لذا با همه قشرها و سازمانهای مبارز و انقلابی عراق اعم از کرد و عرب و دیگران، علیه دیکتاتور فاشیستی بغداد، علیه استثمار انسان از انسان و آزادی خلق های تحت ستم، همگام مبارزه کرده ایم و در این رهگذر، با همکاری ما و نیروهای مبارز عراق، اتحادیه وسیعی بنام «تجمع الوطنی العراق» تشکیل داده ایم که غیر از نیروهای مبارز و توده ای کرد، از سازمانهای سیاسی عربی عراق، چون «حزب بعث

عربي اشتراکيه» که يك سازمان پيشرو چپ حزب بعث است، يا «جمعيت ماتمرالقومي الشتراکي، حرکه الشتراکي العربيه و حزب الشتراکي»، تشکيل يافته و در آن عضويت دارند. ما در همان آغاز مبارزه با اين سازمانهاي مترقي عربي، مبارزه را آغاز کرده ايم و از پشتيباني آنها عميقاً برخورداريم و اکنون نيز همه سازمانهاي عربي که از آنها ياد کردم، باضافه اتحاديه وطني کردستان مشترکاً مبارزه مي کنيم. ضمناً در اين اواخر که شکار کمونيستهاي عراقي بدست بعثها آغاز شده، چند صد تن از آنها نيز به کردستان پناهنده شده و بميان ما آمده اند و گروههاي ديگري نيز از اعراب آزاديخواه با ما تماسهاي گرفته اند که درصدديم در آینده نزديکي، جبهه واحد مترقي وسيعتري ايجاد کنيم که دربرگيرنده گروهها و نيروهاي بيشتري از فعالين و انقلابيون و سياسيون عراقي باشد و مبارزه اي که در کردستان آغاز شده مبدل به مبارزه رهائي بخش همهي خلقهاي عراق گردد و در اين راه نيز شعار ما: «دموکراسي براي عراق و خودمختاري براي کردستان» است، و در اين راه مبارزه نيز خواهيم کرد تا نيل به پيروزي. اما در مورد ارتباط و تماس ما با گروههاي مبارز و انقلابي ايران بايد گفت، اتحاد ما از همان بدو تاسيس کوشيد با نيروهاي انقلابي و ضد رژيم شاه ارتباطي برقرار کند و راه را براي مبارزه مشترک توده اي هموار نمايد و در اين رهگذر از دير باز با حضرت آيت الله امام خميني در ارتباط بوده ايم و نيز با سازمانهاي جبهه ملي در اروپا و خاورميانه مرتبط بوده و هستيم. در ضمن، سال گذشته دامنه اين رابطه را گسترش داده و ضمن ارسال نامه بخدمت امام خميني، نامه هائي نيز براي آيت الله شريعتمداري، مهندس بازرگان و دکتر سنجابي ارسال داشتيم و طی آن نامه ها اعلام کرديم اتحاديه وطني کردستان عراق با تمام نيرو از جنبش و حرکت انقلابي آنها استقبال و پشتيباني نموده و آماده است دوشادوش آنها عليه رژيم شاه سفاک وارد مبارزه شود بهر نحوي که آنها بخواهند. همچنين ما با سازمان چريکهاي فدائي خلق، سازمان مجاهدين خلق و ديگر نيروهاي دموکرات و سازمانهاي چپ و مارکسيست ايران، کم و بيش در تماس بوده و هستيم و داراي نکات مشترک مبارزه بوده ايم و در مورد نيروهاي مترقي کردستان ايران هم بايد گفت که اتحاديه وطني کردستان عراق از دير باز با حزب دمکرات کردستان ايران رابطه داشته و در اين اواخر، يعني در سالهاي اخير با «جمعيت انقلابي زحمت کشان کردستان ايران» که به طور مخفي کار مي کرد، در ارتباط بوديم و بطور کلي مي توان گفت ما با همه نيروهاي مترقي و مبارزي که در ايران، اعم از کرد يا غير کرد، عليه رژيم استبدادي شاه مبارزه کرده اند، در تماس بوده ايم، اما نسبت به تماس و ارتباط اتحاديه وطني کردستان عراق با نيروهاي دمکرات پيشرو خلقهاي ترکيه بايد خاطر نشان ساخت که اتحاديه ما در ترکيه نيز با همه نيروهاي دمکرات و سوسياليسنت ارتباط دارد و اين ارتباط ۶-۷ گروه و جمعيت مبارز و سياسي ترکيه را در بر مي گيرد. با کردهاي ترکيه نيز تماسهاي داريم. آنها هم چندين گروه و سازمانهاي سياسي و مترقي را دارند که با ما در ارتباط هستند. در کشورهاي عربي به همين نحو، ما با بسياري از جمعيتها و دستجات مترقي عربي در ارتباط مي باشيم که در راس آنها نهضت آزاديبخش فلسطين قرار دارد ما با تمام شاخه ها و گروههاي فلسطيني، غير از گروههاي فلسطيني که دست پرورده عراق است، تماس داريم مانند الفتح، صاعقه، جبهه دمکراتيک فلسطين، جبهه آزادي فلسطين، قياده ابوعمار و ساير سازمانهاي چريکي فلسطين را دوستان خود مي شماريم و با آنها تماس داريم، حتي ما با سازمانهاي دانشجوئي

فلسطیني و سایر خلقهاي عرب نیز در ارتباط مي باشيم و برادري کرد و عرب، مبارزه مشترك عليه دشمن مشترك، شعار مبارزاتي ماست.
س - آیا بعقیده شما، این حزب تا چه حدي قادر به استحقاق حقوق خلق کرد در ایران است. ؟ آیا بنظر شما این حزب يك سازمان سياسي و مترقي است؟

ج- قضاوت درمورد حزب دمکرات کردستان ایران بر عهده ما نیست و این کاري است که مربوط مي شود به توده هاي خلق کرد در کردستان ایران و آنانند که باید به چنین سوالي پاسخ دهند، اما تا جائي که به ما ارتباط دارد اینست که ما آنرا يك سازمان و حزب مترقي و ملي مي دانيم و به همین علت نیز با وي در ارتباط هستيم، ما به حزب دموکرات به صورت يك حزب ملي مي نگريم که خواهان دموکراسي براي ایران و خودمختاري براي کردستان است بنظر ما ثمره این شعار نیز بستگي دارد به مبارزات همه ي خلقهاي ایران و نیروهاي مترقي کردستان و مبارزه مشترك همه نیروهاي سياسي و ملي ایران اعم از کرد-ترك-آذربايجاني-فارس-بلوچ-ترکمن و عرب که باعث سقوط و سرنگوني شاه شد و آنها خلقهاي ایران هستند و حقي دارند که خواستار آند ولي در هر صورت این مسئله اي است که بیشتر به خود نیروهاي سياسي و پیشرو خلقهاي ایران بستگي دارد تا ما تاجائي که من شنیده ام اکثریت قریب به اتفاق خلق کرد براي بدست آوردن خودمختاري، حضرت آیت الله سيد عزالدین حسيني را به رهبري انتخاب، کرده اند که حتماً در این انتخاب همه نیروهاي پیشرو خلق کرد در ایران سهيم بوده اند از آنجمله حزب دمکرات کردستان.

س- جناب طالباني، حال که نام حضرت آیت الله سيد عزالدین حسيني به میان آمد، ميخواستم پرسيم که آیا شما و اتحاديه تحت رهبري شما با حضرت آیت الله حسيني رهبر کردستان ایران ارتباط داريد، منظور ما از دیدگاه سياسي است !

ج- بطوریکه اطلاع حاصل کرده ايم، حضرت آیت الله حسيني مورد تأييد اکثریت خلق کرد در ایران براي رهبري مذاکرات با دولت مرکزي ایران است، ما نیز نسبت به ایشان نهایت احترام را روا مي داريم و ایشان را مرد دانشمند و رهبر بزرگي مي دانيم، اما متأسفانه تاکنون ما به خدمت ایشان نرسیده ايم و دیدارو تماس مستقيمي بين ما نبوده، زیرا سياست ما عدم مداخله در امور کشورهاي همجوار و همسايه است، بهمين دليل ما با حضرت آیت الله حسيني که برآستي مرد انساندوست و هوشمند و فهميده اي هستند، در ارتباط نبوده ايم و بعضي اوقات، غير مستقيم براي ایشان نیز همچنانکه براي حضرت آیت الله امام خميني، حضرت آیت الله طالقاني و حضرت آیت الله شریعتمداري نامه ارسال مي داريم، براي وي نیز نامه ارسال داشته ايم ولي هرگز نه تماس مستقيمي داشته ايم و نه درصدد ایجاد این تماس بر آمده ايم.

س- آیا اگر به کردهاي ایران خودمختاري داده شود، خودمختاري کردستان ایران، تاثيراتي از نظر سياسي، اقتصادي و نظامي براي شما خواهد داشت يا نه؟

ج- تاثير خودمختاري کردستان ایران را برما باید از نحوه خودمختاري استنباط کرد، آیا خودمختاري چگونه خواهد بود؟ به چه کساني اعطا مي شود و چه کساني بر مصدر کارها قرار خواهند گرفت؟ مهم این مسائل است. اگر خودمختاري به توده هاي خلق کرد، به نمايندگان واقعي و حقيقي کرد داده شود، بس نیکوست، براي ما تاثير مثبت خواهد داشت. ولي اگر خودمختاري به

عناصر ارتجاعی و وابسته داده شود، امیدی به آن نیست و احتمال می‌رود چون دوران شاه از پشت به نهضت ما خنجر زهرآلود زنند، مثلاً هم اکنون در حوالی مریوان، گروهی از عناصر مرتجع و فئودالها از همه جا رانده، از جماعت قیاده موقت پشتیبانی می‌کنند و علیه انقلاب ما توطئه چینی می‌شود.

راستش را بخواهید به درستی نمی‌دانم منم مانند شما چیزهایی شنیده ام ولی بسیاری از فئودالهای آن منطقه، از قیاده جانبداری می‌کنند. بطور کلی رهبری حکومت خودمختاری کردستان مهم است که آیا در دست چه گروه و عناصری خواهد بود. مثلاً در همین ایران، تا دیروز در راس رهبری آن شاه قرار داشت، چماق به دست امپریالیسم علیه نیروهای مترقی بود ولی اکنون دانشمندی چون امام خمینی در راس رهبری قرار دارد که کم و بیش سودش به همه‌ی نیروهای مترقی و مبارز می‌رسد.

س- مام جلال گذشته از این مسائل، نیروهای اتحادیه وطنی کردستان بطور کلی از نظر اقتصادی، درمان، دکترا، خوراک و پوشاک در مضیقه نیستند؟

ج- انقلاب ما یک انقلاب خودکفاست و از همان گامهای نخستین، ما متکی بخود و نیروهای مولده خلق خود بوده ایم، متأسفانه خلق کرد «منظورم خلق کرد در عراق است» از نظر اقتصادی عقب افتاده است و بهمین جهت، ما نیز کمبودهای فراوانی داریم، ولی خوب چه می‌شود کرد، باید ساخت، باور کنید بعضی اوقات روزها بوده که به لقمه نانی محتاج بوده ایم. تصادفاً امروز که یادداشت‌هایم را مرور می‌کردم، که نوشته ام، پارسال همین موقعها خودم با گروهی از افراد در منطقه «دوله نی» در محاصره ارتش ایران و عراق قرار گرفته بودیم، از نظر خوراک، سخت در مضیقه بودیم و روزها را با قارچ و کنگر و دیگر گیاهان کوهی بسر می‌بردیم، در همان روزها چند پیشمرگ جهت خرید نان، نان خشک و خالی بمرزهای ایران رفتند که از سوی ارتش ایران دستگیر شدند، بطور کلی ما از نظر اقتصادی کمبودهایی داریم، ولی دلیل نمی‌شود که ما نهضت را بخاطر نان و خوراک و دیگر کمبودها رها کنیم. (تهران مصور ۱۶/۴/۱۳۵۸)

مسعود بارزانی رهبر قیاده ی موقت شد.

«مسعود بارزانی» به رهبری حزب دمکرات کردستان عراق - قیاده موقت - انتخاب شد. تصمیم به گزینش مسعود بارزانی در پی نشست‌های چند روزه کمیته مرکزی این حزب گرفته شد.

در نشست‌های حزب دمکرات کردستان عراق - قیاده موقت - پشتیبانی کامل از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به رهبری آیت الله العظمی خمینی، از سوی رهبران این حزب بار دیگر اعلام شد. این حزب تصمیم گرفت به مبارزه مسلحانه علیه رژیم استبدادی عراق ادامه داده و جنبش آزادیخواه کرد در کردستان عراق را توسعه بدهد. (آیندگان ۱۷/۴/۱۳۵۸)

گفتگو با «عمر» اندام کمیته رهبری اتحادیه میهنی کردستان عراق:

دولت بعث عراق، داخل پوست گردو!

عمر نام دارد. لاغر اندام است. در نگاهش ایمان به مبارزه‌ای که خلق کرد در کردستان عراق درگیر با آن است، موج میزند. او چند ماه پیش از سوئد به کردستان عراق آمده، تا در کنار دیگر رزمندگان کرد وظیفه‌اش را انجام دهد. «عمر» اندام کمیته رهبری اتحادیه میهنی کردستان عراق است. صمیمی و مهربان است. خواهش کرده است که نام کامل او را فاش نکنیم. پس شما هم او را با نام کوچکش «عمر» بشناسید و گفتگوی ما را با او بخوانید:

• وقتی «بارزانی» انقلاب کرد را رها کرد، قسمت عمده‌ای از کردستان عراق در دست رزمندگان کرد بود. فکر می‌کنید شما چه هنگام به چنین موقعیتی خواهید رسید؟

- ما این واقعیت را می‌دانیم که در حال حاضر این قدرت را نداریم که حکومت عراق را از بین ببریم، همچنانکه حکومت عراق نیز می‌داند این قدرت را ندارد که ما را از بین ببرد، چون شیوه مبارزه‌ی ما پارتیزانی است و تا صد سال هم که شده می‌توانیم مقاومت کنیم. همچنین ما می‌توانیم تمامی نیروهای مترقی و پیشرو ملت عراق را با خود همراه کرده و با حکومت عراق مقابله کنیم. ما می‌توانیم با ایجاد شکاف در ارکان حکومت عراق، آنرا ضعیف کرده و بر آن پیروز شویم و با همکاری نیروهای مترقی عراق یک حکومت خلقی بر ضد حکومت فاشیستی و ارتجاعی عراق ایجاد کنیم.

• در حال حاضر، حکومت عراق تا چه حد انقلاب کرده‌ها را جدی می‌گیرد؟

- اگر بگویم حکومت عراق چندین لشکر نظامی را در منطقه کردستان جایگزین کرده است، چه فکر می‌کنید؟ حکومت عراق روستاهای کردنشین را تخلیه کرده و سکنه آنرا به اردوگاه‌های اجباری منتقل کرده است. به عرض حدود ۲۰ تا ۲۵ کیلومتر مرز را سوزانده است برای اینکه ما را از توده مردم دور نگهدارد و رساندن آذوقه و هر چیز دیگری را برای ما دشوار سازد. با شاه ار در همکاری درآمدند تا در مرز ما را در محاصره نظامی قرار دهند. به خاطر همین همکاری آنها امتیازاتی نیز به شاه دادند. با ترکیه نیز همکاری‌های مشابهی داشتند تا ما را در محاصره مرزی قرار دهند. از جمله از ۳۰۰ میلیون دلار پول نفتی را که به ترکیه فروخته بودند، صرف‌نظر کردند. حالت خصمانه خود را با سوریه نیز عوض کردند تا از این طریق نیز مادر محاصره قرار گیریم. به همین جهت با سوریه آشتی کرده و از آن دولت درخواست اتحاد کرده‌اند. از دیگر کارهایشان قرار دادن ما در محاصره تبلیغاتی است تا صدای ما به هیچ جای دنیا نرسد. افسران، امرا و افراد ارتش عراق که در منطقه کردستان خدمت می‌کردند چون به اصالت انقلاب ما پی برده بودند، تبلیغات حکومت عراق علیه ما را باور نکرده بودند و حکومت بعثی عراق فکر می‌کرد که اینها نسبت به ما «سمپات» هستند. جمع این عده ۷۰۰ نفر بود که ۷۰ نفرشان را اعدام، ۱۵۰ نفر را زندان و بقیه را هم اخراج کردند برای مثال «ژنرال اسماعیل طایه النعیمی» است که او را از ارتش اخراج کردند و ظاهراً به عنوان سفیر و در حقیقت بصورت تبعید به مراکش فرستادند.

• از کجا اسلحه بدست می‌آورید؟

- مقداری را در نبرد با ماموران ارتش عراق بدست می‌آوریم. مقداری هم باقیمانده‌های اسلحه‌های افراد بارزانی است که یا به ما ملحق می‌شوند و یا می‌فروشند. همچنین از بازار سیاه اسلحه می‌توان هر نوعی سلاحی را خرید. شوخی نمی‌کنم حتی فانتوم و موشک را... همچنین پاره‌ای از سازمان‌های چپ منطقه خاورمیانه که نامشان را نمی‌گویم. مقداری اسلحه به ما کمک کردند.

• فکر می‌کنید سیاست رژیم تازه ایران نسبت به شما چیست؟

- عقیده من این است که حکومت انقلابی خلق‌های ایران هیچ وقت بر ضد انقلاب ما کاری نمی‌کند. رژیم شاه که یک رژیم سرسپرده به امپریالیسم و نوکر آن بود، بر ضد انقلاب ما فعالیت کرد. من معتقدم انقلاب ایران که بوسیله توده

مردم به ثمر رسید هیچ وقت علیه انقلاب ملت ما با حکومت فاشیستی و ارتجاعی عراق همکاری نمی‌کند.

• تصور نمی‌کنید حکومت عراق قصد دارد جنبش شما را در همین حد نگهدارد تا بزعم خودش هم کردها سرگرم باشند و هم خطری او را تهدید نکند؟ - هیچ شکي نیست که دولت عراق همین فکر را دارد. حدود یکسال پیش صدام حسین در سندیکای روزنامه نگاران عراق گفت که ما وضع کنونی کردستان را تا حدود ۲۰ سال می‌توانیم تحمل کنیم. البته او درست نمی‌گوید چون هر قدر مدت مبارزه ما طولانی شود، توده‌های بیشتری از مردم عراق به ما می‌پیوندند و به این ترتیب نیرومند تر می‌شویم. مخصوصاً الان که نیروهای مترقی عراق به ما پیوسته‌اند. رابطه دولت عراق با کشورهای همسایه و دیگر کشورها رو به تیرگی می‌رود. وضع کنونی ایران باعث شده که قراردادی که دولت عراق با شاه برای مبارزه علیه کردها داشت از بین برود. با دولت شوروی دچار اختلاف شده و رابطه آنها رو به تیرگی است.

اختلاف‌هایی نیز در داخل حکومت میان جناحها پدید آمده و بین دولت و ارتش نیز بر سر مساله کردستان اختلاف بروز کرده است و این در حالی است که حزب بعث نیز با دیگر حزبهای طرفدار حکومت اختلاف‌هایی پیدا کرده است. بنابراین دست و پای دولت بعث عراق حسابی توی پوست گردو افتاده است. (هیوا ۱۳۵۸/۴/۱۹)

از فلسفه انقلابی تا امکانات دوباره برای انقلاب
توافق ۶ مارس ۱۹۷۵ ایران و عراق بار دیگر ناتوانی بورژوازی بوروکراتیک عراق را که اساساً ماهیتی شوونیستی دارد، در حل دموکراتیک و عادلانه مساله «کرد» نشان داد.

رخدادهاي بعد از موافقت‌نامه ایران و عراق همچنین ناتوانی رهبری بارزانی را در تحقق آرمان کردها برملا ساخت. این موافقت‌نامه بار دیگر نشان داد که محافل امپریالیستی و حکام سرسپرده و مرتجع منطقه دشمنان واقعی جنبش کرد بوده‌اند.

شکست مارس ۱۹۷۵ بخاطر اعتماد و اتکاء بیش از حد به کمک‌های بیگانه رخ داد و مسلم شد، قدرت و نیروئی که از این راه حاصل می‌گردد، چیزی جز پروراندن تضاد در درون خویش نیست و منجر به فرو ریختن پایه‌های استقلال جنبش می‌گردد و حس خلاقیت و پایداری را از بین میبرد.

تحولاتی که از نظر سیاسی بعد از این شکست صورت گرفت، منجر به تصفیه و تشکیل احزاب مختلفی شد که هر کدام به نحوی صریح و قاطع بر اصول اتکاء به نیروی خود و استقلال همه جانبه در تعیین خط مشی آتی همگام و هم عقیده بودند.

ضرورت در ایجاد نیروی فزاینده و متشکل از جانب جناحهای چهارگانه خطی پان، جنبش سوسیالیستی کردستان و کومله مارکسیست - لنینیست کردستان و حزب دمکرات کردستان عراق (کمیته تدارکاتی) منتج به تاسیس «اتحادیه میهن پرستان کردستان» در عراق گردید. این اتحادیه در ژوئن ۱۹۷۵ طی بیانیه‌ای رسماً موجودیت خود را بعنوان سازمان نیمه جبهه‌ای که امکان همزیستی جریان‌های فکری و سیاسی مختلف را فراهم می‌کند، اعلام داشت.

خط مشی اتحادیه که از انتشارات اتحادیه گرفته شده بوجود طبقات متعدد اقرار دارد و نیاز هر طبقه را به حزب سیاسی خاص خود مورد تأکید قرار داده است.

• طبقه کارگر را انقلابی‌ترین طبقه و شایسته‌ترین طبقه برای رهبری انقلاب می‌دادند.

• تکیه بر تحلیل طبقاتی برای مشخص کردن وضع نیروهای انقلاب و هم پیمانها و دشمنان.

• انحصاری نبودن میدان مبارزه و آمادگی برای برقرار کردن محکم‌ترین شکل هم‌پیمانی با هر نیروی کردستانی مترقی و یا شعبه‌های احزاب مترقی عراقی در کردستان.

• مبارزه «صبورانه و آگاهانه» به منظور ولادت «حزب پیشگام» که از تزریق افکار مترقی انقلابی به جنبش توده‌ای انقلابی زاده می‌شود.

• بحساب آوردن انقلاب کرد، چون جزئی از انقلاب عراق با هدف سرنگونی رژیم مرکزی بعنوان راه آزادی تمام عراق و تأکید هم‌پیمانی با نیروهای مترقی چپ و با جنبش آزادیبخش عرب.

اتحادیه این حقیقت تاریخی را که آزادی خلق کرد از یوغ امپریالیسم، ستم ملی و استثمار طبقاتی، نمی‌تواند بدون تکیه بر مبارزه انقلابی توده‌ای و بدون اتحاد با مبارزات توده‌های خلق عرب تحقق پذیرد.

تحصیل خواسته‌های میهنی و نیز انجام انقلاب دموکراتیک که فراورده‌های خلق عراق (عرب و کرد) و دیگر اقلیت‌های ملی قرار دارد، انجام وظایف زیر را درجه اول اهمیت قرار داد:

الف - آزاد ساختن عراق از قیود استعمار نو، از جنبه‌های اقتصادی و سیاسی.

ب - سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری بعث.

ج - استقرار یک رژیم ائتلاف ملی و دموکراتیک تا بتواند دموکراسی واقعی را برای تمامی خلق عراق تأمین سازد.

د - شناسایی حقوق خلق کرد در داشتن خودمختاری واقعی در چارچوب یک جمهوری مستقل در عراق.

ه - انجام رفم ارضی ریشه‌ای به نفع توده دهقانان، صنعتی کردن کشور، بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور در جهت پیشرفت جامعه عراق بعنوان مرحله انتقالی، در جهت پیشرفت جامعه عراق بعنوان مرحله انقلابی در جهت استقرار ساختمان سوسیالیستی در کشور.

اتحادیه میهن پرستان کردستان اعتقاد دارد انجام وظایف مذکور، موقعیت عراق را در مبارزه ملت عرب علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع مستحکم می‌نماید.

امتیازاتی که حکومت بغداد در شط العرب و خلیج فارس به حکومت ایران داد و نیز اعلام آمادگی برای امضاء یک پیمان جدید در زیر پوشش «امنیت خلیج» که با خواسته‌های مردم عراق منافات دارد، نشان می‌دهد که بورژوازی بورکراتیک عراق از نظر تاریخی قادر به حفظ استقلال ملی نیست و همانند حکومت‌های دست‌نشانده سابق راهی سواي مصالح عالی خلق‌های عراق در پیش گرفته است.

اتحاد دوگانه رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق ماهیت واقعی ضد خلقی آنها را در قبال مسئله کرد آشکار ساخت. سیاست شوونیستی رژیم بعث در حل

مشکلات داخلی نیز بر ملا شد: اولاً، اخراج صدها هزار نفر از کارگران، دهقانان و روشنفکران کرد از مندلی، خانقین، کرکوک، شیخان، عین زاله و سنجار. ثانیاً، تقلب در ماهیت واقعی و محتوای رژیم خودمختاری کردستان. ثالثاً جلوگیری از احقاق حق خلق کرد در شرکت و اداره ارگان‌های مرکزی و محلی حکومت. رابعاً، تقسیم نیروهای ملی کرد و از میان بردن نیروهای مسلح آن. شناسائی لفظی خودمختاری کردستان در مارس ۱۹۷۰ از طرف حکومت بغداد و نیز طرح خودمختاری در مارس ۱۹۷۴ چیزی جز پوششی برای نیات شوونیستی بعثی‌ها نبود.

اتحادیه میهن پرستان کردستان اعتقاد راسخ دارد علیرغم تمام سختی‌ها و مشکلات که با آن دست به گریبان است بوسیله رزمندگان پیشمرگه تا تحقق اهداف اساسی خلق که در شعار معروف "دموکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان" متجلی گشته است، بمبارزه خود ادامه می‌دهد.

• فلسفه انقلابی اتحادیه میهن پرستان

اتحادیه میهن پرستان کردستان، بعد از فروپاشی ۱۱ مارس ۱۹۷۴ شورش کرد در عراق ضمن غور و بررسی‌های لازم برای احیای انقلاب و تحقق شعار دموکراسی برای عراق و اتونومی واقعی برای کردستان وارد عمل شد: اتحادیه با جمع بندی مجموعه تجارب کسب شده و ترکیب و تلفیق آن با درسها و اندیشه‌های نو، اصول فلسفه انقلابی خود را برای مبارزه با رژیم بعث بشرح زیر پیاده کرده است:

الف: اتحادیه معتقد است که بوروکراتیک عراق چون در اساس ماهیتی نژادپرستانه دارد، بهیچوجه قادر به حل مساله کرد بطریق دموکراتیک و عادلانه نیست. اقدامات و سیاست‌های قبلی بعث گواه صادق بر این اصل است و معلوم شد چگونه دولت عراق در موافقتنامه الجزایر همدوش ایران و سیاست خاورمیانه‌ای کیسینجر برای امحاء شورش کردها گام برداشته است.

ب: اتحادیه برای کسب حقوق دموکراتیک و ملی به انقلاب توده‌ای است که سنگر خویش را با نیروهای مترقی عراق در یک جبهه می‌گشاید. تا بدان وسیله عراق از دیکتاتوری رها گردد و حکومت دموکراتیک ائتلافی توده‌ای بوجود آید.

ج: اتحادیه، یک اصل انکارناپذیر را بطور صریح بیان می‌دارد و آن اصل اتکاء به خود است که برایش اصل درست و مقدسی است. نیروی اتکاء بخود در گذشته خیلی ضعیف بوده است. بهمین جهت دستگاه رهبری همیشه به دنبال حامی قوی می‌گشت و از وجود نیروها در درون خود بی خبر بود و یا آنرا ناچیز و بی اثر می‌پنداشت و نتیجه آن همیشه به نفع بیگانه خاتمه یافته است.

ولی اتحادیه، خلق را منبع نیرو و توانایی عمده خود میدانند. اما اصل اتکاء بخود را بمعنی انزوا طلبی و قطع رابطه با نیروهای مترقی ابداً تلقی نمی‌کند. اتحادیه نمی‌خواهد پا را از گلیم خود فراتر گذارد. میخواهد با هوش و ذکاوت خود منبع نیروهای نامرئی خویش را کشف کند و آنها را بخدمت بگیرد تا از درجه وابستگی کم کند.

د: توجه اتحادیه به این امر معطوف است که بعثت چند پارچگی کردستان و نیز وحدت منافع خلق کرد که در تضاد با سلطه جوئی دولت‌های حاکم بر آنها است تنها سه اصل معروف انقلاب برای پیروزی انقلاب کافی نیست و لازم است دو شرط دیگر ضمیمه آنها شود که بترتیب در زیر منعکس می‌گردد:

• وجود حزب پیشرو انقلابی

- وجود وحدت ملي که نيروي لايزال خلق را هر چهار قشر يعني کارگر، دهقان، خرده بورژوازي و بورژوازي ملي در بر ميگيرد.
- وجود نيروهاي مسلح خلق که کردها آن را نيروي پيشمرگه مي نامند.

سه اصل مذکور شروط لازم براي پيروزي انقلاب رهايي بخش و دمکراتيك همه خلقهاي تحت ستم جهان سوم مي باشد. ولي در مورد انقلاب کرد اين سه اصل لازم است ولي کافي نيست و با دو شرط مهم ديگر بار انقلاب سنگين تر و انجام وظيفه دشوارتر مي گردد. اين دو شرط آخري عبارتند از:

- براي اتحاديه در عراق وحدت مبارزه با نيروهاي مترقي عراق بي اندازه ضروري است.

- اشتراك مبارزه و همکاري متقابل با همه احزاب و گروههاي انقلابي مترقي و دمکرات اجزاء کردستان.

هـ: اتحاديه ميهن پرستان کردستان معتقد است خلق کرد بمتابه خلقي استثمار شده در راه از بين بردن ستم ملي و طبقاتي مبارزه مي کند. خلق کرد با همه خلقهاي که عليه هرگونه استثمار و عقب ماندگي مبارزه مي کنند، هم درد و هم مبارزه و هم هدف و دشمنانشان مشترک است. خلق کرد استثمارگران ملت خود را استثمارگران ساير ملتها دشمن مي داند و خلقهاي تحت ستم را يار و ياور خود بحساب مي آورد.

اتحاديه تنها خلقها را سازنده و نيروي محرک تاريخ مي شناسد و شرايط نامساعد داخلي و بين المللي را با نقش ارزنده نيروهايش مساعد مي سازد و اردوگاههاي سياسي و اقتصادي و نظامي در جهان را مجدداً به نفع خود تغيير مي دهد.

اتحاديه جنبش آزاديخواهانه خلق کرد را جزء لايتهزائي از مبارزه خلقهاي ستمديده و استثمار شده جهان ميداند. اين جنبش مسير تاريخي خود را مي پيمايد و بدین ترتيب مي تواند در ميان جناحهاي مترقي جهان و جنبشهاي رهايي بخش و نهضتهاي کارگري و ترقيخواه کشورهاي سرمايه داري دوستان مطمئن خود را بيابد.

در اين روند سياسي جائي براي حل يك جانبه مساله کرد بوسيله سازمان ملل متحد و يا فرمان واشنگتن و کرملين باقي نخواهد ماند. يعني مساله کرد تنها توسط خود ملت کرد و در داخل کردستان به رهبري حزبي پيشرو و نيروي انقلابي خلق کردستان ضمن همبستگي با مبارزات خلقهاي عرب، ترک، فارس حل خواهد شد. (هيو ۱۹/۴/۱۳۵۸)

دکتر جلال طالباني:

جرج حبش، «چه گوارا» ي شرق

دکتر جلال طالباني رهبر کردهاي عراق و دبیر اول «جبهه ملي» اين کشور که اخيرا با ائتلاف ۷ حزب مهم عراق تشکيل شده است. گفت که شايعه مربوط به سفرهاي پنهاني دکتر جرج حبش به خوزستان که در ارتباط با وقايع اين استان قوت گرفته است بهيچ وجه صحت ندارد. دکتر طالباني افزود: در اين اواخر در روابط من و دکتر جرج حبش که از ۲۰ سال پيش با او ارتباط خانوادگي دارم. بدلايلي تيرگي مختصري ايجاد شده ولي با اين همه، از حق نبايد گذشت و من صد درصد مطمئنم که او هرگز به ايران نيامده است. زيرا که دکتر جرج بعلت بيماري مزمن روماتيسم قلبي قادر به سفرهاي طولاني و ماجرا جويانه نيست و از سوي ديگر در روزهايي که گفته ميشد جرج حبش به خوزستان آمده، وي براي مداوای خود در سوریه و لبنان بسر ميبرد. طالباني افزود: «دکتر

حرج حبش سالهاست که دوشادوش یاسر عرفات علیه اسرائیل متجاوز نبرد میکند و او نه تنها پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی ایران رهبری امام خمینی ابراز داشته، بلکه در تمام عمر خود از جنبش‌های رهایی بخش جهان حمایت و جانبداری نموده و به یک عبارت او «چه گوارا» ی شرق است». (هیوا ۱۹/۴/۱۳۵۸)

کردهای عراق به جنگ شدیدی دست می‌زنند.

پسر ملا مصطفی به جای پدر انتخاب شد و شبانه به عراق رفت. کوهستان‌های کردستان عراق-آسوشیتد پرس: جنگجویان کرد طرفدار بارزانی بار دیگر به کوهستان‌های شمال عراق بازگشتند تا جنگ با دولت عراق برای بدست آوردن خودمختاری را از سر بگیرند.

مسعود بارزانی، پسر ۳۳ ساله ملا مصطفی بارزانی (رهبر جنگی کردهای عراق که چند ماه پیش در بیمارستانی در واشنگتن درگذشت) اخیراً در یک اجتماع سری حزب دموکرات کردستان عراق (قیاده موقت) به رهبری این حزب برگزیده شد و به جانشینی پدر رسید. این گروه به سلاح‌های ساخت شوروی و ساخت غرب و تعدادی از آنها هم سلاح‌هایی با خود داشتند که از جنگ اول جهانی تاکنون برایشان مانده است.

مسعود بارزانی به خبرنگار آسوشیتد پرس گفت: ما تصمیم داریم به جنگ شدیدی با دولت عراق دست بزنیم. (کیهان ۲۵/۴/۱۳۵۸)

نبرد کردها و دولت عراق

مسعود بارزانی فرزند ملامصطفی بارزانی، رهبری چند صد نفر از جنگجویان کرد را که در مرز ایران و شمال عراق هستند، و دارای مدرن ترین سلاح‌های سبک هستند بعهدہ گرفت. مسعود بارزانی که اینک ۳۳ سال دارد پس از مرگ پدرش ملامصطفی بارزانی در واشنگتن، سال گذشته در یک جلسه محرمانه که در تهران تشکیل شد، بجانشینی وی انتخاب گردید. مسعود بارزانی چندروز پس از انتخاب رهبری کردهای عراق، در راس گروهی از جنگجویان خویش از راه‌های صعب العبور شمال عراق که نیروهای عراقی قادر به گذشتن از آن نیستند، عبور کرد و به عراق رفت. طبق نوشته «الحوادث» برابر اظهار دفاتر کردها در خارج، در آینده بسیار نزدیکی نبردهای سختی میان کردها رهبری مسعود بارزانی و نیروهای عراقی شروع خواهد شد. (تهران مصور ۳۰/۴/۱۳۵۸)

نامه سرگشاده ی اتحادیه میهنی کردستان (عراق) به مهدی بازرگان

« قیاده موقت »: ستون پنجم

وظیفه انقلابی خود میدانیم که در مورد ضررها و خطرهای ناشی از سیاست غیرانقلابی همکاری کردن با قیاده موقت وابسته به ساواک - سیا و موساد هشدار بدهیم.

بارزانی از سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۶۰ بطور مخفیانه روابط خود را با موساد اسرائیل استحکام بخشید.

بارزانی اعتراف کرد اگر آمریکا به او کمک کند و پیروز شود، ملی کردن نفت عراق را لغو می‌کند و مجدداً نفت را به آمریکا خواهد داد.

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر محترم

دولت موقت انقلابی جمهوری اسلامی ایران

همراه با سلام گرم انقلابی:

امیدواریم که انقلاب اسلامی ایران همچنان در مسیر ترقی و شکوفائی گام بردارد تا به همه هدفهای مقدسی که در راه تحقق آن ده‌ها هزار شهید خون پاکشان را فدا ساختند، نایل آید.

حدود یکسال پیش، بهنگامی که آنجناب درگیر مبارزه بر علیه رژیم شاه بودید نامه ای را تقدیم داشتیم و در ضمن آن بنام اتحادیه میهنی کردستان و نیروهای مسلح و پیشمرگ، پشتیبانی کامل خود را از انقلاب ایران اعلام کردیم و نیز اعلام کردیم که آماده ایم تا بهر شکلی که رهبری انقلاب امام خمینی و دیگر سرکردگان جنبش مایل باشند و مصلحت بدانند بصورت عملی در میدان مبارزه انقلابی مشارکت نمائیم. قبل از آن نیز در نامه‌هایی خطاب به امام خمینی و آیت الله شریعتمداری و جناب دکتر «کریم سنجابی» همین آمادگی را اعلام داشته بودیم.

همچنین يك هیئت نمایندگی از طرف ما در پاریس به حضور امام خمینی رسیدند و با جناب «دکتر یزدی» ملاقات کردند. مسلماً ما این واقعیت را درک میکردیم که اتخاذ چنین روش‌هایی قطعاً بر سببیت و خشونت رفتار رژیم خائن بر علیه ما خواهد افزود و به تشدید و توسعه خصومت خواهد انجامید، لیکن با توجه به اصول اعتقادیمان مبني بر لزوم همکاری و وحدت مبارزاتی با انقلابهای ملل خاورمیانه و در راس آنها انقلاب فلسطین و انقلاب ایران و لزوم عملی بودن و جدی بودن این همکاری و وحدت، عوارض و عواقب این سیاست و ضررها و خطرهای ناشی از آنرا با صبر و ایمان انقلابی پذیرفتیم.

طبیعتاً در پاسخ به اعمال چنین سیاستی از جانب ما، شاه خونخوار نیز به دو طریق عکس العمل نشان داد: از یکسو همکاری با حکومت فاشیستی بغداد را هر چه بیشتر توسعه داد، بوسیله نیروهای مسلح خود موسوم به ارتش شاهنشاهی، مستقیماً دخالت کرد و بهنگام درگیری ما با ارتش عراق در پشت جبهه ما نیرو پیاده کرد و به نبرد با ما برخاست، ده‌ها نفر از دوستان و هم‌زمان ما را دستگیر کرد و بدست جلادان بغداد سپرد که همگی محاکمه شدند و بدار آویخته شدند و از دیگر سو مزدوران قدیم خویش یعنی دارو دسته بارزانی خائن را زیر پرشش نام «قیاده موقت» به صحنه سیاست و میدان مبارزه گسیل داشت و به جنگ با اتحادیه میهنی کردستان و انقلاب مسلحانه خلق کرد در کردستان عراق وادار کرد.

مطالعه پرونده‌ها و مدارک موجود در آرشیو ساواک و ژاندارمری و ارتش - چیزی که برای آن جناب و همکاران محترم انقلابیتان هم ممکن و هم ضروری است - نشان خواهد داد که هم دستگاه رهبری بارزانی و هم آنچه‌ی که بعداً بنام قیاده موقت تشکیل شد ساخته و پرداخته نقشه شاه و سیای آمریکا و موساد اسرائیل بوده اند و در منطقه خاورمیانه از آنها بصورت ژاندارم شاه و صهیونیزم و امپریالیزم استفاده میشده است.

این حقیقت را همچنین چندین سند و مدرک دیگر از جمله گزارش «اوتیس بایک» از کنگره آمریکا و نوشته‌های روزنامه‌های آمریکائی و عربی و اسرائیلی - که مختصر و منتخبی از آنرا تقدیم می‌دارد - به اثبات می‌رساند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فرار خانواده خونخوار پهلوی، باز هم قیاده موقت از جانب سه نفر از عمال سیا و ساواک و موساد اسرائیلی به نامهای «ادریس بارزانی»، «مسعود بارزانی» و «محمد محمود عبدالرحمن» معروف به «سامی» رهبری گردیده و بصورت ستون پنجم از طرف امپریالیزم و صهیونیزم و ضد انقلاب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

با توجه به این مراتب و مقدمات، جای تعجب و تاسف فراوان است که دولت آنجناب، هم‌رزمی و همکاری ملت عراق اعم از عرب و کرد و پشتیبانی بیدریغ اتحادیه میهنی کردستان و نیروهای مسلح پیشمرگ‌ها از انقلاب اسلامی را بدینگونه پاداش و پاسخ دهد که سیاستها و روشهای شاه خونخوار در سطح وسیع تر به نحو آشکارتری در دوران کنونی و در جمهوری اسلامی، امکان اجرا و تحقق بیابد.

امروز راهزنان قیاده موقت بارزانی که تحت نظر موساد اسرائیلی و ساواک ایرانی و سیای آمریکائی پرورش یافته اند و رهبرانشان مزدور امپریالیسم و صهیونیسم و شاه هستند، آزادانه در داخل خاک ایران فعالیت می کنند و این در حالی است که خلق کرد در کردستان ایران در ضمن تقاضای هشت ماده ای تقدیمی به نمایندگان دولت موقت انقلاب اسلامی ایران در شهر مهاباد، به صراحت تقاضای محاکمه رهبران خائن قیاده موقت را نموده است، و نیز همه نیروهای انقلابی ایران از روحانیت مترقی نظیر آیت الله خلخالی و آقای جلال فارسی گرفته تا سازمان مجاهدین خلق ایران و چریک‌های فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای انقلابی همه و همه به نوبه خود پرده از رخسار خائانه قیاده موقت برگرفته‌اند و نیز همه اینها درحالی است که قیاده موقت آشکارا با نیروهای سیا و اهریمنی ضد انقلاب مانند پالیزبان و دیگر روسا و رهبران مرتجع عشایری، همکاری و همدلی دارد.

جناب نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، ما وظیفه انقلابی خود میدانیم که در مورد ضررها و خطرهای ناشی از سیاست غیر انقلابی همکاری کردن با قیاده موقت - وابسته به ساواک و سیا موساد - هشدار بدهیم و مطلعتان سازیم که این امر به سود مصالح انقلاب در ایران و مبارزه ملت عراق - اعم از عرب و کرد - نخواهد بود.

ما از شما تقاضا داریم هر چه زودتر بدین سیاست خاتمه داده شود و رهبران خائن و جاسوس قیاده موقت به دادگاههای انقلاب اسلامی ایران و یا به دادگاههای انقلابی عراق که اکنون در کوهستان‌های کردستان شروع به کار کرده تحویل داده شوند تا به موجب مدارکی که در ادارات رکن دوم ارتش و ژاندارمری و ساواک دولت شاهنشاهی موجود بوده و هم اکنون در اختیار دولت انقلابی جمهوری اسلامی قرار دارد و به استناد مدارک گزارش «اوتیس بایک» و مقالات روزنامه نگار مشهور عرب «استاد محمد حسین هیکل» و اعتراف روزنامه یدیعوث احرونوت اسرائیلی محاکمه گردند و به سزای خویش برسند، همانگونه که دیگر خائین به انقلاب و وابستگان به امپریالیسم و صهیونیسم و عمال «رژیم شاه در دادگاههای» انقلاب اسلامی به سزای اعمال خود رسیدند. خیانت ادیس و مسعود و سامی و جاسوسی کردنشان برای سیا و ساواک و موساد به هیچوجه از خیانت خیانتکارانیکه در دادگاههای انقلاب اسلامی اعدام شده‌اند، کم اهمیت تر نیست و به همین علت، وجودشان برای انقلاب اسلامی ایران و عراق خطرناکتر از این معدومین است، لذا می‌پرسیم چگونه است که اینها می توانند در تمام کشور ایران آزادانه بگردند و فعالیت کنند و به توطئه چینی بپردازند؟

کمک به پناهندگان کرد عراقی

ما همچنین از آن جناب تقاضا می‌کنیم که از همه طریق ممکنه، به پناهندگان کرد عراقی که رهبری خائانه بارزانی، آواره شان ساخته است و امروز در شرایط بسیار ناگواری در خاک ایران به سر می‌برند، کمک بنمایند. تعجب

آورتر از همه اینست که ادریس و مسعود بارزانی همانگونه که در دوره شاه خونخوار سبب بازداشت و زندانی شدن دهها نفر گردیده اند - که از آن جمله هفت نفر از برادران ما هنوز مفقودالثر می باشند و از آن جناب خواهش می‌کنم که در پیدا کردن آنها به ما کمک بفرمایند - اکنون نیز در بسیاری از نقاط و منجمله در کرمان و یزد و دیگر جاها بوسیله مزدوران بارزانی این پناهندگان مورد تعقیب و آزار و بازداشت و اخراج واقع میشوند. کار به جایی رسیده است که مسعود بارزانی و سامی عبدالرحمن شخصا، یک پناهنده کرد عراقی بنام «محمد هرسین» را در اشنویه بازداشت و به قتل رسانیدند زیرا اسرار زیادی درباره دزدیها و نیز رابطه با اسرائیل میدانست.

لازم به توضیح است که همین «محمد هرسین» باتفاق سامی و مسعود و «شکیب عقراوی»، یک دوره ویژه را در اسرائیل دیده و به رموز جاسوسی و اقدامات امنیتی به نفع اسرائیل و وابستگان اسرائیل وارد شده بودند و نیز همین باند در «پاراستن» مصدر امور بودند و میدانیم که «پاراستن» شعبه ای از سازمان امنیت و اطلاعات ایران بود که در میان شورشیان کرد تاسیس شده و هدف آن، حفظ رهبری بارزانی و مراقبت در ادامه خط مشی طرفداری از اسرائیل و شاه بود. این خائنان و جاسوسان حتی در دوره شاه نمی توانستند به این سهولت و بدین آشکاری به زندان و کشتار مردم پردازند و چنین اعمالی زیر سایه جمهوری، آیا تعجب آور نیست؟

جناب آقای مهندس بازرگان!

چون جناب شما نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران هستید، لذا به مفاد آیه شریفه «و... تنفع المومنین» واقعیت‌های زیر را به یادتان می آوریم:

دار و دسته بارزانی و ساواک شاه تماس و وابستگی دارو دسته بارزانی با شاه جلاد و ساواک بصورت یک حیره خواری کامل درآمد بود. نه تنها اخذ اسلحه و پول، بلکه علاوه بر آن ایفای نقش جاسوس و ژاندارم برای شاه و ساواک جزو کارهای این گروه بود. در این کار، بارزانی و فرزندانش ادریس و مسعود و عبدالرحمان، دبیر کل قیاده موقت و چندین نفر از رهبران حزب بارزانی شخصا مشارکت داشتند و اینک خلاصه ای از چند نمونه را به اطلاع می رسانم:

۱ - یک کمیته همکاری بطور مداوم روابط بین بارزانی و ساواک را تنظیم میکرد. اعضای این کمیته عبارت بودند از «نصیری»، «منصور پور»، و «معتضدی» از طرف ساواک و ادریس و مسعود و محمد محمود عبدالرحمان معروف به "سامی" و نماینده بارزانی در تهران از طرف بارزانی. این کمیته، نوع همکاری را تعیین میکرد و به مبادله اطلاعات میپرداخت و مسائل امنیتی و جاسوسی را هماهنگ میساخت و امر مبارزه با انقلابیون را در میان کردهای ایران و عراق و نیز در سطح تمام ایران و عراق تنظیم میکرد.

۲ - همیشه یک نماینده ساواک در دربار بارزانی وجود داشت که روزانه و بطور مرتب، اخبار و اطلاعات لازم را در خصوص جنبش کردستان عراق بدست آورده و اطلاعات لازم در خصوص ارتش و پایگاههای نظامی عراق را نیز کسب مینمود.

۳ - همکاری افراد مسلح بارزانی و نیروهای مسلح شاهنشاهی در سرکوب مبارزه، مسلحانه کردستان ایران برهبری شهدا: شریف زاده، ملاآواره سلیمان معینی و غیره. در این مورد صدها نفر از افراد مسلح بارزانی با همکاری اویسی جلاد علیه انقلابیون همکاری کردند.

۴ - دستگیری و کشتن و تسلیم کردن شهید «سلیمان معینی» و چهل و شش نفر (۴۶) از انقلابیون کردستان ایران و تسلیم کردن خود یا جنازه‌هایشان به شاه جلاد.

۵ - حمله به مبارزین و مخالفین ایرانی شاه که در عراق بودند و حتی کوشش جهت ترور برخی از این مبارزین از ناحیه تروریست‌های بارزانی.

۶ - پایان دادن به انقلاب کردستان عراق پس از دیدار شاه و صدام حسین در الجزایر که بهترین دلیل اثبات این ادعا، معدوم کردن دهها هزار قبضه اسلحه و متفرق کردن دهها هزار پیشمرگ کرد و متلاشی کردن ارگانهای انقلابی جنبش کرد بدستور شاه ایران می باشد که شهادت دکتر «محمود علی عثمان» عضو دفتر سیاسی حزب بارزانی که طی نامه ای دیدار شاه و بارزانی را که در حضور وی صورت گرفته است، شرح میدهد یکی از دلایل اثبات خیانت بارزانی است. دکتر محمود علی عثمان می نویسد: «بارزانی پس از اینکه دست شاه را بوسیده مراتب اطاعت خود را اعلام داشت، گفت: «ما خلق شما هستیم و چون شما از توافق الجزایر راضی هستید و این توافق منابع ایران را که سرزمین مادری ماست، تامین میکند ما هیچ چیزی علیه آن نداریم و ما تحت فرمان شما هستیم، بما بگوئید بمیرید، میمیریم، بگوئید بزنید، میزنیم، ما به شما وفادار بوده ایم، هنوز هم هستیم و در آینده نیز چنین خواهیم بود».

۷ - پس از شکست انقلاب کردستان عراق و پس از آنکه دست شاه رو شد، دار و دسته بارزانی همچنان در ایران ماندگار شده و ستاد جاسوسی و خرابکاری خود را در «عظیمیه کرج» مستقر ساختند و سپس بدستور «ژنرال هاشمی» یکی از معاونان نصیری، عده‌ای از پناهندگان کرد طرفدار خود را مسلح کرده آنان را بر علیه انقلاب نوینی که در کردستان عراق آغاز شده بود، تحریک نموده دهها نفر مانند نادر اورای، حمید حسین و مصطفی نیروه‌ئی و عریف یاسین و یونس روژیانی را جهت مخالفت با انقلاب، از ایران به عراق فرستادند و با کمک «ساواک» و «میت»، راه رسیدن اسلحه و مهمات را بر انقلاب بستند و دهها پیشمرگ را کشته و یک نیروی هشتصد نفری از پیشمرگان انقلاب نوین خلقمان را سربسته کردند و با اینکار، بزرگترین خدمت را به رژیم فاشیستی کردند.

اینان تا زمان سقوط شاه، از یاران شاه بودند و پس از سقوط نیز همچنان با کسانی مانند «پالیزبان» و مزدوران پیشین شاه همکاری می کنند و در صورتیکه باقی بمانند روزی خواهد رسید که مراتب همکاری و نوکریشان را نسبت به شاه به مثابه یک نیروی ضد انقلاب به نحو آشکاری نشان دهند.

همکاری دار و دسته بارزانی با موساد اسرائیل
بارزانی از سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۰ بطور مخفیانه روابط خود را با موساد اسرائیل استحکام بخشید. در این خصوص اسرار زیادی هست که تاکنون آشکار نشده ولی:

۱ - «اریه لو» یا «الیاف» یکی از معاونین وزراء و نماینده پارلمان (کنیست) اسرائیل در مقاله ای به تاریخ ۱۰/۵/۱۹۷۸ که در روزنامه «یدیعوت احرانوت» اسرائیل چاپ شده، اعتراف می‌کند که وی بدستور «لوی اشکول» نخست وزیر وقت اسرائیل در سال ۱۹۶۶ با هیئتی به ملاقات بارزانی آمده و ادریس و مسعود را ملاقات کرده است و بارزانی، دو قبضه خنجر دسته طلائی جهت

هدیه به رئیس کنیست (پارلمان) اسرائیل و نخست وزیر اسرائیل فرستاده و قول داده است تا آخر همچنان به اسرائیل وفادار خواهد ماند.

۲ - از سال ۱۹۶۶ به بعد، یک هیئت نظامی و اطلاعاتی اسرائیلی مرتباً در بارگاه بارزانی حضور داشته و اطلاعات لازم را با همدیگر مبادله میکرده‌اند.

۳ - در سال ۱۹۶۶ ادیس و مسعود، پسران بارزانی و محمد محمود عبدالرحمن (سامی) و شکیب عقرای و محمد هرسین و دهها نفر دیگر از دارودسته بارزانی که برخی از آنها در حال حاضر در بغداد هستند (مانند عزیز عقرای وزیر مشاور دولت عراق) از اسرائیل بازدید به عمل آورده‌اند.

ادیس و مسعود و شکیب و هرسین در اسرائیل دوره اطلاعات و جاسوسی دیده و پس از بازگشت به کردستان، سازمان «پاراستن» را که در واقع ساواک بارزانی بود تاسیس کردند که به مثابه شعبه‌ای از موساد و ساواک فعالیت میکرد و هرگونه اطلاعاتی را برای ساواک و موساد جمع‌آوری مینمود.

«پاراستن» که سرپرستی ظاهریش به عهده مسعود بود و در واقع محمد محمود عبدالرحمن (سامی) مسئولیت مخفی آنرا به عهده داشت، در مورد ارتش‌های عراق و سوریه و سپس در مورد جنبش مقاومت فلسطین بخصوص پس از سالهای ۱۹۶۷ برای اسرائیل جاسوسی میکرد و کار بجائی رسید که اطلاعاتی هم در مورد پایگاه‌های انقلاب فلسطین در جنوب لبنان و پایگاه‌های موشکی سوریه و نیروی دریایی عراق جهت اسرائیل جمع‌آوری مینمود.

از سال ۱۹۷۳ محمد محمود عبدالرحمن همراه با مسعود بارزانی، هفده دستگاه بی سیم خیلی دقیق و کوچک را که ایستگاه مرکزیشان در اسرائیل بود جهت مبادله اطلاعات در بین افراد عضو «پاراستن» در شهرهای عراق مانند بغداد، موصل، کرکوک، بصره و نقاط دیگر توزیع کرده و بدین وسیله مستقیماً با اسرائیل مرتبط شده بودند.

۴ - در سال ۱۹۶۷ پس از شکست اعراب در جنگ با اسرائیل، رابطه رهبری بارزانی و اسرائیل توسعه زیادی یافت. در کتاب حصارهای اسرائیل که مقدمه اش را «ژنرال موشه دایان» نوشته است، «ژنرال رفی شاهیر» رئیس موساد میگوید: «بارزانی، بخاطر پیروزی ما بر اعراب، تلگرام تبریک فرستاده است» و اضافه می‌کند: «بارزانی دوست ماست و من شخصا چندین بار او را دیده‌ام» همینطور در همان کتاب، بارزانی و نیروهایش به دیواری از دیوارهای اسرائیل تشبیه شده‌اند.

پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، مصطفی بارزانی با یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب و نماینده اش در تهران به اسرائیل رفته و در آنجا همه سران اسرائیل را ملاقات کرده و پیمان همکاری با آنان منعقد کرده است. ژنرال دایان به بارزانی قول داده بود که انواع اسلحه‌ها را به وی بدهد و از آنجمله قسمتی از اسلحه‌های سبک و متوسطی که اسرائیل از اعراب به غنیمت گرفته بود، برای بارزانی فرستاده که بعضی از این اسلحه‌ها تا آنزمان هم علامت سوریه و مصر برویشان مانده بود.

۵ - در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، اسرائیل از بارزانی خواسته بود که به عراق و سوریه حمله کند. رهبری بارزانی هم طبق گزارش اوتیس پایک و مقاله محمد حسین هیکل و مقاله «آرول لات‌هام» آمریکایی باین امر راضی شده و از آمریکا موافقت خواسته بود ولی کیسینجر اجازه این کار را به بارزانی نداده بود. اکنون ببینیم «لات‌هام» در این مورد چه می‌گوید:

« در سال ۱۹۷۳ تمام کشورهای عرب - حتی عراق دشمن کردها - در این جنگ درگیر بودند بارزانی احساس کرد که وقت مناسبی است برای اینکه ضربت خود را فرود آورد، منتها هنری کیسینجر به بارزانی دستور داد که از اینکار خودداری کند و با این دستور به دستاوردهای دو دوست آمریکا که اسرائیل و کردها بودند، زیان رساند. کردها را از ضربتی که ممکن بود پیروزی بزرگی برایشان بیاورد بی نصیب ساخت و اسرائیل هم از بارزانی خواسته بودند که در جنگ شرکت کرده و آنان را یاری کند ولی از پشتیبانی کردها در جنگ بر علیه اعراب بی نصیب گشتند».

همینطور استاد محمد حسین هیکل به تفصیل توضیح داده است که چرا و چگونه کیسینجر مانع شرکت بارزانی در این جنگ شد و آنرا وسیله ای ساخت برای پیشبرد سیاست آمریکا و اسرائیلی در خاورمیانه.

۶ - پس از شکست جنبش، بارزانی‌ها همچنان پیوندشان را با اسرائیل حفظ کرده‌اند. قبل از آنهم مسعود بارزانی غیر از حقوقی که برای «پاراستن» میگرفت ماهانه پنجاه هزار دلار از اسرائیل دریافت می نمود. بطوریکه «جاک اندرسون» روزنامه نگار آمریکایی در روزنامه «واشنگتن پست» در مورخه ۱۷/۹/۱۹۷۲ این مسئله را اعلام و توطئه‌های پنتاگون را رسوا کرد. پس از اینکه «مناخیم بگین» دوست بارزانی سرکار آمد، این مبلغ را به ۲۵۰ هزار دلار افزایش داد که محمد محمود عبدالرحمن در لندن و یا مسعود در واشنگتن آنرا تحویل می‌گرفتند. بارزانیها در حال حاضر نیز همچنان پیوندشان با موساد قطع نگردیده است.

رهبری بارزانی و آمریکا و سیا مدت‌ها بارزانی مشتاق پیوند با آمریکا بود. «جرج آلن» سفیر آمریکا در تهران شهادت میدهد که در سال ۱۹۴۶ بارزانی قصد داشته بعوض پناهندگی به شوروی، به آمریکا پناهنده شود. روزنامه نویسن آمریکایی بنام «دانا آدم شمیدت» در سال ۱۹۶۲ در روزنامه نیویورک تایمز و در کتابش بنام Journey Among Brave men مینویسد: «بارزانی به وی اعلام کرده است که آماده است به عامل آمریکا تبدیل شده و به هر نوعی که لازم باشد به آمریکا خدمت بکند و کردستان را به پایگاه نظامی و سیاسی آمریکا تبدیل نماید. اما در سال‌های ۷۰-۶۷ و سپس در آغاز سال ۱۹۷۲ رهبری بارزانی بوسیله سفارت آمریکا در تهران و سازمان سیا کوشش کرده که رابطه اش را با آمریکا محکمتر کند ولی تا زمان سفر نیکسون به تهران و مذاکرات شاه با وی در مورد بارزانی، رسماً با آمریکا رابطه ای نداشت و قبل از آنهم فقط با سیا رابطه داشت و این رابطه تنها در رد و بدل کردن اطلاعات و اخبار بود ولی بعدها ادیس بارزانی و یکی از اعضای دفتر سیاسی «پارت دمکرات کردستان عراق» طرفدار بارزانی به واشنگتن رفته و در مورد مسائل زیادی با مقامات امریکائی بحث نمود.

پس از شکست جنبش در سال ۱۹۷۷ مجدداً در دو نامه ای که به جیمی کارتر نوشته است «مراتب وفاداری و نوکری خودش را به آمریکا اعلام داشته و خاطرنشان می‌سازد» که بخاطر منافع امپریالیزم آمریکا انقلاب کرد را به نابودی کشانده است و امیدش تنها به آمریکاست و با مدح و ثنای زیادی پیوندش را با آمریکا مستحکمتر می‌سازد. آخرین جمله نامه اش به شرح زیر است:

«مردم من برای بیش از نیم قرن به من اعتماد و اعتقاد کامل داشته اند من اکنون این اعتماد را به شما منتقل می‌کنم».

همینطور پس از ملی شدن نفت عراق، بارزانی اعتراف کرد اگر آمریکا به وی کمک کرده و او پیروز شود، ملی کردن نفت عراق را لغو خواهد کرد و آماده است نگرانی از نفت را بدستور آمریکا به عهده گیرد. خلاصه بارزانی خوب دوره نوکری و جاسوسی کردن برای آمریکا را دیده بود.

جناب نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران!

اینجا خلاصه ایست از قسمتی از مدارک اثبات این واقعیت که دار و دسته قیاده موقت طرفدار بارزانی، نوکران امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل و ساواک شاه هستند و اینها ستون پنجم و بخشی از نیروی ضد انقلاب اند و همیشه به مثابه نیروی کمکی در خدمت امپریالیسم اسرائیل بوده اند. در اینصورت چگونه ممکن است جمهوری اسلامی که بر روی ویرانه‌های رژیم شاهنشاهی بنا شده و دشمنی اش را با آمریکا و اسرائیل پنهان نمی‌کند به اینها که عاملان آمریکا و اسرائیل هستند، امکان فعالیت بدهد و یا کمکشان کند. برآستی کمک رساندن به قیاده موقت و زنده کردنشان بضرر انقلاب اسلامی و اصول و دستاوردهای انقلاب ایران و دشمنی کردن با خلق عراق و انقلاب عراقی ما که در کردستان عراق آغاز شده است، می‌باشد. به همین جهت، امیدواریم که امکان فعالیت را به اینان نداده و دوستی خودتان را با خلق عراق اعم از کرد و عرب و انقلاب عراق بر علیه حکومت فاشیستی بغداد از بین نبرید.

همیشه شاد و پیروز

باشید.

اتحادیه میهنی کردستان (عراق).

دفتر سیاسی (آیندگان ۷/۵/۱۳۵۸)

جلال طالبانی شرکت در حوادث پاوه را تکذیب کرد.

جلال طالبانی دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق، در پی حوادث پاوه دخالت اتحادیه میهنی کردستان را در حوادث چند روز اخیر شهرستان پاوه را تکذیب کرد. متن تلگرامی که به بدین منظور به روزنامه اطلاعات ارسال شده به شرح زیر است:

قم - آیت‌الله حسینی منتظری گرامی

تهران - نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران

تهران - آیت‌الله طالقانی

برادر مجاهد شیخ محمد منتظری و نخست‌وزیر ایران تبلیغات دروغین علیه پیشمرگ‌های اتحادیه میهنی کردستان پخش می‌کند. ما در رویدادهای پاوه دخالت نداریم، ما همیشه پشتیبان و دوست انقلاب اسلامی ایران و به رهبری امام خمینی هستیم و در تایید ادعایمان دوباره پیشنهاد فرستادن هیات تحقیق و بررسی و سرکردگی سید حسین خمینی را دوباره می‌نماییم چون عوامل امپریالیسم و صهیونیسم بین‌المللی علیه وحدت مبارز انقلاب‌های ایران و عراق نیز که در نخست‌وزیری ایران نفوذ کرده‌اند در توطئه امپریالیسم و صهیونیسم بین‌المللی را علیه کسانی که پیش‌مرگ‌های اتحادیه میهنی کردستان را با مزدوران پالیزانها و سالار جاف‌ها هم ردیف می‌گذارند دشمن انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فلسطین و خلق‌های خاورمیانه هستند.

(اطلاعات ۲۹/۵/۱۳۵۸)

محمد حسین هیکل روزنامه نگار معروف مصری برای اولین بار فاش

می‌کند:

۲۵ میلیون دلار سلاح‌های سیا برای کردهای عراقی چه شد؟
در سفر نیکسون و کسینجر به ایران، به درخواست شاه مخلوع قرار شد
"سیا" برای کردها سلاح تهیه کند.
ماجرای هنری کسینجر و دولت آمریکا به افراد عراق، داستان جالبی دارد.
مدارک و اسناد محرمانه این داستان همگی در پرونده‌ها و گزارش‌های
کمیته ویژه ای که کنگره آمریکا به ریاست «اوتیس بایک» نماینده ایالت نیویورک در
کنگره برای بررسی فعالیت‌های محرمانه دستگاه‌های اطلاعاتی تشکیل داده
بود، ضبط است.

در اینجا سعی بر این دارم که این اسناد را با دقت و امانت خلاصه کنم:
بخشی مربوط به مساله کردها در این گزارش‌های محرمانه با نامه‌ای شروع
میشود که رییس شعبه سیا آمریکا در ایران به رییس سیا در واشنگتن ارسال
داشته و یادآور شده که ملا مصطفی بارزانی، رهبر وقت نهضت کردها در عراق،
وی تماس گرفته و از وی در جنگ خود علیه دولت عراق تقاضای کمک کرده
است. در این نامه قید شده است که جنگ مزبور بنفع ایالات متحده آمریکا
می‌باشد زیرا دولت عراق در آن هنگام، با اتحاد شوروی، همکاری میکرده است.
(تاریخ نامه مزبور ۱۹۷۱ می‌باشد). ملا مصطفی بارزانی بار دیگر با رییس
شعبه سیا در ایران تماس گرفته و مصرانه تقاضای کمک کرده و رییس سیا
آمریکا در ایران به مرکز سیا در واشنگتن تاکید کرد که چون کمک به بارزانی
اهمیت زیادی دارد باید این کمک صورت گیرد. (تاریخ نامه دوم، مارس ۱۹۷۲ بود)
این دو نامه به کمیته چهل نفره که روی تمام فعالیت‌های محرمانه دستگاه‌های
امنیتی آمریکا نظارت دارد و ریاست آن در آن زمان با دکتر «هنری کسینجر»
مشاور امور امنیت ملی رییس جمهوری و رییس شورای امنیت ملی بوده
تسلیم شد. کمیته مزبور هر دو نامه را به دقت مورد بررسی قرار داد، ولی در
این باره، هیچگونه تصمیمی اتخاذ نکرد و یا چنانکه پرونده‌ها نشان می‌دهد،
کمیته مزبور تصمیم خود را در اسناد مزبور ثبت نکرده است. در ماه ۱۹۷۲ که
پرزیدنت ریچارد نیکسون رییس جمهوری آمریکا با توافق هنری کسینجر از ایران
دیدن کرد شاه سابق ایران مساله کمک به کردها را با رییس جمهوری آمریکا
مطرح کرد و گفت که او به ملا مصطفی بارزانی وعده داده است که آمریکا باو
کمک خواهد کرد. و افزوده بود که وی این قول را بعنوان یک «دوست» داده و
آمریکا هم باید باید به وعده خود جامه عمل بپوشاند. سپس شاه سابق
صورتی از سلاح‌هایی که ملا مصطفی به آن نیاز داشت به ریچارد نیکسون داد.
نیکسون قول داد به محض مراجعت به واشنگتن این مساله را «با نظری مثبت»
مورد بررسی قرار دهد. در اول ماه ۱۹۷۳ دولت عراق، تصمیم مهم خود را دایر بر
ملی کردن نفت عراق اعلام کرده بود. در شانزدهم ژوئیه همانسال در جلسه با
حضور «نیکسون» و «کی سینجر» تصمیم گرفته شد که به کردها کمک شود و
مبلغ شانزده میلیون دلار برای هزینه‌های اولین پارتی سلاح‌های ارسالی برای
کردها تامین اعتبار شد. همچنین تصمیم گرفته شد که «جان کانالی»، که وکیل
تعدادی از شرکتها بود و بعدا توسط نیکسون به وزارت خزانه داری منصوب شده
بود به تهران اعزام و موافقت آمریکا را برای کمک به کردها و ارسال سلاح‌های
مورد نیاز آنان به اطلاع شاه سابق برساند. کمیته «با یک» هیچگونه مدرکی
بدست نیاورده است که نشان دهد تصمیم دولت آمریکا برای دادن کمک به
کردها به کمیته چهل نفری، ارائه شده است و بهمین جهت، جزئیات این
تصمیم، روی سندی ثبت نشده ولی در گزارش کمیته «با یک» قید شده است:

«دلایلی که بدست کمیته رسیده نشان میدهد که این تصمیم، در درجه اول بدان جهت گرفته شده تا با دوست خویش رژیم ایران که با خلوص نیت با ما همکاری مینماید و خطر همسایه اش عراق، تهدیدش میکند همراهی کرده با شیم عداوت میان طرفین، یک شیوه سنتی است. اختلاف اساسی آنان در جهت گرایش‌های آیدئولوژیکی و همچنین در باره روابط با ایالات متحده آمریکا است. کمیته «بایک» آنگاه می‌پرسد که هدف و خواسته ایالات متحده آمریکا از این روش چیست؟ در اینجا گزارش مزبور می‌نویسد: هدف ایالات متحده آمریکا از کمک خود به اکراد این نبود که بتوانند به پیروزی برسند و در اثر این پیروزی به خودمختاری برسند. زیرا اگر روی کردهای ایران هم اثر بگذارد این موضوع برای شاه مشکلاتی ببار می‌آورد. هدف این است که میزان کمک به ملا مصطفی بارزانی، در حد معینی باقی بماند، میزانی که با استفاده از آن بتواند از طرفی نیروی ارتش عراق و ستادهای فرماندهی و افرادی را فرسایش دهد و از طرف دیگر میزان آن به اندازه‌ای نباشد که به آن حد پیروزی برسد که به استقلال دست یابد و روی اکراد ایران اثر بگذارد. کمیته «بایک» همچنین در گزارش خود اشاره کرده است که رئیس «سیا» در تهران در اکتبر ۱۹۷۳ کسب اطلاع کرد که اسرائیل که با ملا مصطفی بارزانی در تماس بوده به او اسرار می‌کردند از فرصت عزیمت ارتش عراق به سوریه جهت شرکت در جنگ اکتبر استفاده کند و دست بیک حمله وسیع در شمال عراق بزند. این گزارش رئیس سازمان سیا در تهران در کمیته چهل نفره بریاست هنری کی سینجر مورد بررسی قرار گرفت. نظر کی سینجر این بود که ملا مصطفی بارزانی ممکن است در این اوضاع و احوال بیش از آنچه تصور میکنند بنفع ماست پیروز شود. و بدنبال آن هنری کی سینجر نامه‌ای برای ملا مصطفی فرستاد و بوی توصیه کرد که از فرصت بدست آمده سوءاستفاده نکند ولی ملت چنین توصیه‌ای را برای وی تشریح نکرد و فقط به این مطلب اکتفا کرد که من می‌ترسم چنین اقدامی از جانب شما، مشکل اکراد را پیچیده‌تر سازد. در ماه فوریه ۱۹۷۴ کمیته چهل نفره، راهبردهای تازه‌ای را برای کمک به اکراد بررسی کرد در ابتدای این امر قرار شد مبلغ بیست و پنج میلیون دلار برای خرید سلاح از یک کشور کمونیستی آن‌هم از طریق یک کشور ثالث اختصاص داده شود و برای اکراد ارسال گردد. یکی از دلایل اسرار کمیته‌های که هنری ریاست آنرا داشت این بود که کمک به اکراد برای آمریکا لازم است زیرا عراق مرتباً با قراردادهای حل اختلاف خاورمیانه که هنری کی سینجر در راهش تلاش میکند شدیداً مخالفت مینماید لذا افزایش دادن فعالیت اکراد علیه دولت عراق بحث میشود تا ایت دولت درگیر مشکلات داخلی خود بشود و فرصتی برای مخالفت با سیاست ایالات متحده نداشته باشد. در مارس ۱۹۷۵ در دولت ایران و عراق به توافق رسیدند که رژیم شاه مخلوع همه کمک‌های خود را به کردها متوقف کند و از کمک‌رسانی از طریق مرزهای خود و جلوگیری نماید و ظرف مهلت معینی مرزهای خودش را بروی هرگونه فعالیت کردها ببندد. در جلسه کمیته چهل نفره به ریاست هنری کی‌سینجر که در همان‌ماه تشکیل شد. طبق گزارش کمیته هنری کی سینجر گفت: ما از کردها دست خواهیم شست تا عراقیان نتوانند به حساب سوری‌ها برسند زیرا دولت سوریه حاضر نیست در گفتگوهای دومین مرحله جدا سازی شرکت کند. کمیته ما با یک لحن اعتراضی شدید به این روش می‌نویسد. «سیاست» در قبال اکراد غیر اخلاقی بوده است. ما به آنها کمک کردیم و نه اجازه دادیم که اختلافات خویش را با دولت عراق حل کنند. ما ابتدا آنها را تحریک

کردیم و سپس رهایشان ساختیم. اسناد کنگره آمریکا در سخنانی که برای ما وحشتناک است چنین می‌گوید: «کی سینجر» برای رضایت رژیم ایران به کردها کمک کرد. پس از اینکه دولت عراق نفت خود را ملی کرد و هدف کی سینجر از کمک‌های مزبور این بود که نیروی عراق را فرسایش دهد. کمک‌هایی که به اکراد داده میشد حد معینی داشت تا به پیروزی نرسند (زیرا پیروزی آنها به رژیم شاه مخلوع آسیب می‌رساند و عراق هم نمی‌توانست آنها را در هم بکوبد) یعنی اینکه هدف کی سینجر ادامه جنگ و فرسایش منابع و نیروی انسانی بود. کی سینجر از کردها خواست که فعالیت خود را شدیدتر کند تا عراق فرصتی برای مخالفت با قرارداد جدا سازی نداشته باشد. کی سینجر کردها را تحریک کرد تا بتواند حساب سوریه را که با قرارداد دوم جداسازی مخالفت می‌کرد برسد. گذشته از این طبق مدارک موجود سازمان سیا سلاحيهاي به مبلغ بیست و پنج میلیون دلار از کشورهای کمونیستی خریداری کرده بود تا برای کردها عراق فرستاده شود و در جنگ آنها علیه دولت عراق مورد استفاده قرار گیرد. ولی جنگ عراق و کردها خاتمه یافت و این اسلحه هنوز هم در اختیار سازمان سیا است و معلوم نیست به کجا خواهد رفت؟ منبع: الانوار (اطلاعات ۱۸/۶/۱۳۵۸)

جزئیات مذاکرات وزیر خارجه با صدام حسین درباره کردستان عراق

ملاقات با صدام حسین

...اولین سوال از سوی خبرنگار کیهان مطرح شد:

پرسیدیم: با توجه به اهمیت ویژه و حساسیت خاصی که در مورد مساله خوزستان و کردستان مطرح است، مذاکرات شما با صدام حسین بر چه محوری دور میزد و اصولاً چه مسایلی در گفت و گوی ما بین مطرح شد؟ یزدی گفت: من دوبار با وزیر خارجه و یک بار با صدام حسین رئیس‌جمهوری عراق ملاقات کردم. در ملاقات با صدام حسین مسایل ما درباره موضع عراق نسبت به ایران پس از پیروزی انقلاب ایران مطرح شد و اینکه چرا در حالی همه اعراب از انقلاب ایران پشتیبانی و استقبال میکنند، عراق نسبت به ایران چنین موضعی دارد. عراقی‌ها نیز در این گفتگو نگرانی‌های خود را بیان کردند. نگرانی‌های آنها مقداری ناشی از توهمات و مقدار کمی هم ناشی از تاثیر طبیعی انقلاب ایران در جهان است. وقتی مردم مستضعف دنیا می‌بینند که انقلاب ایران بدون اتکا به هیچ قدرت خارجی توانست پیروز شود تحت تاثیر قرار می‌گیرند. ما نیز نمی‌توانیم از این تاثیرات جلوگیری کنیم. ولی دولت ایران و انقلاب ایران هیچ گونه دخالتی در هیچ کشوری و منجمله عراق نکرده و نخواهد کرد یزدی سپس توضیح داد: «در سالهای قبل مصر، لیبی، سوریه و عراق هر کدام گروهی تربیت کرده بودند که با شاه مقابله کنند. مصر پس از ناصر و لیبی و سوریه پس از انقلاب دست از حمله به ایران برداشتند، اما عراق همچنان مشغول تقویت جبهه آزادی بخش خوزستان که سالهاست آنرا بوجود آورده است. ما به عراق این مساله را توضیح دادیم و گفتیم اگر ایران اسناد دخالت آن کشور را منتشر نکرده است، به این جهت است که نخواستیم افکار عمومی

را بیش از آنچه بر علیه آن کشور است تحریک کنیم. علاوه بر این قبل از این ملاقات نیز ما مسایل را به سفیر عراق گفته بودیم و آنها گفته بودند که مساله خوزستان و کردستان باید یکجا حل شود که ما نپذیرفتیم. وزیر خارجه همچنین توضیح داد که بعد از حادثه پاره و وقایع اخیر کردستان دست عراق در این حوادث درگیر بود که این مسایل با صدام حسین مطرح شد. گفتم که آنها نیز نگرانی‌های خود را گفتند. وزیر خارجه سپس گفت نتیجه این صحبت‌ها این بود که به عراق گفتیم که اگر دست از اقدامات خود برندارید، ما مجبور به اتخاذ تدابیر دیگری خواهیم بود.

یزدی توضیح داد: «اگر پیروزی ارتش در کردستان مفید بود و ما نیز منت‌های استفاده را در مذاکرات از فرار سران حزب دموکرات به کردستان کردیم». او ضمن اشاره به اینکه هیچگاه از صدام حسین به نام برای سفر به ایران دعوت نشده است گفت: حزب بعث عراق عقیده دارد که مساله عراق از مساله اعراب جدا نیست، اما ما به آنها گفتیم که آنها را به عنوان نماینده و سخنگوی اعراب نمی‌شناسیم و بهر حال صحبت ما در مورد نگرانی‌های دو طرف بود. ضمناً آنها اشاره داشتند که چرا امام رهبر کلیه شیعیان جهان است که گفتیم این را مردم پذیرفته‌اند و خواست مردم را ما نباید پاسخگو باشیم. ضمناً در مورد دخالت‌های عراق به کشورهای کویت، سوریه و الجزایر توضیحاتی دادم که آنها از ما پشتیبانی می‌کنند و روش عراق را نادرست خواندند. (کیهان ۲۸/۶/۱۳۵۸) مصاحبه با بازرانی‌ها

گروهی از کردهای بازرانی که پس از توافق الجزیره به ایران پناهنده شدند هنوز در شهرهای ایران، بخصوص در منطقه غرب کشور بسر می‌برند و رهبران‌شان نیز هنوز در ایران هستند.

چندی قبل فرصتی پیش آمد تا با ادریس و مسعود بازرانی گفتگویی داشته باشیم. کردهای بازرانی که ادریس و مسعود بازرانی را به جای مصطفی بازرانی قبول کرده‌اند بدور آنها جمع شده و نظراتشان را می‌پذیرند. قبل از شروع گفتگو، ادریس بازرانی با اشاره به انقلاب اسلامی ایران گفت: «بمحض اینکه شاه سابق از ایران رفت ملامصطفی بازرانی تصمیم گرفت به ایران برگردد تا از حضرت آیت الله خمینی پشتیبانی نماید و آمادگی همه گونه کمک به انقلاب اسلامی ایران را داشته باشد و تلگرافاتی هم به حضرت امام، نخست وزیر و سایر رهبران انقلاب ایران فرستاد. و نمایندگان نیز جهت دیدار با امام به پاریس فرستاد، متأسفانه مرگ فرصت نداد تا او در خدمت به انقلاب اسلامی ایران باشد». وی افزود: «ما چون میهمان این ملت هستیم بهیچوجه در امور این کشور دخالت نمی‌کنیم و توصیه می‌کنیم که هر نوع مشکل مردم کرد ایران، از طریق مذاکره و مسالمت و گفتگو حل شود و توصیه ای که داریم اینست که کردهای ایران، مشکلات خود را برهبری امام خمینی و از طریق مسالمت و برادری می‌توانند حل کنند تا فرصتی به دشمنان ملت ایران و دشمنان کردهای ایران برای سوءاستفاده داده نشود و هر توافقی که در این راه بدست آید به وحدت ارضی و ملی ایران کمک خواهد کرد.

بارزانی سپس در مورد خودمختاری کردستان گفت: «اکنون بیشتر مسائلی که می شنویم در چارچوب اسلامی و برادری است و همانطور که در قران نیز خداوند تبارک و تعالی میفرماید: انماالمؤمنون اخوه» همه مسلمین برادرند» باز هم حقوق برادر کوچک باید بوسیله برادر بزرگ چه از جنبه سیاسی و چه اقتصادی و فرهنگی مشخص شود ولی میزان حقیقی این حقوق را نمایندگان واقعی کردهای ایران و دولت اسلامی ایران تعیین خواهند کرد». وی افزود: «شاید پس از خود مختاری مشکلاتی پیش آید ولی ما امیدوار هستیم با هشیاری که در تمام ملت ایران وجود دارد همه مشکلات رفع شود». بارزانی همچنین گفت: «در این خود مختاری تصور میکنیم اداره امور محلی دست خود کردها باشد ولی از نظر نظامی، اقتصادی و سیاست خارجی امورشان با دولت مرکزی باشد.

روابط بارزانی و جلال طالبانی

نیروهای جلال طالبانی از فرصتهای پیش آمده نهایت استفاده را می کنند از سال ۱۹۶۴ با ما مخالفت میکرد زیرا در این سال قبول کرد که بر علیه ملت کرد با دولت عراق همکاری کند و یا روابط او را با شاه سابق که از سال ۱۹۶۱ شروع کرد و شروع آن، اینطور بود که بارزانی در جریان این همکاری قرار نگیرد و «عیسی پژمان» یکی از افسران ساواک رابط بین طالبانی و ساواک باشد. طالبانی در این توافق که در سال ۱۹۶۳ در «ماهوت» به صورت مشترک با دولت‌های ایران-عراق و سوریه نیز بعمل آورده بود تعهد داشت همه نیروهای مسلح کرد را فلج کرده و مانع اجرای کامل فرمان بارزانی دایر بر مبارزه ملت کرد علیه دولت عراق شود. در سال ۱۹۶۴ که بارزانی‌ها تصمیم گرفتند با دولت عراق وارد مذاکره شوند چون دولت ایران با توجه به عدم وجود روابط دوستانه با عراق مخالف بود لذا طالبانی سعی کرد کردها را به عصیان وادار کند. بعداً که نیروهای پیشمرگه به توطئه‌های طالبانی پی بردند، طالبانی و افرادش به سردشت ایران گریختند و یک تیپ کامل از ارتش ایران از آنها حمایت کرد طالبانی با همکاری دولت عراق باعث کشتار هشت هزار پیشمرگ کرد و به آتش کشیده شدن ۴۰۰ دهکده کرد نشین شد و در سال ۱۹۷۰ که توافق ۱۱ مارس بین بارزانی و صدام حسین صورت گرفت دوباره تقاضای بخشش کردند که طالبانی و افرادش به کردستان عراق باز گردند.

بعد از گذشت چهار سال از توافق ۱۱ مارس، عراقیها برای خودمختاری کردستان عراق، طرحی تهیه کردند که فقط اسمش خودمختاری بود که اگر ما قبول می کردیم این امر خیانت به ملت کرد تلقی می شد و چون دولت عراق در آن زمان به بهترین سلاحها مجهز بود و ما از عهده مقابله بر نمی آمدیم ناچار از دولت وقت ایران که در آن زمان با دولت عراق مخالف بود کمک گرفتیم نه اینکه با شاه موافق بودیم و شاه قول داد که به ملت کرد کمک کند. متأسفانه کار در نیمه راه بود که شاه با صدام حسین در مادرید وکی سینجر مذاکره کرد تا با همکاری آمریکا جنبش ملی کرد را از بین ببرند، به شرط اینکه عراق از اردوگاه بلوط شرق دور شود و به شاه و منافع آمریکا در خاور میانه کمک کند.

می گویند چرا ملا مصطفی بارزانی به آمریکا رفت؟ چرا رفت؟ برای اینکه او به مرض سرطان مبتلا بود. بهر جا می خواست برود دولت ایران موافقت نمی کرد مگر به آمریکا بهمین جهت او ناچار شد برای معالجه به آمریکا برود و پس از چندی هم که مایل بود به یکی از کشورهای انگلیسی 'سوئد' سوئیس و فرانسه برود دولتهای آنها صدور ویزا را منوط به موافقت دولتهای ایران و عراق میکردند!

بناچار در امریکا ماند و شاه سابق قبل از اینکه از ایران برود بوسیله اردشیر زاهدی از او خواست که به ایران برگردد ولی بارزانی به زاهدی گفته بود: «وقتی بایران برمی گردم که شاه در ایران نباشد!» و در عوض نمایندگان خود و نمایندگان پارت دمکرات کردستان را برای تماس با امام خمینی همراه نامه ای به پاریس فرستاد و این نامه بوسیله آقای قطب زاده تقدیم امام شد. در این نامه ملامصطفی بارزانی همه گونه آمادگی خود را برای کمک به امام اعلام کرده بود. ادیس و مسعود بارزانی در اینجا اضافه کردند که در آنموقع ما هزاران پیشمرگ مسلح در مرزهای مشترک ایران-عراق و عراق-ترکیه داشتیم و آماده بودیم اگر چنانچه جهاد برضد شاه شود اقدام کنیم زیرا شاه بزرگترین خیانتها را در مورد ما نیز مرتکب شده بود.

بارزانیها گفتند در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ که مصر، اسرائیل را مورد حمله قرار داد در روز دوم جنگ، شاه به ملامصطفی بارزانی اطلاع داد که فانتومهای اسرائیلی به پایگاههای عراق و تأسیسات نفتی آن حمله خواهند کرد چون فرصت مناسبی است خوب است شما هم در این فرصت به پایگاههای نظامی عراق حمله کنید تا به هدفهای خود دست پیدا کنید و چون ما قبلاً با ملتهای مسلمان بستگی داشتیم، حمله نکردیم البته قبلاً سادات طی نامه ای از ما خواسته بود که بخاطر اسلام و بخاطر وحدت اعراب مدتی وحدت اعراب، عراق را آرام بگذاریم.

پارت دمکرات کردستان

بارزانی در مورد پارت دمکرات کردستان گفت:

«پارت دمکرات کردستان که تشکیلات آن در عراق است مربوط به کردهای بارزانی است و فرماندهی آن در عراق میباشد و در مناطقی از مرز عراق و ایران به فعالیت می پردازد و شعبههایی هم در اروپا دارد و اما حزب دمکرات کردستان که در مهاباد فعالیت می کند مربوط به ایران است. ما با آنها و همه کردها روابط دوستانه داریم و مسئول اقدامات حزب دمکرات کردستان ایران نیستیم».

ادیس بارزانی در پایان این گفتگو به خبرنگار ما گفت:

ما دوستانی در امریکا داریم که اطلاع دقیق دارند مرگ زودرس ملامصطفی بارزانی در اثر يك توطئه که باهمکاری سیا و ساواک صورت گرفت انجام شد زیرا شاه سابق از نفوذ بارزانی در بین بارزانیهای ایران می ترسید و گفته بود که با از بین بردن او راحت تر می توان گروههای کوچک را کنترل کرد. (اطلاعات ۱۳۵۸/۷/۲۶)

روای بارزانی کردستان بزرگ

ملامصطفی: آرزوی من ایجاد يك کردستان بزرگ زیر پرچم ایران است. نام او با تاریخ معاصر کردستان عجین شده است. میگویند در کودکی، يك بار هنگامیکه در کوهستان اسب سواری می کرد، مردانی از قبیله مخالف بسویش تیر انداختند تا پدرش را که او را بیشتر از جانش دوست میداشت سوگواری کنند. او بیست ساعت بر اسب تاخته بود گاه در زیر شکم او پنهان شده بود و گاه بر شانه اسب ایستاده بود مردان مخالف، هزاران تیر شلیک کرده بودند، اما هیچ کدام به او اصابت نکرده بود. بدین گونه ملا مصطفی از کودکی با اسب و گلوله پیوندی عاشقانه برقرار کرد، اما دست تقدیر چنین خواست که بر خلاف آرزویش به جای آنکه پشت سنگر بمیرد، در طبقه سی و سوم بیمارستانی مدرن در ینگه دنیا و روی دستهای يك پرستار زیبای آمریکایی جان

دهد. مردی را که گلوله مقهور نکرده بود، سرطان از پا انداخت. ملا مصطفی در همه حرکت‌های انقلابی خلق کرد در سال‌های اخیر حضور داشت. یکبار در کردستان ایران به وزارت رسید و در عراق، همیشه رهبر کردها بود و در اوج جنگ‌های کردها و دولت مرکزی عراق «جهانگیر بلوچ» با او دیداری داشت در پناهگاهش در در کوهستان‌های شمال عراق و حاصل این دیدار، مصاحبه‌ای بود که به سبب سانسور شدید آن روزها چاپ نشد و امروز پس از مرگ بارزانی و با توجه به حرکت کردهای ایران، بدست چاپ سپرده می‌شود و ما اسم این کار را می‌گذاریم بازی تقدیر نه کم و بیش.

به او گفتم اولین بار با نام شما به هنگام معرفی کابینه خودمختاری قاضی محمد آشنا شدم که شما را به وزارت جنگ انتخاب کرده بود. بعد از آن نام شما را که در همه جا، عنوان رهبری ملی و مذهبی کرد را تداعی می‌کردید همچنان دنبال کردم تا آنجا که به هنگام شکست انقلاب، خیلی راحت و آسان، سه قدرت نظامی ایران و عراق ترکیه را به بازی گرفتید و بیش از دوهزار کیلومتر راه پرفراز و نشیب و خطرناک را از بین این سه قدرت نظامی پیمودید تا خود را به آنطرف ارس برسانید. سال‌ها در کردستان به سر بردید و در همان جا بود که عنوان افتخاری «زرنالی» را از رهبران شوروی دریافت کردید، سپس با کمک همان‌ها بود که به عراق مراجعت کردید و با حمایت و پشتیبانی شوروی‌ها و کمونیست‌های عراقی، قرارداد دوجانبه خودمختاری کردستان را در محدوده «وطن عراق» با عبدالکریم قاسم امضاء کردید و برای اولین بار، این آزادی دیرین کردهای بارزانی و عراقی، برای رسیدن به خودمختاری را عملی ساختید. اما یکی دو سال بعد، باز هم سر به عصیان برداشتید و انقلاب دیگری را علیه قاسم آغاز کردید و این جنگ را همچنان تاکنون حتی با جان‌شینیان او هم ادامه داده‌اید، درحالی‌که این جنگ به‌مراه تغییر تاکتیک‌های نظامی، مواضع سیاسی حزب دمکرات کردستان را تغییر داده است. بگونه‌ای که شوروی دوست و حامی آنروزی شما دشمن امروزی بارزانی‌ها و امپریالیزم خون آشام آمریکا، دشمن دیروز، به سیمای دوست امروز درآمده است، چرا؟!

ملا مصطفی بارزانی گفت: «اتفاقاً این پرسش همان سوالی است که این روزها، گاهی خودم هم با آن روبرو می‌شوم. جناح چپ حزب، مرا در اینمورد، سؤال پیچ میکند، اما بر خلاف آنچه که تصور می‌کنند، این مواضع سیاسی من نیست که تغییر کرده است» بلکه این سیاست‌های دیگران است که جابجا شده، در نتیجه ما را مجبور ساخته که ظاهراً تاکتیک‌ها (نه اندیشه‌ها) را تغییر دهیم.

• چگونه؟

• من و همه کردها بدنیاال یک برنامه حداقل، یعنی خودمختاری در کوتاه مدت هستیم، حالا هر دولتی، هر حکومتی، هر گروهی یا هر فردی از این آرمان کهن ما حمایت کند، "دوست" ما خواهد بود و آنکس که مخالفت کند، سرش را همچون مارهای این کوهستان، به سنگ خواهیم کوفت.

• از انقلاب شما و از خواست‌های خودمختاری شما، قبل از هر کس، شوروی‌ها و کمونیست‌های عراقی حمایت کردند، ولی شما با آنها در افتادید!!

• تا دیروز، یعنی تا نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب مردم عراق علیه ملک فیصل و نوری السعید، شوروی بزرگترین حامی ما بود هیچگاه ما ارزش‌های این حمایت را مخصوصاً در زمانی که بصورت تبعیدی به شوروی پناهنده شده بودیم، فراموش نمی‌کنیم. اما متأسفانه چندی است که شوروی‌ها بغداد را

بیش از ما حمایت می کنند و به همین دلیل هم بغدادی‌ها قراردادهای خودشان را زیرپا گذاشته اند، و از همین جا اختلافات ما پدید آمد و کم کم کار را به جنگ دوباره کشانید.

• چه دلیلی برای این کار دارند؟

• بغداد به بهانه‌های مختلف، به بهانه افزایش قدرت دولت مرکزی و به بهانه‌های دیگر، تلاش میکند خودمختاری ما را محدودتر سازد، درحالی‌که این خودمختاری هم اکنون برای ما وجود دارد. ما در تمام منطقه، حتی تا پشت دروازه‌های «کرکوک» و «موصل» حکم میرانیم. بنابراین باید «بغداد» این قدرت ما را دقیقاً ارزیابی کند. این را هم اضافه کنم که ما نمی‌خواهیم در خارج از مناطق کرد و به آنطرف شهرهای کرد نشین تجاوز کنیم. اما می‌خواهیم که در شهرهای کردنشین از جمله «موصل»، سهم خود را داشته باشیم. این سهم در حکومت و در تقسیم درآمدهای نفتی باید محترم شمرده شود درحالی‌که بغداد بهیچوجه حاضر نیست که این مسائل را در نظر بگیرد. کردستان برای احیای خود و تامین زندگی کردها به درآمدهای خود نیاز فراوان دارد. موصل شهری است که حداقل نیمی از جمعیت آن را کردها تشکیل می‌دهند و در صنایع نفت آن نیز بیش از ۷۰ درصد، کارگران کرد فعالیت دارند. درحالی‌که حاصل همه این زحمات به جیب بغداد می‌رود.

• و حرف مسکو؟

• و حرف مسکو این است که باید از تضعیف دولت انقلابی بغداد خود داری شود. آنها ما را تحت فشار گذاشته اند تا با بغداد سازش کنیم. در سازش حرفی نیست. ما هم بدنبال همزیستی مسالمت آمیز هستیم، اما به شرط آنکه به حقوق خودمختاری، به حقوق مردم کرد تجاوز نشود کردها هزاران کشته (در همه سرزمین‌های خود) در ایران، عراق و ترکیه داده اند تا دستکم در این کوهستان به قسمتی از اهداف خود رسیده اند. حالا چگونه می‌توانیم این «حق مشروع» کردها را باز هم محدودتر سازیم. «همزیستی مسالمت آمیز» بعقیده ما عبارت از آن نوع همزیستی خواهد بود که همه رابطه‌ها بر معیار برابری و مساوات باشد و حق طرف‌های درگیر کاملاً رعایت شود، نه آنکه بغداد هنوز هم بدنبال سیاست‌های ارتجاعی «نوری السعید» برود.

• وقتی که شوروی با سیاست‌های ضد استعماری و ضد ارتجاعی خود، کشوری که حتی در داخل مرزهایش، مسئله ملیت‌ها را خیلی آسان حل کرده است، ظاهراً نتواند به خواسته‌های شما پاسخ مثبت بدهد، چگونه شما به امپریالیزم آمریکا اطمینان پیدا میکنید؟

• آمریکا، در شرایط کنونی، قسمتی از کمبودهای ما را جبران می‌کند. گاهی اسلحه و پول در اختیار ما می‌گذارد. در آمریکا به ما فرصت می‌دهند تا مسائل کرد را دقیقاً در معرض افکار عمومی سراسر جهان بگذاریم، در مراجع بین‌المللی سیاستی متمایل را در پیش گرفته‌اند و اگر ما دست همکاری و یاری را کنار بزنیم چه دست دیگری به حمایت ما بر می‌خیزد؟ از سوی ما این همکاری را تا زمانی می‌پذیریم که از خواسته‌های ما حمایت کنند ولی آن روزی که سیاست دیگری انتخاب کنند، طبیعی است که بازهم «امپریالیزم» خواهد بود «ژاندارم» بین‌المللی.

• شما تصور می‌کنید که حمایت آمریکا، این "ژاندارم بین‌المللی"، به آرمانهای آزادیخواهانه و مترقی کردها لطمه بزند؟

• ممکن است آمریکا گاهی سوء تفاهماتی را پدید آورد و یا نهضت‌های استقلال طلبانه و انقلاب‌های ضد استعماری و ضد امپریالیستی را نسبت به انقلاب ما بدبین سازد، اما چاره دیگری نداریم. چون در شرایط فعلی یکی از منابع تأمین نیازهای مالی و تسلیحاتی ما آمریکا است.

• شاه ایران چگونه کناره‌ای خواهد بود؟
• ما با ایران کناره‌ای می‌آوریم ایران «وطن تاریخی» ماست همه علائق ما، زبان ما، همه و همه با «ملت ایران» پیوند خورده است. ما جزئی از ایران هستیم. کردستان قسمتی از ایران بوده و خواهد بود. پس ما به وطن خودمان نیاز داریم و از هموطنان خودمان هم توقع داریم که در این جنگ‌های ملی، ما را یاری دهند اگر ایران به کمک ما برنخیزد، طبیعی است که کارمان خیلی مشکل خواهد شد.

• ایران یا شاه ایران؟
• فعلاً در ایران، شاه حکومت می‌کند. این شاه نیست که به ما کمک می‌دهد، بلکه ملت ایران، خلق‌های ایران، هم‌نژادان ما، بستگان، دوستان، یاران و هم‌زمان ما در خاک ایران هستند که به ما کمک می‌دهند، بنا بر این شاه هم راهی ندارد جزء آنکه به خواسته‌های اکراد ایرانی، تحقق بخشد. از طرفی این را هم در نظر بگیرید که شاه، شاید راضی به این کمک‌ها نباشد اما این بیم و هراس هم برای او وجود دارد که هر لحظه ممکن است هم‌زمان ما در خاک ایران، برای او مشکلات بزرگی پدید آورند. بهمین دلیل است که سعی دارد به ما کمک کند تا از بروز حوادث مشابه در ایران جلوگیری شود. شاه در واقع به خلق کرد رشوه می‌دهد. رشوه‌ای مشروع، برای اینکه نبرد به اینسوی مرز گسترش پیدا نکند.

• و شما؟
• و ما هم به دلیل مشابه دیگری، به دلیل اینکه به کمک‌های مالی و تسلیحاتی ایران نیاز داریم، بدلیل اینکه گاهی ناچار هستیم زخمی‌های خودمان را بوسیله برادرانمان در خاک ایران معالجه کنیم، بدلیل اینکه گاهی «پیشمرگان» ما ناچار هستند در جنگ و گریزها از خاک ایران استفاده کنند، کمک‌های او را بپذیریم، زیرا هم به این کمک‌های مالی و تسلیحاتی ایران فوق العاده نیاز داریم و هم اینکه نمی‌توانیم یا شرایط فعلی در چند جبهه بچنگیم.

• ... و آخرین سؤال اینکه «خودمختاری» شما در داخل محدوده کردستان عراق محدود خواهد شد، یا اینکه به سرایت منطبق کرد نشین هم سرایت خواهد کرد؟

• این، خیلی طبیعی است که ما خود مختاری را برای همه مردم کردستان طلب می‌کنیم کردستان یک سرزمین است که از شمال سوریه، جنوب شرقی ترکیه، غرب ایران و شمال عراق، امتداد دارد. این سرزمین باید یکی شود، ولی با ایران پیوند داشته باشد، چون ما ایرانی هستیم، و هرگز نمی‌خواهیم دولت مستقلی جدا از ایران تشکیل دهیم. (اطلاعات ۱۳۵۸/۸/۲۵)

درگیری‌های خونین در کردستان عراق، رییس حزب بعث شهر «سید صادق» کشته شد.

کرمانشاه - مناطق کردنشین و مرزی عراق دستخوش ناامنی و درگیری است. به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از گزارش‌هایی که از مناطق مرزی رسیده است در دو هفته گذشته شهرهای حلبچه و سلیمانیه عراق دستخوش ناامنی و اغتشاش بوده است. همین گزارش‌ها حاکیست که در روز

چهارم دیماه پیشمرگان کرد عراق با توپ و سلاحهای دیگر به پادگان «غب» واقع در دو کیلومتری حلبچه حمله کردند و بعد از نیم ساعت پنج فروند هلیکوپتر عراقی وارد پادگان مذکور شد و کشته شدگان و مجروحان را به سایر نقاط این کشور انتقال داد. یکدسته دیگر از پیشمرگان کرد عراق در روز ۲۷ آذرماه در مسجد جامع حلبچه به پخش اعلامیه پرداختند و از مردم حلبچه به خاطر تظاهرات و اعتصابهای ضد رژیم بعث عراق تشکر کردند. حمله به قرارگاه سازمان حزب بعث در شهر سید صادق استان سلیمانیه از جمله رویدادهای دیگری است که در جریان آن رییس سازمان حزب بعث محل و همراهانش کشته شدند. آخرین گزارش حاکیست که در روز ۸ دیماه به قرارگاه پلیس واقع در پولی ظالم بین سید صادق و حلبچه حمله شد و در این حمله چهار نفر از نگهبانان پاسگاه مذکور کشته شدند. (اطلاعات ۱۶/۱۰/۱۳۵۸)

پیشمرگهای متحد کردستان عراق دویست نظامی عراقی را از پای در آوردند.

ارومیه - خبر گزارى پارس : جمال حاجى سخنگوي حزب سوسياليست متحد كردستان عراق گزارشي از فعاليتهاي نظامي خود طي يك ماه گذشته در داخل عراق كه در اختيار خبر گزارى پارس قرار داد وي گفت: در هجوم پیشمرگان متحد كردستان به مزدوران عراقی، چهار نفر از رهبران مزدوران رژیم بعث بنامهای کاله بیچاوشین و عمر مصطفی و صمد کچل و انور بیگ بیت و اتا ۱۸ نفر از مزدوران کشته شدند و مقدار زیادی اسلحه کلاشینکف ساخت شوروی بدست پیشمرگها افتاد.

در بیست و دوم همین ماه نیز پیش مرگها از دشت «کویه» با پرتاب نارنجک و سلاحهای سبک به یکی از رهبران رژیم بعث عراق به نام قاسم آقا حمله و ۱۳ نفر از مزدوران او را کشته و ۱۲ قبضه تفنگ بر نو و کلاشینکف و تعدادی فشنگ و نارنجک به غنیمت گرفتند. در ۲۴ همان ماه در منطقه سقین و سوماقلی - گیرنگ، ارتش عراق به پیشمرگان حزب سوسیالیست متحد کردستان عراق حمله کردند و پیشمرگها بشدت به این حمله پاسخ داده و پس از ۶ ساعت در گیری، يك فروند هلیکوپتر عراق در میدان درگیری سقوط کرد و بنا به اظهار سخنگوي حزب، در این درگیری بیش از ۲۰۰ سرباز عراقی کشته شدند که اجساد ۱۰۰ نفر آنان بدست پیش مرگان افتاد و بر اساس شرع اسلام به خاک سپرده شدند.

در این جنگ، ۱۰۷ قبضه کلاشینکف و شش قبضه اسلحه کمري و ۴ فروند توپ و تعداد زیادی فشنگ و ۵ فروند اسلحه سنگین بدست پیشمرگان افتاد.

وي گفت: «در این جنگ دو نفر از اعضای برجسته پیشمرگها به نامهای «سید سلیم» و شینه بوله شهید شدند و ۹ نفر از پیشمرگها نیز زخمی گردیدند».

سخنگوی حزب سوسیالیست متحد کردستان عراق افزود: «در طول چند ماه گذشته، ۷۲ مورد عملیات نظامی به وسیله پیشمرگها در داخل خاک عراق انجام شده‌اند که این عملیات غیر از عملیاتی است که در داخل شهرهای عراق صورت می‌گیرد». وی گفت: در آخرین حمله، پیشمرگهای حزب سوسیالیست در داخل استان سلیمانیه پیشمرگها با آر-پی-جی-هفت و نارنجک انداز، باشگاه افسران سلیمانیه را مورد حمله قرار دادند که در این حمله، ۱۶ افسر و چند درجه دار و سرباز کشته شدند». (جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۱۰/۲۳)

تکذیب خبر

حزب پارت دمکرات کردستان عراق که قبلاً «قیاده موقت» نامیده می‌شد، طی اطلاعیه‌ای، دخالت افراد این حزب در درگیری‌های کامیاران و غرب کشور را تکذیب کرد. در این اطلاعیه آمده است گزارشی از قول سخنگوی دمکرات‌های سنندج درج گردید که گویا افرادی از قیاده موقت، در درگیری‌های کامیاران شرکت داشتند و تعدادی از آنها کشته شده و یا به اسارت درآمده‌اند. حزب دمکرات کردستان عراق که سابقاً قیاد موقت نامیده می‌شد، محتوای این گزارش را به شدت تکذیب و اعلام می‌دارند به هیچ‌وجه من‌الوجه، در هیچ یک از درگیری‌های غرب کشور، دخالت نداشته و ندارد و به آگاهی ملت مسلمان ایران می‌رساند که حتی یک نفر از ما در حزب مذکور، در کامیاران موجود نبوده و نیست و ضمن تکذیب خبر، از اولیای امور مالی تقاضا داریم که در این باره، تحقیق کافی بفرمائید تا صدق قول ما بر همگان روشن گردد.

پارت مسلمان کردستان عراق (اطلاعات ۱۳۵۸/۱۱/۱۷)

پارت دمکرات کردستان عراق، اخبار برخی روزنامه‌ها را تکذیب کرد.

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی خبری آورد تحقیق کنید مبدا از نادانی و به گروهی آسیب برساند و از کرده خود پشیمان گردید. قرآن مجید آیت ششم سوره حجرات.)

در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۴ روزنامه‌های وزین اطلاعات و بامداد گزارشی از به اصطلاح دمکرات‌های سنندج درج گردید که گویا افرادی از قیاده موقت در درگیری‌های کامیاران شرکت جستند و تعدادی از آنها کشته شده یا به اسارت درآمده‌اند.

حزب دمکرات عراق که سابقاً قیاده موقت نامیده می‌شد محتوای این گزارش به شدت تکذیب و اعلام می‌نماید به هیچ‌وجه

من الوجوه در هیچ يك از درگيري هاي غرب کشور دخالت نداشته و ندارد و به آگاهی ملت مسلمان ایران می‌رساند که حتی يك نفر از اعضای پارت دموکرات در جریانات کردستان دخالت ننموده است. ضمن تکذب خیر، از اولیای امور تقاضا داریم که در این باره تحقیق کافی بفرمایند تا صدق قول ما به هر گمان روشن گردد. والسلام علي من اتبع الهدی- چهارشنبه ۱۷/۱۱/۵۸ پارت دمکرات کردستان عراق ۱۶/۱۱/۵۸ (جمهوری اسلامی ۱۹/۱۱/۱۳۵۸)

حزب دمکرات کردستان عراق از انقلاب اسلامی پشتیبانی کرد. ارومیه - خبرگزاری پارس: به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از سخنگوی حزب دمکرات کردستان، "عراق مسعود" بارزانی رئیس حزب دمکرات کردستان عراق روز پنج شنبه با مخابره تلگرامهائی به حضور امام امت بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران و ابوالحسن بنی صدر ریاست جمهوری، پشتیبانی حزب دمکرات کردستان عراق را در شرایط حساس کنونی از جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار داد متن تلگرام که به حضور امام خمینی مخابره شده به این شرح است:

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی پیرومند ایران و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران! بنام دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان عراق و رهبری انقلاب ۲۶ می ۱۹۷۶ کردستان عراق و به نام خودم، پشتیبانی همه جانبه و کامل خود را در شرایط حساس و خطیر کنونی که انقلاب شکوهمند و پیروز ایران به رهبری حضرت عالی، آن راطی می‌کند از آن حضرت اعلام میدارم. در این موقع که امپریالیسم امریکا و و نوکرانش در جهان عموماً در خاورمیانه خصوصاً و در رأس آنها رژیم بعث عراق می‌خواهند در مقابل اهداف عالی و انسانی انقلاب مقدس ایران بایستند که می‌دانند با اجرای آنها نه تنها منافع نامشروع خود را از دست می‌دهند بلکه آخرین روزهای حکمرانی شان هم نزدیک می‌شود، بخاطر همین است که حمله شدید امپریالیسم امریکا با قطع رابطه دیپلماسی با جمهوری اسلامی ایران و محاصره اقتصادی ایران و حملات وحشیانه رژیم بعث عراق بر علیه برادران مسلمان و شیعه مان در عراق و دستگیری حضرت آیت الله محمدباقر صدر و تبعید خود و خانواده اش بجای نامعلوم و اخراج و راندن بیش از ۱۵ هزار نفر از مسلمانان ایرانی از عراق و حملات نظامی به مناطق نفتخیز کرمانشاه بخصوص نفت شهر و خرابکاری در منابع نفتی وتوطئه‌هایش در پناه دادن به عمال و نوکران شاه خائن و ساواک برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران بهترین دلیل و گواه بر رسوائی امریکا و عمالش است، مخصوصاً رژیم فاشیست عراق که در مقابل اعمالی که نسبت به مسلمانان جنوب و مرکز عراق در سال ۱۹۷۴ و نسبت به کردها که از همکاری با جمهوری اسلامی ایران با تمام نیرو توانائی مان، پاسداری از انقلاب مقدس ایران و دوستانش در مقابل توطئه‌های امپریالیسم و نوکرانش و در رأس همه آنها رژیم سفاک و خونریز عراق از هیچ کوششی دریغ نوزیم. ما برای خنثی کردن توطئه‌های دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران، آماده هرگونه مساعدت و همکاری با

شما هستیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته مسعود بارزانی(جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۱۱/۲۵)
تلگرام جلال طالبانی برای بنی صدر

این تلگرام از طرف جلال طالبانی دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق برای آقای بنی صدر مخابره شد.

برادر دکتر سید ابوالحسن بنی صدر رییس جمهوری ایران پس از اسلام و دروذهای انقلابی انتخاب شما را به عنوان نخستین رییس جمهور اسلامی ایران تبریک می گویم و امیدوارم همه مشکلات ایران در زمان ریاست جمهوری شما با شیوه های علمی و دموکراتیک حل و فصل شود و انقلاب اسلامی ایران به رهبری قاطع امام خمینی و خط مشی ضد امپریالیستی آن به نمونه ارزنده ای در تاریخ جدید خلق های منطقه تبدیل شود و جمهوری اسلامی ایران به یاری جنبش های رهایی بخش جهان و بویژه منطقه همت گمارد ما بر این اعتقادیم که در عصر ما مرزهای جغرافیایی برای تاثیر و تاثیر خلق های منطقه از اوضاع و مبارزات همدیگر سدی آهنی نیست بقاء و استمرار رژیم دموکراتیک و کشوری با ثبات و مترقی مستلزم آن است که به این رژیم ها کمک کنند در کشورهای دیگر خلق ها سرنوشت خود را به دست گیرند و متحد و متفق استقلال منطقه را از توطئه های امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع وابسته حفظ کنند و پرچم ثبات و پیشرفت کشور و خلق های خود را برافراشته دارند.

ما هم در عراق همراه با نیروهای میهن پرست این کشور اعم از کرد و عرب و دیگر هموطنان برای روی کار آوردن یک حکومت ائتلافی دموکراتیک که بتواند مشکلات این کشور را حل و فصل کند، مبارزه می کنیم.

اعتقاد داریم مبارزه ما با مبارزه خلق های دیگر منطقه و از جمله ایران گره خورده و از همین روست که در پیروزی انقلاب ایران و نیز حل مشکلات آن به سهم خود شریک می باشیم.

یک بار دیگر پیروزی شما و پایداری خلق قهرمان ایران را در مقابله با امپریالیسم جهانی را با سرکردگی امپریالیسم آمریکا خواستاریم.

برادرستان جلال طالبانی دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان.(جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۱۱/۲۷)

در چند ماه اخیر طی ۵۰ عملیات نظامی، حزب دمکرات کردستان عراق ۶ افسر و ۴۷۸ سرباز عراقی را از پای در آوردند.

ارومیه - خبرگزاری پارس: سخنگوی حزب دمکرات کردستان عراق اعلام کرد در چند ماه اخیر پیشمرگان این حزب در استان‌های دهوک، اربیل و سلیمانیه و فرمانداری خانقین بیش از ۵۰ عملیات نظامی انجام داده‌اند بنا به اظهار این سخنگو در این عملیات، ۴۸۷ سرباز و ۶ افسر عراقی و ۴ نفر جاسوس رژیم بعث اعدام و ۶ وسیله نقلیه عراق نابود شده است در این درگیریها در استان دهوک در مناطق زاخو و عمادیه که در مرزهای ترکیه و سوریه قرار دارند، ۷۱ سرباز کشته و ۸۲ نفر زخمی شدند.

در استان اربیل درگیریها بیشتر در مناطق چمران میرگه‌ور، شکل‌آباد و مرکز شهرستان اربیل بوده است که طی آن ۵۳ سرباز عراق کشته و ۷۲ نفر زخمی شدند در همین درگیری ۱ افسر عراقی به نام یاسین نیز کشته شد.

در استان سلیمانیه نیز تعداد تلفات رژیم بعث در درگیری با پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق ۸۷ نفر کشته و ۹۳ زخمی است.

در درگیری‌های استان سلیمانیه بیشتر در مناطق حلبچه و خورمال و طویله پیاده و سید صادق بوده است در منطقه سید صادق پیشمرگان به مقر سازمان بعث حمله کرده و یک سرگرد عراقی به نام رعد را به قتل رساندند در فرمانداری خانقین نیز تلفات رژیم بعث، ۹ کشته و ۱۱ نفر زخمی بوده است سخنگوی حزب دمکرات کردستان عراق افزود که در چند روز اخیر نیز درگیریهای سختی بین نیروهای مسلح بعث عراق و پیشمرگان حزب در مناطق دیاله، رواندوز، بادینان و حاودیان و چند روستای دیگر عراق روی داده که در این درگیریها ۲۲ نفر از سربازان رژیم بعث کشته و چندین قبضه اسلحه مسلسل و اسلحه کمربندی به دست پیشمرگان افتاده و ۴ نفر از عوامل رژیم بعث عراق نیز دستگیر شدند. (جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۱۲/۸)

نبرد کردها با رژیم بعثی عراق

بیانیه دفتر نظامی اتحادیه میهنی کردستان عراق

دفتر نظامی اتحادیه میهنی کردستان عراق طی بیانیه‌ای که نسخه‌ای از آن در اختیار خبرگزاری پارس گذاشته شده اعلام کرد که در فاصله بین چهارم تا هفتم فروردین ماه همزمان با اعتصاب و تظاهرات مردم شهرهای کردستان عراق علیه رژیم فاشیستی این کشور بیش از صد نفر از نیروهای دولت فاشیستی حاکم بر عراق در درگیری با پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق کشته شده‌اند.

این درگیریها در روستای قزله از توابع سورداش سلیمانیه منطقه چوارتا و قره‌داغ کلاله در منطقه چومان به وقوع پیوسته که در یکی از آنها یاسین یاخیانی فرمانده نیروهای دولتی و حمله صوله فرمانده مزدوران محلی که با رژیم بعث حاکم بر عراق همکاری می‌کنند کشته شده‌اند.

بیانیه دفتر نظامی اتحادیه میهنی کردستان عراق حاکی است که يك گروه پنجاه نفری از رزمندگان اتحادیه میهنی روز هفتم فروردین يك واحد رژیم فاشیستی بعث عراق را در منطقه چومان زیر رگبار شدید سلاح‌های سبک و سنگین قرار داده که طی آن نزدیک به پنجاه نفر از نیروهای دولتی کشته شده و ۲۵ قبضه اسلحه به دست نیروهای میهنی افتاد. در این درگیری هواپیماهای ارتش عراق نیز پیشمرگان را که در چومان با قوای دولتی درگیر بودند بمباران کردند که بر اثر آن چند تن از پیشمرگان زخمی شدند.

دفتر نظامی اتحادیه میهنی کردستان عراق در بیانیه خود گفته است مبارزات نیروهای اتحادیه میهنی در سراسر کردستان عراق علیه نیروهای رژیم فاشیستی حاکم در عراق ادامه دارد و توده‌های عراق هر روز گامی تازه برای سرنگونی رژیم تک‌ریتیها بر می‌دارند. (کیهان ۱۳۵۹/۱/۱۸)

حمله به کردهای عراق

ارومیه - سخنگوی حزب دمکرات کردستان عراق، در ارومیه اعلام کرد بعثی‌های نژادپرست، حملات ناجوانمردانه خود را علیه ملت عراق، شدت بخشیده و علاوه بر ویران ساختن صدها روستای کردستان عراق و آتش زدن و تخریب مزارع، اقدام به اخراج دانش آموزان، دانشجویان و جوانان کرد کرده است. (اطلاعات ۱۳۵۹/۱/۲۳)

جنگ‌های سه روزه پیشمرگان

ارومیه - سخنگوی حزب دمکرات کردستان عراق، دیروز در گزارشی به خبرگزاری پارس در ارومیه اعلام کرد که طی جنگ‌های سه روزه اخیر پیشمرگان این حزب با نیروهای بعث، عراق ۱۹۰ نفر از افراد بعث کشته و یا زخمی شده‌اند. در این گزارش گفته شده است: «جنگ در «چومان» و «در بند» عراق هم اکنون نیز بشدت ادامه دارد و اضافه شده است: «در نوزدهم فروردین ماه جاری، پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق در منطقه «بالک» از توابع «اردبیل» ستاد يك هنگ را در هم کوبیدند و در واحدهای دیگری از پیشمرگان وارد شهر «چومان» شده و ضمن دادن شعار، بطرف باشگاه رفته و این باشگاه را زیر رگبار مسلسل قرار داده‌اند.

در این حمله، چند خودروی ارتشی طعمه حریق شد و خسارات زیادی به ساختمان وارد آمد. ضمناً در این جنگ که بمدت دو ساعت بطول انجامید، یکی از کادرهای حزب دمکرات کردستان عراق، زخمی شد و سایر نیروهای پیشمرگ، به پایگاه‌های خود بازگشتند». در این گزارش همچنین گفته شده است: در شانزدهم فروردین ماه جاری نیز پیشمرگان حزب، به ستاد و مرکز یکی از هنگ‌های ارتش عراق مستقر در «ریکان» واقع در شهرستان «عمادیه» در استان «دهوک» حمله کرده و مواضع هنگ را در هم کوبیدند. (اطلاعات ۱۳۵۹/۱/۲۵)

تلگرام طالبانی به والدهایم:

رژیم بعث هزاران کرد شیعه را آواره کرده است.

«جلال طالبانی» دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق طی تلگرامی به عنوان «کورت والدهایم» دبیر کل سازمان ملل متحد، خواستار رسیدگی دبیر کل سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر این سازمان به جنایت رژیم بعث عراق علیه خلق کرد در این کشور شد.

متن تلگرام به شرح زیر است:

«آقای کورت والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد - نیویورک - اتحادیه میهنی کردستان عراق لازم می‌داند از آنچه دولت عراق پیوسته با سیاست فاشیستی خود برای نابودی خلق کرد در این کشور انجام می‌دهد، آن مقام را آگاه کند.

رژیم فاشیستی عراق در چند روز اخیر همزمان با اخراج ایرانیان مقیم این کشور، هزاران کرد عراقی را به این علت که پیرو مذهب تشیع بوده‌اند، پس از ضبط املاک و اموالشان، از این کشور اخراج و آواره کرده است.

این عمل وحشیانه رژیم حاکم بر عراق، زیر پا گذاشتن قانون اساسی این کشور و منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد است. ما از دبیر کل سازمان ملل متحد می‌خواهیم در این مساله دخالت کرده و دولت عراق را از ادامه جنایاتش علیه خلقهای عراق باز دارد. اتحادیه میهنی از سازمان ملل متحد تقاضا دارد کمیسیون جهانی حقوق بشر، اقداماتی لازم برای محکومیت دولت عراق بعمل آورد و مانع آن شود که دولت فاشیستی حاکم در عراق، خلق صلح طلب کرد را نابود کند.

با احترام و درود فراوان دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق - جلال طالبانی، ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ (اطلاعات ۱۳۵۹/۱/۳۱)

نامه حزب سوسیالیست متحد کردستان عراق به امام خمینی
دفتر سیاسی حزب سوسیالیست متحد کردستان عراق، در نامه ای برای امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، از شهادت مجاهد بزرگ، آیت‌الله سید محمد باقر صدر، بدست جلادان رژیم فاشیست بغداد ابراز تاسف کرد. متن نامه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت امام، آیت‌الله روح الله الموسوي الخميني.

با نهایت اندوه، ملت کرد و رزمندگان پیشمرگ و اعضای حزب ما خبر شهادت مجاهد بزرگ، آیت‌الله سید محمد باقر صدر بدست جلادان رژیم فاشیست بغداد را دریافت کرد. این جنایت ننگین، احساسات جهان اسلام را بلرزه درآورد و یکبار دیگر از طبیعت خون آشام حکام بغداد و کینه توزی آنها نسبت به شهروندان وطن پرست و مردان مجاهد دین اسلام پرده برداشت. ما با شما عهد می‌بندیم که شهادت این فقیه گرانمایه را انگیزه تازه‌ای در جهت تشدید پیکار بخاطر سرنگونی رژیم ظلم و استبداد در بغداد تلقی میکنیم تا باین ترتیب، رژیمی مردمی و مومن به آزادی ملت، جایگزین آن رژیم استبدادی شود و خواسته‌های ملی و عادلانه مردم کرد را جامه تحقق بپوشاند. در این راه، ملت عراق در جبهه ای مواجه با صهیونیسم به پیکار برخاوه‌دخواست تا سرزمین فلسطین را نجات داده و در کار دفاع از ملل ستمدیده و اقدام علیه جباران و اربابان آمریکائی امپریالیستیشان، یار و یاور ما باشد. ما این مناسبت دردناک را مغتنم شمرده، ضمن ارسال درود به بازماندگان آن فقیه و برادران مسلمان شیعه خود در کشور عزیز عراق، اعلام میداریم که تفنگهای خود را به طرف گروه‌های ستمگر و آدم کش قاتلان سید بزرگ سید محمد باقر صدر و جلادان عرب و کرد رژیم عراق تا پیروزی کامل نشانه خواهیم رفت. حزب سوسیالیست متحد کردستان عراق - دفتر سیاسی (اطلاعات ۱۳۵۹/۲/۸)

جلال طالبانی: همواره از انقلاب اسلامی ایران، حمایت می‌کنیم.

به دنبال ارسال پیام‌های جلال طالبانی، دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق بحضور امام خمینی و رئیس جمهوری و انتشار این پیامها، عصر دیروز،

خبرنگار خبرگزاری پارس با جلال طالبانی که در تهران به سر میبرد، در مورد موضع اتحادیه وطنی کردستان عراق و همچنین دیدگاه‌های وی در باره انقلاب اسلامی، ایران گفتگویی انجام داد. طالبانی گفت: «موضع ما در قبال جمهوری اسلامی ایران و دولت، در پیام‌های جداگانه ای که به حضور امام خمینی و برادر مجاهد ابوالحسن بنی صدر، نخستین رئیس جمهوری ایران تسلیم شد، تشریح شده است ولی یادآور می‌شوم همانگونه که در آن دو پیام، بنام آزادیخواهان عراق، موضع خود را روشن کردیم و گفتیم، همواره از انقلاب اسلامی ایران حمایت کرده و پشتیبانی خود را از مبارزه عادلانه ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم بین المللی اعلام کرده و یادآور شده‌ایم که با تمام نیرو در این مبارزه، در کنار برادران مسلمان ایرانی خود و تمامی نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی ایران خواهیم بود». وی ضمن تکذیب خبری مبنی بر شرکت ۱۶۰۰ نفر از نیروهای وفادار به ایشان در وقایع غرب ایران گفت: «این دروغ بزرگی است زیرا همانطور که گفتم ما با تمام نیرو از انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی می‌کنیم و به هیچوجه در امور داخلی ایران دخالت نخواهیم کرد و نیروهای ما همه جا سرگرم نبرد با دولت خونخوار وابسته بعث عراق و امپریالیسم و صهیونیسم است و برای روشن شدن موضوع پیشنهاد می‌کنیم که یک کمیته بررسی تشکیل شود تا این موضوع را مورد بررسی قرار دهد تا روشن شود چه دست‌هایی در کار است که نمی‌خواهد میان نیروهای انقلابی عراق و جمهوری اسلامی ایران تفاهم و دوستی برقرار شود». وی در پایان گفت: «انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، امید بزرگی برای ما و جهان سوم است و ما چشم به روند این انقلاب و پیروزی‌های آن، دوخته ایم». (اطلاعات ۱۲/۲/۱۳۵۹)

پیام وفاداری جلال طالبانی به امام امت و رئیس جمهوری بر اساس گزارشی که از مقامات موثق و آگاه تهران، در اختیار خبرگزاری پارس گذاشته شد، جلال طالبانی، نسبت به امام امت و رئیس جمهوری کشور اسلامی ایران، ابراز وفاداری کرده است. متن پیام‌ها چنین است:

حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، مشعل افروز انسانی، رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی. با خشم و شگفتی فراوان، خبر تجاوز خصمانه آمریکا را به جمهوری اسلامی ایران دریافت کردیم. بدون شک، امپریالیزم آمریکا، دشمن خون آشامی است برای تمام گروه‌های اسلامی و تمام مظلومین و مستضعفین جهان. توطئه چینی آمریکا بر ضد انقلاب اسلامی، برهبری شما دنباله همان کینه توزی اوست، در سراسر دنیا و از جمله دنباله همان کینه توزی آمریکا بر ضد برادران انقلابی شماست در عراق که بحکم اژدهای جهنمی دست‌نشانده استعمار صهیونیزم بر ضد انقلاب اسلامی انجام می‌گردد، سراپا غرقه در هر گونه جنایتی است که حزب بعث، بر ضد آزادیخواهان عراق انجام می‌دهد و نیز همان دستی که آلوده به خون آیت‌الله سید محمد باقر صدر است که با بدترین انواع شکنجه‌های وحشیانه به شهادت رسید. آزادیخواهان عراق از کرد، عرب و ترکمن که در میان آنها سنی و شیعه است، مجموعاً پیرو انقلاب اسلامی می‌باشند که برای سرکوب کردن استعمار و صهیونیسم، قیام کرده و برای سرنگون کردن حکومت صدام تکریتی خائن دست‌نشانده آمریکا کوشش می‌نمایند، همان حکومتی که در نبرد آشتی ناپذیر با انقلابیون فلسطین و ایران و عراق به پیروی از برنامه استعماری صهیونی و دشمنی با مظلومین، قرار دارد. ما اعلام می‌داریم که تمام نیروهایمان را در اختیار انقلاب اسلامی ایران قرار

میدهیم و با تمام امکانات خود، در صف انقلاب اسلامی برای در هم کوبیدن استعمار میباشیم. خداوند شما را توفیق دهد، در آنچه که بسود انقلاب و مسلمانان و تمام مظلومین است- درود بر شما و برکات خداوند. جلال طالبانی - دبیر کل اتحادیه وطنی کردستان.

پیام به بنی صدر

پیام زیر را برای دکتر بنی صدر، رئیس جمهوری فرستاده است: برادر مجاهد محترم، دکتر سید ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهوری اسلامی ایران. با خشم و شگفتی فراوان، خبر تجاوز ستمکارانه آمریکا را به سرزمینهای شما عزیزان دریافت کردیم. بدون شك، آمریکا دشمن خون آشام ملل شرق و مسلمین و تمام مظلومین جهان است و اینگونه توطئه‌گری‌های آمریکا بر ضد انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی و بر ضد جمهوری اسلامی ایران همان شیوه کینه توزانه ایست که همواره بر ضد تمام انقلابیون سراسر جهان داشته و دارد و از آنجمله، کینه توزی آمریکاست بر ضد این برادران شما در عراق. به پیروی از همین دستورات جنایتکارانه و خیانت‌هاست که صدام تکریتی، ازدهای جهنمی دست نشانده استعمار صهیونیزم، بر ضد انقلاب اسلامی ایران قیام کرد و همچنین بر ضد انقلاب فلسطین و نیز بر ضد تمام اقدامات آزادی خواهانه در سر زمین ماست، بدون تردید، تمام آزادی خواهان عراق، اعم از کرد، عرب و ترکمن که در میان آنان سنی و شیعه و مسلمانان و مسیحی، نیز می‌باشند، همگی طرفدار انقلاب اسلامی می‌باشند و مبارزه ایران را بر ضد استعمار و صهیونیزم و بر ضد حکومت صدام خائن و دست نشانده آمریکا که سرپا غرقه در جنایات و خیانت‌هاست، یآوری می‌دهند. ما با تمام توانائی‌هایمان و با تمام امکاناتمان و با تمام نیروهایمان، در صف انقلاب اسلامی در نبرد با استعمار و صهیونیسم می‌باشیم. خداوند بشما توفیق دهد، تا آنچه خیر انقلاب و مسلمین و مستضعفین است، انجام دهید و نیز شما را در نجات و حمایت و انقلابیون در برابر استعمار و صهیونیزم و این ازدهای جهنمی موفق بدارد. درود بر شما و برکات خداوند برادر شما، جلال طالبانی، دبیر کل اتحادیه وطنی کردستان (اطلاعات ۱۲/۲/۱۳۵۹)

طالبانی: عراق در سه استان ایران پول و اسلحه پخش می کند.

«جلال طالبانی» رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق که برای پاره ای از مذاکرات با مقامات جمهوری اسلامی ایران، اخیراً دو هفته در تهران اقامت داشت در گفتگویی اختصاصی با خبرنگار سیاسی روزنامه اطلاعات، درباره مواضع این اتحادیه در قبال دولت کنونی عراق و نیز درگیری‌های کردستان ایران مطالبی بیان داشت. طالبانی که حاضر نشد درباره مذاکرات خود با مقامات ایرانی صحبت کند، در پاسخ به این سؤال که: در حال حاضر موقع اتحادیه میهنی در برابر دولت فاشیستی بعث عراق چیست؟ گفت: "در اینجا باید این نکته را تصحیح کنم که ما رژیم فاشیستی صدام حسین را بنام رژیم بعث نمی‌شناسیم." «بعث نام يك حزب به عنوان «حزب بعث عربي سوسیالیستی» است که با ما در مبارزه علیه رژیم جنایتکار صدام، دوست و همکار است و در واقع، صدام نام حزب بعث را دزدیده است. او خودش در سال ۱۹۶۶ میلادی از حزب بعث سوسیالیست اخراج شد. بنابراین ما می‌گوئیم صدام و رژیم بعث و رژیم صدام، در نظر ما يك رژیم فاشیستی دشمن با خلق و وابسته به استعمار نو و در ارتباط با امپریالیزم آمریکا است البته از طریق کانال‌های جدا ماتقرباً چهار سال است که در کوه‌های کردستان، برای برانداختن رژیم صدام حسین مبارزه

مسلحانه مي‌کنیم و مسلماً آنرا تا سرنگوني او ادامه خواهيم داد. انقلاب مسلحانه در كردستان عراق، با اينكه از سوي اتحاديه ميهني كردستان شروع و رهبري شد، ولي تنها يك انقلاب كردي نيست، يعني اين فقط انقلاب کردهاي عراق عليه دولت مركزي نيست بلکه يك انقلاب عراقي است، هم از لحاظ آرمانها، هم از لحاظ شعارها و هم از لحاظ رهبري. اين انقلاب، عراقي است، چون اتحاديه ميهني كردستان عراق با شش حزب ديگر كميته هماهنگي و همكاري تشكيل داده كه متفقاً عليه رژيم به شيوه‌هاي مختلف جداگانه مبارزه مي‌کنند. هدف مبارزه، ساقط كردن دولت صدام است و به وجود آوردن ائتلافي دموكراتيك و تحقق يافتن اين شعار «استقلال براي عراق، دموكراتيك براي خلق‌هاي عراق و خود مختاري براي كردستان عراق».

• خبرنگار: در حال حاضر براي ساقط كردن دولت كنوني عراق چه تداركي ديده‌ايد؟

طالباني: اتحاديه ميهني اكنون تلاش مي‌كند كه يك جبهه ملي وسيع، متشكل از شش حزبي كه با ما همكاري دارد و همچنين احزاب مذهبي انقلابي عراق و همه نيروهاي ميهن‌دوست و ضد مپرباليزم و صهيونيسم و فاشيزم بوجود بياورد. انقلاب در كردستان عراق را جزء لاينفك انقلاب سراسري عراق مي‌دانيم و فكر مي‌كنيم كه اين انقلاب در كردستان عراق، در واقع قسمت اول انقلاب سراسري عراق است.

مبارزه پارتيزاني در كردستان عراق، به بسيج توده‌هاي عراق و به وجود آوردن زمينه قيام مسلحانه خلق عراق كمك مي‌كند. البته اتحاديه ميهني كردستان در مبارزه مسلحانه امروز، نيروي عمده را تشكيل مي‌دهد و هزاران پيشمرگه وابسته به اتحاديه در نبردهاي روزانه ميرزمند و مبارزه سياسي و توده‌اي در شهرهاي كردستان عراق تحت رهبري اتحاديه ادامه دارد، مثلاً در نوروز گذشته بنا به دعوت اتحاديه ميهني، در همه شهرهاي كردستان اعتصاب و تظاهرات شد و مردم به جاي جشن گرفتن، به گورستان شهدا رفته و سرودهاي ملي و شعارهاي انقلابي عليه صدام خواندند كه به زد و خورد با پليس انجاميد.

• شش حزبي كه گفتيد با اتحاديه ميهني همكاري مستقيم دارند کدام‌ها هستند؟

۱- حزب بعث سوسياليست عرب، حزبي كه صدام نامش را دزدیده و حال در كردستان عراق پيشمرگه دارد.

۲- حزب سوسياليست كه يك حزب ناصريست (هوادار جمال عبدالناصر ريبس جمهور فقيد مصر) است.

۳- جنبش سويساليستي عرب.

۴- كنگره مليون سوسياليست كه آنهم ناصريست است

۵- ارتش رهايي بخش عراق

۶- حزب كمونيست عراق

اين شش حزب، با اتحاديه ميهني كميته‌اي بوجود آورده‌اند بنام كميته آماده سازي جبهه دموكراتيك درعراق. علاوه بر اين احزاب، ما با نيروهاي مذهبي نيز كه غالباً از ميان برادران شيعه ما هستند، در مبارزه واحد عليه رژيم صدام همكاري داريم.

• مواضع شما در باره درگيري‌هاي كردستان ايران چيست؟

- ما در این باره، سیاستی مبتنی بر اصولی داریم که بر اساس آن رفتار می‌کنیم و موضع می‌گیریم. این اصول عبارتند از: ما برای انقلاب اسلامی ایران، اهمیت بزرگ تاریخی قائل هستیم و فکر می‌کنیم این انقلاب، لطمه خیلی بزرگی برای امپریالیسم و صیونیسم و ارتجاع در منطقه بود. این انقلاب توده‌های خیلی پایین جامعه را به جوش و خروش در آورده است یعنی این انقلاب، واقعاً توده‌ای است که سبب به لرزه در آوردن امپریالیسم، صیونیسم و ارتجاع در خاورمیانه شده و یک جو انقلابی و یک زمینه درست برای انقلاب در همه کشورهای خاورمیانه بوجود آورده است یا حداقل برای بوجود آوردن چنین جوی کمک کرده است، بنا براین باید از این انقلاب پشتیبانی بکنیم و باید بفهمیم امروز تضاد عمده عبارتند از تضاد بین خلقهای خاورمیانه و امپریالیسم و صیونیسم و ارتجاع وابسته به اینها و تضادهای دیگر همه در درجات بعدی هستند.

اصل دوم - ما دخالت خودمان را در امور ایران محکوم می‌کنیم. ما ما خود را قیم نمی‌دانیم و دخالت در امور کشورهای دیگر را یک اصل غیر انقلابی میدانیم، چون هر کشور، خلق خودش را دارد که سازنده تاریخ خودش است و شرایط عینی و ذهنی خاص خودش را دارد، بنا براین، دخالت موجب بروز هرج و مرج میشود حتی اگر باحسن نیت همراه باشد.

اصل سوم: ما فکر می‌کنیم مساله کردهای ایران باید از طریق مذاکرات با دولت جمهوری اسلامی و از طریق سیاسی و مسالمت آمیز حل شود و به این معنا ما جنگ برادر کشی را از طرف هرکس که باشد، محکوم می‌کنیم.

اصل چهارم: ما بقدر توانایی‌مان حاضریم به پیشرفت انقلاب در ایران و رفع مشکلات و حل سیاسی مساله کردستان کمک بکنیم البته به شرط آنکه دولت انقلاب اسلامی، از ما بخواهد و هم کردهای ایران از ما قبول داشته باشند. اینکار را ما پارسال وقتی جنگ کردستان شروع شد کرده‌ایم؛ من آنموقع چند نامه برای حضرت آیت‌الله منتظری و سید حسین خمینی و آقای داریوش فروهر فرستادم و از ایشان تقاضا کردم خدمت امام عرض کنند که یک راه مسالمت آمیز و سیاسی به دولت نشان دهند و بعد هم خودم در آن شرکت کردم تا داریوش فروهر را به شیخ عزالدین حسینی و گروههای دیگر رساندم.

• فکر نمی‌کنید درگیریهای اخیر کردستان ایران به تضعیف دولت مرکزی بیانجامد؟

- در این رابطه باید دو نکته را هشدار بدهم: یکی اینست که در وقت فعلی که امپریالیسم آمریکا میخواهد از طریق همه امکاناتش و بشیوه‌های مختلف، علیه انقلاب اسلامی توطئه چینی کند و این کار را با دخالت نظامی و سوق دادن به آن مرحله شروع کند، باید از هر نوع برخورد و نزاع مسلحانه میان همه نیروهایی که خود را میهن دوست و انقلابی می‌دانند، از جمله بین کردها و دولت مرکزی خودداری شود. دوم اینکه دولت فاشیست عراق دشمن سرسخت خلق کرد است. تا بحال این دولت، ۱۲۴۷ دهکده کردستان عراق را با خاک یکسان کرده، بیش از هشتصد هزار کرد آواره شده و در اردوگاههای اجباری - مثل کمپ‌هایی که آمریکا برای ویتنامی‌ها درست کرده بود- اسکان داده شده‌اند. مناطق نفتخیز از کردها تخلیه شده و دهها هزار نفر بنام ایرانی بودن و شیعه بودن از عراق رانده شده‌اند که نمونه اش را در روزهای اخیر می‌بینید. بیشتر این رانده شدگان از برادران کرد هستند که حتی قبل از بوجود آمدن دولت عراق، در آنجا ساکن بوده‌اند. هزاران جوان مبارز عراق را اعدام و هزاران تن را زندانی کرده‌اند و فعلاً هم جنگ نابود کننده‌ای علیه خلق کرد در

کردستان عراق ادامه دارد. دولت عراق میخواهد قسمتی از نقشه و توطئه امپریالیزم آمریکا علیه انقلاب ایران را اجرا کند. با درک واقعی این دو نکته راه برای حل سیاسی و مسالمت آمیز کردستان ایران باز می‌شود. البته فهمیدن این نکات و درک این موقعیت خطیر، هم از طرف دولت مرکزی و هم از سوی نیروهای سیاسی کردستان ایران ضرورت دارد، من قضاوت یکجانبه نمی‌کنم.

• پیشنهاد خاصی برای پایان یافتن درگیری در کردستان ایران دارید؟

- پیشنهاد خاص من این است که هر چه زودتر، این جنگ برادر کشی خاتمه پیدا کند و آتش بس اعلام شود و به میز مذاکره بازگردند و کلید آن همین خبری است که از سوی دفتر ریاست جمهوری در روزنامه‌ها درباره اعلام آتش بس منتشر شد که حزب دمکرات هم آن را قبول دارد. من پیشنهاد می‌کنم که این آتش بس عملی شود و هم برادران کرد و هم برادران ارتش و پاسداران آن را رعایت کنند تا راه حل مسالمت آمیز و سیاسی پیدا شود. دوم اینکه شش اصل پیشنهادی حزب دمکرات کردستان که با اصلاحاتی مورد تصویب ریاست جمهوری قرار گرفته است، در شکل نهایی خود بزودی اعلام شود و همین را چهارچوب مذاکرات سیاسی برای حل مسالمت آمیز مسأله قرار دهند. سوم اینکه تنگ نظری و تدریجی کنار گذاشته شود و طرفین با واقع بینی و آینده نگری با مساله مواجه شوند.

• درباره دخالتها و توطئه‌های دولت عراق علیه ایران از طریق ارسال اسلحه و پول و یا ارتباط با گروه‌های سیاسی چه اطلاعاتی دارید؟

- مساله دخالت عراق در کار دولت ایران، واقعیت دارد. عراق چه در کردستان، چه در آذربایجان و خوزستان، اسلحه و پول پخش می‌کند. ما درباره جزئیات آن اطلاعات دقیق نداریم، اما واقعیت این است که رژیم عراق، شیوخ و روسای قبایل را به داخل عراق برده و به آنها پول و اسلحه میدهد. این مساله، فقط مربوط به کردها نیست که هرکس برود بگوید من علیه انقلاب اسلامی فعالیت می‌کنم از شاهیپور و بختیار گرفته تا ساواکیهای فراری، دولت عراق به او پول و اسلحه میدهد. خوانین و شیوخ، اینکار را می‌کنند ولی ما تا بحال ندیده‌ایم که نیروهای سیاسی به عراق بروند و پول و اسلحه بگیرند.

• مواضع اتحادیه میهنی و احزاب همکار آن در برابر «قیاده موقت» چیست؟

- به جز حزب کمونیست عراق که یکجور رابطه ای با قیاده موقت دارد، شش گروه دیگر آن را محکوم می‌کنند. این ثابت شده که بارزانی و پسرانش ادیس و مسعود، رابطه خیلی نزدیکی با شاه مخلوع ایران و با آمریکا و اسرائیل دارند. در این مورد هم مدرک مشهور و معتبری بنام گزارش «اوت اسپایک» که در کنگره نهم آمریکا بسرقت رفت و در جهان انتشار یافت وجود دارد که روابط خیلی نزدیک قیاده موقت با اسرائیل و صهیونیسم بوسیله آن کشف شد، رابطه ای که قبول آن برای خلق عرب، بدلیل حساسیتی که روی مساله فلسطین، دارد خیلی مشکل و حتی بدتر از ارتباط با شاه مخلوع است. قیاده موقت از لحاظ اجتماعی هم نماینده دستجات عقب مانده جامعه یعنی فئودالها و ارتجاعیون هستند بنابراین جزء نیروهایی نیستند که اتحادیه میهنی و ۵ حزب دیگر، آن را بعنوان نیروی ملی و مترقی قبول کنند و در اعلامیه‌هایشان، وابستگی‌های آن را محکوم کرده‌اند و حاضر به همکاری با آن نیستند، مگر آنکه یک تغییر اساسی در خط مشی این گروه بوجود بیاید.

• گویا قیاده موقت دچار انشعاب هم شده است.

- بله مثلاً در کنگره اخیر قیاده موقت که در ایران تشکیل شد، دو جریان مختلف حضور داشت: یکی روشنفکران به رهبری «محمود عبدالرحمن» و جناح دیگر به رهبری پسران بارزانی و فتودالها و عشایر. جناح اول پس از کنگره نهم آمریکا و افشاگری علیه قیاده موقت انشعاب کرد.

• نیروهای سیاسی و نظامی قیاده موقت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- بنظر من قیاده موقت، از لحاظ نیروی سیاسی و توده‌ای در کردستان عراق، هیچ نفوذ و قدرتی ندارد و تشکیلاتی هم که در آنجا بصورت خیلی محدود داشتند با جناح روشنفکران رفته است. از نظر نظامی، اینها در ایران هستند و شامل آن عده از پناهندگان عراقی هستند که در اینجا مسلح شده و بسر می‌برند و در اینصورت هم بیشتر بشکل یک نیروی خارج از کشور(عراق) هستند و فکر نمی‌کنم بتوانند در داخل عراق فعال باشند.

• اینها در ایران چکار می‌کنند؟

- این سئوالی است که من باید از شما بپرسم. (اطلاعات ۱۶/۲/۱۳۵۹)

پاسخ «قیاده موقت» به جلال طالبانی

سخنگوی حزب دمکرات کردستان عراق(قیاده موقت) در نامه ای برای اطلاعات، به آن قسمت از سخنان «جلال طالبانی» که درباره این حزب در مصاحبه ای با اطلاعات ۱۶ اردیبهشت عنوان کرده پاسخ گفته است. در نامه مزبور، ضمن رد سخنان طالبانی درباره قیاده موقت و اشاره به سوابق مبارزاتی این حزب آمده است: «موضع کنونی ایشان(طالبانی) تفرقه‌اندازی است که این موضوع نیز از طرف ملت عراق غیر قابل قبول و در نظر آنها ناپسند است و معتقدیم احزاب و گروههای سیاسی هم که در «کمیته آماده سازی جبهه دمکراتیک» با آقای طالبانی به توافق رسیده‌اند این موضع آقای طالبانی را مورد تأیید قرار نخواهند داد. ضرورت‌های اجتماعی و تاریخی ملت کرد در کردستان عراق، تشکیل حزب ما را حدود ۲۴ سال قبل ایجاب کرد و در این مدت، توده‌های زحمتکش مردم از اساسی ترین ارکان حزب ما بوده‌اند. ما از اعتماد و پشتیبانی توده‌های مردم برخوردار و موجودیت حزب خود را در گرو عقیده و نظر این و آن نمی‌بینیم. آقای طالبانی سعی نموده است که سیاست‌های ما را در مقابل ملت برادر عرب و مساله فلسطین دچار شك و تردید کند، ولی با خوشوقتی و اعتقاد کامل اعلام می‌داریم که با نیروهای مبارز عرب مخالف رژیم عراق، چه در داخل و چه در خارج عراق، روابط مبارزاتی دوستانه داریم و خود را در مبارزه خلق فلسطین در راه رهایی خلق و تشکیل دولت مستقل و دمکراتیک فلسطین سهیم میدانیم و نیز در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع، خود را همسنگر خلق عرب و خلق‌های آزادیخواه جهان می‌دانیم». در ادامه نامه، ضمن تکذیب این مساله که قیاده موقت در کردستان عراق نفوذ و قدرتی ندارد، آمده است: ما بار دیگر باین نکته تأکید می‌کنیم که تنها راه رهایی ملت عراق اتحاد نیروهای مبارز، اعم از کرد و عرب، تشکیل یک جبهه واحد و پرهیز از هر گونه تفرقه و جلوگیری از اختلافات داخلی است تا بتوانیم نیروهای داخلی خود را در صفوف فشرده تری علیه دشمن مشترک، یعنی رژیم بعث عراق بکار گیریم. (اطلاعات ۲۰/۲/۱۳۵۹)

جلال طالبانی، دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق:

ایجاد کشور منفصل کرد، امری خیالی در حکم عدم است.

جلال طالبانی دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق، در مصاحبه ای با خبرگزاری پارس، هدفش را از سفر به ایران و دیدگاه‌هایش را نسبت به انقلاب

اسلامی ایران و تاثیر آن در منطقه و بخصوص عراق تشریح کرد. طالبانی گفت: انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، سراسر خاورمیانه را تکان داد و تاثیر گسترده‌ای در جهان اسلام و بویژه عراق به جای گذاشت. انقلاب اسلامی ایران، مردم عراق و برادران شیعه ما را در جنوب کشور بیدار و آنها را به مبارزه تشویق کرد». طالبانی درباره هدفش از سفر بایران گفت: «هدف نخست من از این دیدار، عادی کردن و تحکیم روابط میان انقلاب اسلامی ایران و انقلاب عراق است که اتحادیه میهنی کردستان عراق، نقش بزرگی در انجام آن دارد، زیرا عناصر ارتجاعی و مزدور و وابسته به استعمار می‌کوشند میان انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کردستان عراق، خرابکاری کنند. عادی کردن این روابط، به نفع طرفین است و خوشحالم که این هدف تحقق یافته است. هدف دوم تبادل نظر با مقامات مسوول ایرانی درباره مسائل مشترک عراق و ایران و اوضاع خاورمیانه و بررسی چگونگی متحد ساختن نیروهای انقلابی منطقه در مقابل یورش وحشیانه استعمارگران به انقلاب اسلامی و انقلاب فلسطین و انقلاب عراق است».

راه حل سیاسی و مسالمت آمیز

هدف دیگر توضیح‌های لازم درباره وقایع کردستان و ارائه تصویری واقعی از جریان‌ات است، به این امید که بتوانیم در پیدا کردن یک راه حل سیاسی و مسالمت آمیز و پایان دادن به جنگ میان برادران کرد و ایران سهمی داشته باشیم، البته با مراعات اصل عدم دخالت بهر شکل در امور ایران که همیشه به آن پایبند بوده و هستیم. حتی مساله شرکت ما دریافتن یک راه حل سیاسی و مسالمت آمیز برای اوضاع کردستان ایران، دو شرط دارد: یکی موافقت حکومت مرکزی و دیگر موافقت طرف مقابل که کردها باشند و جز این، ما هیچگونه دخالتی نمی‌کنیم. سؤال شد:

انقلاب اسلامی ایران در عراق به ویژه در منطقه کردنشین کشور شما چه تاثیری داشته است؟

طالبانی پاسخ داد: «انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، سراسر خاورمیانه را تکان داده و تاثیر وسیعی در جهان اسلام بویژه در عراق که اکثریت ساکنان غرب آن شیعه هستند، به جا گذاشته است. تاثیر انقلاب اسلامی این بود که مردم عراق و برادران شیعه ما را در جنوب کشور بیدار کرد و آنها را به فعالیت و مبارزه تشویق کرد همچنین کردهای عراق تشویق شدند که به مبارزه مسلحانه خود ادامه بدهند، بویژه اینکه از پشت سر، دیگر خطری متوجه آنها نیست، زیرا رژیم ارتجاعی شاه از پشت سر، ناجوانمردانه به ما خنجر می‌زد. این خطر رفع شد و حالا بعکس انقلاب اسلامی ایران، فضای تازه‌ای پدید آورد و افراد ایرانی نیز که در کنار دیگر برادران ایرانی خود علیه رژیم شاهی قیام کردند، شروع به همدردی با برادران کرد خود در عراق کردند. جلال طالبانی در ادامه گفت: «از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران، مردم را متقاعد کرد که می‌توان طاغوت‌ها را سرنگون کرد». قبلاً این اعتقاد بود که رژیم، قوی است و شاه و صدام حسین تکریتی، ارتش دارند و از پول‌های هنگفت برخوردارند و با داشتن دستگاه‌های سرکوبگر، نابودی آنها غیر ممکن است. به همین خاطر، مردم میل به انزوا و ناامیدی داشتند، اما انقلاب اسلامی ایران، امید به پیروزی را زنده کرد و با پیروزی انقلاب اسلامی مشخص شد سرنگونی رژیم‌های سرکوبگر و ستمکار و طاغوتی در صورت متحد شدن توده‌ها و قیام علیه این رژیم‌ها امکان پذیر است. انقلاب اسلامی به مردم نیرو داد و یک روحیه

انقلابی در دل کردها و عربها در عراق بوجود آورد. تاثیر دیگر انقلاب اسلامی ایران این بود که ماهیت زشت و پلید رژیم صدام حسین تکریتی را بر ملا ساخت. صدام با شاه مخلوع همکاری داشت و مبارزان ایرانی را شکنجه می‌داد. پس از تبعید امام خمینی از نجف و موضع‌گیری خصمانه عراق نسبت به انقلاب ایران برای ملت عراق، این پرسش مطرح شد که صدام حسین، چرا با انقلاب اسلامی که از انقلاب فلسطین و اعراب در مبارزه شان علیه استعمار و صهیونیسم پشتیبانی می‌کند، دشمنی می‌ورزد؟ در حالی که رژیم شاه با صدام که هم پیمان استعمارگران آمریکائی و صهیونیسم بود، به اسرائیل نفت می‌داد و دوستی می‌کرد. این وقایع نقاب از چهره پلید رژیم بعثی و صدام حسین به عنوان یک عنصر ضد خلقی و عنصری که با استعمار و صهیونیسم مخالفتی ندارد، اما با انقلاب فلسطین و مسائل اعراب حمایت می‌کند همکاری می‌کرد برداشت.

کردستان آزاد و مستقل؟

سؤال شد: اتحادیه میهنی کردستان عراق برای کسب خودمختاری در چارچوب جمهوری عراق مبارزه میکند آیا کسب خودمختاری یک هدف مرحله‌ای یا استراتژیکی است. به کلام دیگر آیا اکراد در چهار کشور ایران، عراق ترکیه و سوریه، هدف درازمدت شان این نیست که یک کردستان آزاد و مستقل ایجاد کنند؟

طالبانی پاسخ داد: "کردهای نسل فعلی ما نمی‌تواند چیزی بیشتر از خودمختاری در چارچوب جمهوری عراق که باید یک جمهوری دمکراتیک خلق باشد، بدست آورد. ما به عنوان انقلابیون واقع‌گرا و نه شاعران خیال پرداز، معتقدیم که سیاست واقعی و منطقی، سیاست بکاربردن «فن ممکن‌ها» است. به نظر من امکان یکی شدن کردها در یک کشور منفصل کرد، امری خیالی و در حکم عدم است. طالبانی افزود: سیر تحول در شرق به نظر من در جهت منفصل شدن ملل شرق است و جدا شدن آنها از هم. بهمین دلیل است که من شخصاً با جدا شدن کردستان عراق از این کشور و یا جدا شدن مناطق کردنشین ایران از جمهوری اسلامی ایران، مخالفت می‌کنم".

راه حل‌های رفع اختلاف

جلال طالبانی، دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق در پاسخ این سؤال که: «به نظر شما چه راه حلی برای رفع اختلاف میان حکومت مرکزی جمهوری اسلامی ایران و کردها در کردستان ایران متصور است و آیا تماس‌هایی در این زمینه با رهبران جمهوری اسلامی و کردهای ایران داشته اید؟

گفت: «به عقیده من، باید از راه سیاسی و مسالمت آمیز، مشکل را حل کرد. جنگ میان کردهای ایرانی و برادران ارتشی و پاسداران، یک جنگ برادرکشی است، در حالی که برادران، باید هم پیمان یکدیگر باشند و یکدیگر را در آغوش بگیرند، بویژه که ایران در معرض توطئه‌های استعمارگران آمریکائی و توطئه‌های فاشیستی عراق قرار گرفته است. انقلاب اسلامی ایران، اکنون به یک وحدت متین ملی از طریق متحد شدن همه نیروها در ایران در مقابل استعمارگران آمریکائی و رژیم فاشیستی عراق، نیاز مبرمی دارد. جنگ، مشکلی را حل نمی‌کند بلکه آنرا پیچیده تر می‌کند. دل‌ها را خونین و جریحه دار می‌سازد. یتیم و بیوه زن و حس انتقامجویی به جای می‌گذارد. به عقیده من زمینه یک راه حل سیاسی و مسالمت آمیز و دموکراتیک موجود است، زیرا طرف

کرد، همگي ميگويند حاضرند به جنگ برادر كشي پايان دهند. آتش بس را محترم بدارند، پاره اي خواست‌هاي دولت مركزي مثل خروج افراد مسلح از شهرها و نيز مقاومت در برابر رژيم فاشيستي عراق را اجابت كنند. از سوي ديگر، طرف مسوول دولت مركزي، يعني شخص دكتور ابوالحسن بني صدر رييس جمهوري اسلامي ايران همچنين بارها اعلام کرده كه خواهان راه حل سياسي و مسالمت آميز است و مخالف جنگ برادر كشي است و حقوق مشروع کردها از جمله خودمختاري در چارچوب جمهوري اسلامي ايران را مي پذيرد».

موافق با اصل خودمختاري

طالباني ادامه داد: «دكتور بني صدر گفته است ما مخالف اصل خودمختاري نيستيم، حرف مان اين است كه چه كسي خودمختاري را بگيرد و كيفيت اين خودمختاري چگونه است. اگر تلاش‌هاي صادقانه اي از سوي دو طرف مبذول شود، نظرم و اميدم اين است كه مشكل حل خواهد شد. من هم بر حسب امكانات و توانائي خود، ضمن مراعات اصل عدم دخالت در امور داخلي، تلاش مي‌كنم، مسائل را براي طرفين توضيح دهم و تصويري واقعي از اوضاع و مقاصد، به طرفين ارائه دهم، بلكه امر آتش بس و راه حل سياسي تسهيل شود. در خلال اقامتم در تهران و تماس با مقامات مسوول و سپس تماسهايم با برادران كرد، البته با آگاهي قبلي طرف مركزي براي روشن شدن كه زمينه فراهم است و خوش بيني وجود دارد و معتقدم كه طرفين در جهت پايان دادن به جنگ برادر كشي حركت مي‌كنند و پيش بيني مي‌كنم كه بزودي، به جنگ پايان داده خواهد شد و بازگشتي خواهد بود به منطق و عقل سالم و زبان گفت و شنود و رها كردن زبان آتش و جنگ. اين راه حل سياسي و مسالمت آميز و دمكراتيک به نفع انقلاب اسلامي ايران - كرد، فارس ترك و همه ايرانيان- خواهد بود زيرا تمامي راههاي نفوذ استعمار و رژيم فاشيستي عراق را خواهد بست، وحدت ملي ايران را استحکام خواهد بخشيد و سپس الكوي خوبي به ملل اسلامي از شيوه برخورد جمهوري اسلامي با مشكلات ارائه خواهد داد، زيرا قدرت انقلاب در داده‌هاي آن است نه حرف و شعارهايش.

اوضاع كلي عراق

وي درباره اوضاع كلي عراق گفت: «رژيم و دار و دسته صدام حسين، اقليتي بسيار كوچك هستند كه با آتش و خون در عراق حكومت مي‌كنند. اينان سياست فاشيستي فجييعي عليه تمامي نيروها و احزاب و گروهها و شهروندان عراق، چه عرب، چه كرد، چه مسلمان، چه مسيحي، چه سني و چه شيعه بكار مي‌برند. در عراق، آزادي مطبوعات، آزادي احزاب، آزادي سنديكاها، مطلقاً وجود ندارد. آنها مردم را هزار هزار بازداشت مي‌كنند. ارتباط رژيم فاشيستي عراق، با استعمار نو و استعمار گران آمريكائي ديگر مساله اي نيست كه از ديد كسي پنهان مانده باشد. ما رژيم صدام حسين تكريتي را رژيمي مزدور استعمار نو و وابسته به استعمارگران امريكائي مي‌دانيم. اين وابستگي از طريق پوشش‌هاي مختلفي، از جمله ارتجاع سعودي، روابط بازرگاني و مناسبات نفتي مشهود است.

سياست شوونيستي

اين رژيم در قبال ملت كرد عراق، يك سياست شوونيستي در پيش گرفته و آن را از طريق عربي كردن مناطق نفت خيز كردنشين و كوچ دادن کردها از مناطق خود اعمال مي‌كند. بر اساس همين سياست، آنها ۱۲۴۷ دهكده كردنشين را با خاك يكسان كردند، كشتزارها و جنگلها را به آتش كشيدند و

حتی چشمه‌های آب را با سیمان بستند. این رژیم، با مقاومت گسترده توده‌ای مواجه شده است. همه نیروها و احزاب ملی، همه کردها همه شیعیان، مخالف این رژیم بوده و به مبارزه با آن برخاسته‌اند. اتحادیه میهنی کردستان عراق تقریباً چهار سال است که مبارزه مسلحانه خود را علیه این رژیم آغاز کرده که در عین حال، بخشی از انقلاب سرتاسری عراق بشمار می‌رود، زیرا چند حزب عراقی بنام تجمع ملی عراق، هم اکنون در کنار ما با رژیم می‌جنگند. بعد از انقلاب اسلامی ایران و پیوستن برادران شیعه ما در مبارزه علیه رژیم فاشیستی عراق، دامنه مقاومت مردم عراق در برابر این رژیم بسیار گسترش یافته است، حتی حزب کمونیست عراق که چند وزیر در هیات حاکمه داشت، رژیم را ترک کرده و هم اکنون در کنار ما می‌جنگند. بعد از برکناری احمد حسن الکرک و نمایشنامه کنار رفتن وی، در داخل خود حزب بعث نیز انشعابات رخ داد و صدام، ۲۲ تن از رهبران حزب را اعدام و صدها نفر دیگر را بازداشت کرد. بهر حال رژیم صدام حسین، اینک چون پرکاهی در معرض توفان قرار گرفته سقوط آن بسیار نزدیک است».

موضع ارتش عراق

جلال طالبانی در پاسخ این سؤال که: موضع ارتش عراق در قبال رژیم حاکم در بغداد چیست؟

گفت: «به رغم تصفیه گسترده و اخراج عناصر مترقی و ملی و پاکدامن همچنین عناصر کرد و شیعه اکثریت، افراد این ارتش مخالف رژیم حاکم و مخالف صدام حسین هستند، زیرا صدام حسین با اخراج بهترین افسران، ارتش عراق را تضعیف کرد. او برادر زنش سرگرد «عدنان خیرالله طلفاح» را یکباره به ارتشبدی رسانید. بدتر اینکه رتبه ستادی هم به او داد. در حالی که برای افسر ستاد شدن باید دوره خاصی را گذراند. این کارها توهین و تحقیر برای ارتش تلقی می‌شود. بعلاوه ارتشیان می‌بینند که آنها را از وظایف اصلی خود باز می‌دارند. ماموریت ارتش عراق همانطور که ما بارها گفته ایم باید در تپه‌های «جولان» باشد نه در کوهستانهای کردستان. ارتش عراق، باید در صف مقدم مقابله با تجاوز صهیونیسم و استعمار باشد نه اینکه برادران کرد عراقی، و برادران شیعه عراقی خود را سرکوب و کشتار کنند. نقش ارتش عراق، مشخص است. دفاع از استقلال ملی عراق که صدام عملاً با این انقلاب دشمنی می‌ورزد. افسران ارتش عراق احساس می‌کنند تا کی باید در پادگانها در کردستان عراق بمانند، در حالی که برادران فلسطین و برادرانشان در جنوب لبنان و در فلسطین، زیر پای صهیونیستهای جنایتکار له می‌شوند». طالبانی در ادامه گفتگوبیش درباره ارتش عراق گفت: «صدام حسین اخیراً دهها افسر لایق ارتش عراق از جمله سپهبد» ولید محمود سیرت» را که فرمانده یک لشکر عراقی در کردستان و همچنین یکی از اعضای قدیمی حزب بعث بود، اعدام کرده است. دهها افسر دیگر در بازداشت بسر می‌برند و بسیاری نیز با شیوه‌های فاشیستی در تصادف‌های ساختگی اتومبیل کشته شدند. هم اکنون در ارتش عراق، نهضت افسران آزاد تشکیل شده است که برای سرنگونی رژیم بعث عراق تلاش می‌کند و اعلامیه‌هایی انتشار می‌دهد. حتی افسران بعثی مخالف حکومت فاشیستی صدام حسین نهضتی تشکیل داده و فعالند. علاوه بر همه اینها افسریان و درجه داران و سربازان ارتش، بیشترشان شیعه و کرد هستند که با رژیم مخالفند. بعنوان نمونه، همین دو ماه پیش، دو افسریار عرب که شیعه هستند با تمامی

تجهيزات و سلاحهاي خود به ما پيوستند و در کنار ما عليه رژيم عراق مي جنگند. وقتي که از آنها پرسيدم شما از کدام حزب هستيد پاسخ دادند: «از حزب خميني». لذا مي بينيد که صدام، از انقلاب ايران و امام خميني واهمه بسيار دارد. انقلاب اسلامي ايران، انعکاس وسيعي در ارتش عراق بويژه در ميان درجه داران و سربازان بجاي گذاشته است و ما متوجه شده ايم که ارتش عراق، برخلاف زمانهاي گذشته ديگر با ما نمي جنگد». (اطلاعات ۱۳۵۹/۲/۲۲)

طي پيامي براي مقابله با امپرياليسم:
جلال طالباني کليه نيروهاي خود را در اختيار امام گذاشت.
تهران - خبرگزار پارس: بر اساس گزارش عده اي از مقامات موثق و آگاه در تهران طي پيامهايي، جلال طالباني نسبت به امام امت و رييس جمهوري کشور اسلامي ايران ابراز وفاداري کرده است.

متن پيامها چنين است:

حضرت آيت الله العظمي امام خميني مشعل افروز انساني رهبر عاليقدر انقلاب اسلامي با خشم و شگفتگي فراوان خبر تجاوز خصمانه آمريکا را به جمهوري اسلامي ايران دريافت کرديم. بدون شک امپرياليسم آمريکا دشمن خوناشامي است براي تمام گروههاي اسلامي و تمام مظلومين و مستضعفين جهان توطئه چيني آمريکا بر ضد انقلاب اسلامي به رهبري شما به دنبال همان کينه توزي اوست در سراسر دنيا و از جمله دنباله همان کينه توزي آمريکا بر ضد برادران انقلابي شماست در عراق که به حکم ازدهاي جهنمي دست نشانده استعمار صهيونيستم بر ضد انقلاب اسلامي انجام مي گيرد و نيز همان دستي که آلوده به خون آيت الله سيد محمد باقر است که با بدترين انواع شکنجه هاي وحشيانه به شهادت رسيد.

آزادي خواهان عراق از کرد و عرب و ترکمن و سني و شيعه مجموعاً پيرو انقلاب اسلامي مي باشند که براي سرکوب کردن استعمار و صهيونيستم قيام کردند و براي سرکوب کردن حکومت صدام خائن دست نشانده آمريکا کوشش مي نمايد.

همان حکومتي که در نبرد آشتي ناپذير با انقلابيون فلسطين و ايران و عراق به پيروي از برنامه اي استعماري و صهيونيستي و دشمن با مظلومين قرار دارد ما اعلام مي داريم که تمام نيروهايمان را در اختيار انقلاب اسلامي ايران قرار مي دهيم و با تمام امکانات خود در صف انقلاب اسلامي براي درهم کوبيدن استعمار مي باشيم.

خداوند شما را توفيق دهد و آنچه که به سود انقلاب و مسلمانان و تمام مظلومين است درود بر شما و برکات خداوند. جلال طالباني- دبیر کل اتحادیه وطنی کردستان (کيهان ۱۳۵۹/۲/۲۲)

جلال طالباني: انقلاب ايران به رهبري امام سراسر خاورميانه را تکان داد.

جلال طالباني دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق در مصاحبه هدفش را از سفر به ايران و دیدگاه هایش را نسبت به

انقلاب اسلامي ايران و تاثير آن در منطقه و بخصوص عراق تشریح کرد. طالباني گفت: انقلاب اسلامي ايران به رهبري امام خميني سراسر خاورميانه را تکان داد و تاثير گسترده‌اي در جهان اسلام و به ويژه عراق به جاي گذاشت. انقلاب اسلامي ايران مردم عراق و برادران شيعه ما را در جنوب کشور بيدار کرد و آنها را به مبارزه تشويق کرد. طالباني درباره هدفش از سفر به ايران گفت: حتي هدف نخست من از اين ديدار عادي کردن و تحکيم روابط میان انقلاب اسلامي ايران و انقلاب عراق است که اتحاديه ميهني کردستان عراق نقش بزرگي در انجام آن دارد. زيرا عناصري ارتجاعي و مزدور و وابسته به استعمار مي‌کوشند میان انقلاب اسلامي ايران و انقلاب کردستان عراق خرابکاري کنند. عادي کردن اين روابط به نفع طرفين است و خوشحالم که اين هدف تحقق يافته است.

جلال طالباني در ادامه گفتگويش گفت از سوي ديگر انقلاب اسلامي ايران مردم را متقاعد کرد که مي‌توان طاغوتها را سرنگون کرد. قبلاً اين اعتقاد بود که رژيم قوي است و شاه و صدام حسين ترکيبي ارتش دارند و از پولهاي هنگفت برخوردارند. واداشتن دستگاههاي سرکوبگر نابودي آنها غيرممکن است و به همين خاطر مردم ميل به انزوا و نااميدي داشتند اما انقلاب اسلامي ايران اميد به پيروزي را زنده کرد. با پيروزي انقلاب اسلامي مشخص شد سرنگوني رژيمهاي سرکوبگر و ستمکار و طاغوتي در صورت متعهد شدن توده‌ها و قيام عليه اين رژيمها امکان پذير است.

انقلاب به مردم نپرو داد و يك روحيه انقلابي در دل کردها و عربها در عراق به وجود آورد. تاثير ديگر انقلاب اسلامي ايران اين بود که ماهيت زشت و پليد صدام حسين ترکيبي را برملا ساخت، صدام با شاه مخلوع همکاري داشت و مبارزان ايراني را شکنجه مي‌داد. پس از تبعيد امام خميني از نجف و موضع گيري خصمانه عراق نسبت به انقلاب ايران براي ملت عراق اين پرسش مطرح شد که صدام حسين چرا با انقلاب اسلامي که از انقلاب فلسطين و اعراب در مبارزه شان عليه استعمار و صهيونيسم پشتيباني مي‌کند دشمني مي‌ورزد در حالي که رژيم صدام با شاه که هم پيمان استعمارگران و آمريکايي و صهيونيسم بود و به اسراييل نفت مي‌داد دوستي مي‌کرد.

سوال شد آقاي طالباني اتحاديه ميهني کردستان عراق براي کسب خودمختاري در چارچوب جمهوري عراق مبارزه مي‌کند. آيا کسب خودمختاري خود يك هدف مرحله‌اي يا استراتيژيکي است. به کلام ديگر آيا کردها در چهار کشور ايران و عراق و ترکيه و سوريه هدف درازمدتشان اين است که يك کردستان آزاد و مستقل ايجاد کنند؟

طالباني پاسخ داد: نسل فعلي ما نمي‌تواند چيز بيشتري از خودمختاري در چارچوب جمهوري عراق که بايد يك جمهوري دمکراتيک خلق باشد به دست آورد. ما به عنوان انقلابيون واقع گرا

و نه شاعران خیال‌پرداز معتقدیم که سیاست واقعی و منطقی سیاست به کار بردن فن ممکن است. به نظر من امکان یکی شدن کردها در یک کشور منفصل کرد امري خیالی و در حکم عدم است.

جلال طالبانی دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق در پاسخ این سوال که به نظر شما چه راه حلی برای رفع اختلاف میان حکومت مرکزی جمهوری اسلامی ایران و کردها در کردستان متصور است و آیا تماس‌هایی در این زمینه با رهبران جمهوری اسلامی به کردهای ایران داشته‌اید. گفت: به عقیده من باید از راه سیاسی و مسالمت‌آمیز این مشکل را حل کرد اما طرف مسوول دولت مرکزی یعنی شخص دکتر ابوالحسن بنی‌صدر رییس‌جمهور اسلامی ایران همچنین بارها اعلام کرده که خواهان راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز است و مخالف جنگ برادرکشی و حقوق مشروع کرد از جمله خودمختاری در چارچوب جمهوری اسلامی ایران را می‌پذیرد. دکتر بنی‌صدر گفته است که ما مخالف اصل خودمختاری نیستیم حرفمان این است که چه کسی خودمختاری را بگیرد و کیفیت این خودمختاری چگونه است.

وی درباره اوضاع کلی عراق گفت رژیم و دارودسته صدام حسین اقلیتی بسیار کوچک هستند که به آتش و خون در عراق حکومت می‌کنند. اینان سیاسی فاشیستی علیه تمامی نیروها و احزاب و گروه‌ها و شهروندان عراق چه عرب و چه کرد و چه مسلمان و چه مسیحی و چه سنی و چه شیعه به کار می‌برند و در عراق آزادی مطبوعات، آزادی احزاب، آزادی سندیکاها مطلقاً وجود ندارد. آنها مردم را هزارهزاربار بازداشت می‌کنند انقلابیون را به طور دسته جمعی به جوخه‌های اعدام می‌سپارند ده‌ها هزار نفر را آواره می‌کنند. ارتباط رژیم فاشیستی عراق به استعمار نو و استعمارگران آمریکایی دیگر مساله‌ای نیست که از دید کسی پنهان مانده باشد ما رژیم صدام حسین تکریتی را رژیم مزدور استعمار نو وابسته به استعمارگران آمریکایی می‌دانیم. این وابستگی از طریق پوشش‌های مختلف از جمله ارتجاع صعودی و روابط بازرگانی و مناسبات نفتی مشهود است.

این رژیم در قبال ملت کرد عراق یک سیاست شوونیستی در پیش گرفته و آن را از طریق عربی کردن و مناطق نفت خیز کردنشین و کوچ دادن کردها از مناطق خود اعمال می‌کنند.

بر اساس همین سیاست آنها ۱۲۴۷ دهکده کردنشین را با خاک یکسان کردند. کشتزارها و جنگل‌ها را به آتش کشیدند و حتی چشمه‌های آب را با سیمان بستند.

این رژیم با یک مقاومت گسترده توده‌ای مواجه شده است. همه نیروها و احزاب ملی، همه کردها، همه شیعیان مخالف این رژیم بوده و با مبارزه با آن برخاستند اتحادیه میهنی کردستان عراق تقریباً چهار سال است که مبارزه مسلحانه را علیه این رژیم آغاز کرده که در این حال بخشی از انقلاب سرتاسری عراق

به شمار می‌رود زیرا چند حزب عراقی به نام تجمع ملی عراق هم اکنون در کنار ما با رژیم می‌جنگد.

طالبانی در ادامه گفتگویش درباره ارتش عراق گفت: صدام حسین اخیراً دهها افسر لایق ارتش عراق از جمله سپهبد محمد سیرت را که فرمانده یک لشکر عراقی در کردستان و همچنین یکی از اعضای قدیمی حزب بعث بود اعدام کرده است. دهها افسر دیگر در بازداشت به سر می‌برند و بسیاری با شیوه‌های فاشیستی در تصادف‌های ساختگی اتومبیل کشته شدند. هم‌اکنون در ارتش عراق نهضت افسران آزاد تشکیل شده که برای سرنگونی رژیم بعث عراق تلاش می‌کند و اعلامیه‌هایی انتشار می‌دهد. حتی افسران بعثی مخالف حکومت فاشیستی صدام حسین، نهضتی تشکیل داده و فعالند. علاوه بر همه این افسران و درجه‌داران و سربازان ارتش بیشترشان شیعه و کرد هستند که با رژیم مخالفند. به عنوان نمونه همین دو ماه پیش دو افسر عرب که شیعه هستند با تمامی تجهیزات و سلاح‌های خود به ما پیوستند و در کنار ما علیه رژیم عراق می‌جنگند. وقتی که از آنها پرسیدم که شما از کدام حزب هستید پاسخ دادند از حزب خمینی. لذا می‌بینید که صدام از انقلاب ایران و امام خمینی و همه بسیار دارد. انقلاب اسلامی ایران انعکاس وسیعی در ارتش عراق به ویژه در میان درجه‌داران و سربازان به جای گذاشته است و ما متوجه شده‌ایم که ارتش عراق برخلاف زمان‌های گذشته دیگر با ما نمی‌جنگد. (کیهان ۲۵/۲/۱۳۵۹)

تلفات عراقیها

نوار مرزی ایران و عراق - سخنگوی حزب سوسیالیست متحد کردستان عراق، دیروز اعلام داشت که در زدو خورد‌های اخیر پارتیزان‌های این حزب با نظامیان بعث عراق، ۷۷ تن از نیروهای دولتی کشته و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شده‌اند. این سخنگو اضافه کرد که در منطقه «سوسه»، ۹ مزدور بعثی را به گروگان گرفته‌اند و جمعاً ۳۳ قبضه کلاشینکف در نتیجه زد و خوردها بدست آورده‌اند. وی خاطر نشان ساخت که ساختمان بخشداری و ستاد حزب بعث را در ناحیه «دوکان» منهدم ساخته و ۶ خودروی ارتشی را به آتش کشیده‌اند. (کیهان ۲۵/۲/۱۳۵۹)

مصاحبه با یک مجاهد عراقی

• ظاهراً قیمت نفت عراق اکنون در میان قیمت‌های نفت کشورهای منطقه، از همه ارزانتر شده است، و رژیم اخیر تولید نفت را بالا برده، نظر شما در این مورد چیست؟

ج) بعد از اینکه رژیم جمهوری اسلامی ایران تولید نفت خود را پایین آورد و لطمه بزرگی بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد نمود، طبیعی است که دولت بعث عراق، نقش مطلوب خویش را ایفا کند، لذا تولید نفت را افزایش داد. ابتدا از سه میلیون بشکه به چهار میلیون و سپس به چهار میلیون و نیم و دقیقاً بگویم که متخصصان وزارت نفت عراق تاکید می‌کنند که بیشتر نفت عراق به آمریکا داده می‌شود و از روزی که بعثی‌ها روی کار آمده‌اند، تا بحال، ملت بیچاره عراق نمی‌دانند چقدر تولید و با چه قیمت فروش و به چه کسی بزرگترین سرمایه خود، یعنی نفت داده می‌شود؟ از سوی دیگر بیشتر متخصصین عراقی در وزارت

نفت به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند، و بیشتر آنان در خارج مشغول کار هستند و متخصصین آمریکائی، جایگزین آنان شده‌اند.

-وضع مردم کرد در عراق و جنبش کردها را چگونه توصیف می‌کنید؟

ج) در واقع جنبش مردم شریف کرد عراق که به رهبری عده‌ای غیر متعهد و غیر مسوول و وابسته به شاه مخلوع ایران در سال ۱۹۷۵ باشکست روبرو شد و در قرارداد الجزیره که در آن سال میان شاه و صدام امضاء شد، آمریکا نقش بسیار مؤثری ایفاء نمود. نتیجه توکل و اعتماد بر غیر خدا این است که باشکست روبرو می‌شود. توطئه آمریکا که در کنار شاه و صدام قرار گرفته بود، وجود مرد مستضعف کردعراق را در خطر جدی قرار داد و یکسال، هیچ مقاومتی از خود نداشت. از یکسال، یعنی سال ۷۶، عده‌ای به شهر بارزان بازگشته و به مبارزه پرداختند. در واقع دید ناسیونالیستی «کرد گرایي» که بر رهبران مردم شریف کرد حاکم می‌باشد (اینجا يك مساله مهم و خود دارد و آن اینکه می‌بایست دو مساله را از هم جدا کرد: مردم مسلمان کرد و رهبران مردم کرد) در واقع عکس‌العمل دید تعصب آمیز ناسیونالیستی عربیت می‌باشد. حتی یکی از رهبران کرد می‌گفت: «ما شنیدیم و دیدیم که عرب‌ها می‌گویند: «عرب! عرب! عرب!» ما هم گفتیم «کرد! کرد! کرد!» و بعقیده من دید ناسیونالیستی تعصب آمیز عربیت، عکس‌العمل دید ناسیونالیستی ترکیه تورانی در زمان دولت عثمانی می‌باشد. در زمان حزب «اتحاد و ترقی» که در رابطه با فراماسونری بود، مساله قومیت ترکی مطرح و بر آن تأکید می‌شد. در مقابل آن، عده‌ای که مرموزانه حرکت می‌کردند، از قومیت عربی دم می‌زدند و فریاد قومیت عربی براه می‌انداختند و می‌بینیم که در کشورهای عربی، این دید قوت می‌گیرد و همچنین شاه مخلوع نیز در ایران، ناسیونالیسم «فارس گرائي» را تعقیب می‌کند و در میان مردم کرد، عده‌ای «کرد گرائي» را مطرح می‌کنند و بالاخره همه به جان هم می‌افتند و آنگاه استعمار و ابرقدرتها به هدف خویش می‌رسند. ولی با مطرح کردن اسلام، همه این حرفها باطل و جمع می‌شود. اسلام، مسلمانان جهان را دوباره به وحدت و یکپارچگی دعوت می‌کند.

مردم شریف کرد، همه مسلمانند و مؤمن و متعهد و وفادار به اسلام هستند و آرزوی حکومت اسلامی دارند. ولی متأسفانه رهبران آنها افراد صالحی نیستند که گاهی با روسیه و گاهی با آمریکا کنار می‌آیند و تا روزی که رهبران کرد، دست از شرق و غرب نکشند و راهی خط وسط که اسلام راستین می‌باشد، نشوند، همه این بدبختی‌ها ادامه دارد. ما اخیراً شاهد حرکت و جنبش جدیدی در میان مردم مسلمان کرد می‌باشیم که این تحرك و جنبش، براساس مبادی عالیة اسلام استوار است. اینان اکنون دارای نقشی بسیار مؤثر در نهضت اسلامی عراق می‌باشند، بلکه از برخی رهبران نهضت اسلامی عراق هستند. یکی از برادران مجاهد کرد در يك سخنرانی در کردستان عراق، می‌گفت: ای مردم غیور کرد، شما به همه مذاهب و افکار و اندیشه‌ها خدمت کردید و در این راه زحمت کشیدید، ولی اکنون روز اسلام فرا رسیده و می‌بایست به این دین حنیف خدمت کنید و برایش زحمت بکشید.

بطور کلی، مردم کردستان مسلمان هستند و برای اسلام هم فداکاری‌های زیادی کرده‌اند و به هیچ وجه، به فکر تجزیه و استقلال قومی نیستند و با آن مخالفت شدیدی دارند، ولی اینجا يك مساله مهم پیش می‌آید و آن، مساله تبلیغات است. منظورم برنامه کردی رادیو تهران است. که بیشتر برادران مجاهد ما در کردستان از آن گله دارند و نسبت به آن، به ما (در مدتی که

آنجا بودیم) شکایت می‌کردند. بخش کردی رادیو تهران به هیچوجه، به آنچه در عراق می‌گذرد، توجه ندارد مثلاً واقعه‌ای که اخیراً اتفاق افتاده برای ما نقل کردند که رژیم بعث عراق، اخیراً حدود دو هزار روستای کردستان عراق را منهدم کرده و مردم مستضعف و مسلمان آنرا به مناصق وسط عراق (القری العصریه) انتقال داده که با وضع این مردم از هر لحاظ سازگار نیست. هدف از این اقدام یعنی منهدم کردن این دو هزار روستا، ایجاد یک نوار مرزی است که از سی کیلومتری مرز عراق با ترکیه شروع و تا مرز ایران با عراق ادامه دارد، یعنی از شهر خانقین تا شهر زاخو. رژیم عراق، این منطقه را منطقه ممنوعه اعلام کرده. و تحت نظارت نیروهای نظامی عراقی می‌باشد و هر انسانی یا حیوانی در این منطقه پیدا شود، فوراً مورد حمله قرار گرفته و کشته می‌شود، حتی اخیراً حدود دویست قاطر در این منطقه کشته شده‌اند. این اقدام رژیم بعث، ضربه بسیار مؤثری بر پیکر این مردم بیچاره می‌باشد و رادیو تهران به ویژه بخش کردی آن، به این مساله اصلاً توجه نکرد. مردم مظلوم کردستان عراق می‌خواهند تا صدای مظلومیت خود را به همه برسانند و رادیو و تلویزیون، آنرا منتشر کند، ضمناً افرادی هم در این منطقه کشته شده‌اند. مثلاً منطقه پینجوین تا به حال ۹۵ کشته داده، اما کسانی که دستگیر می‌شوند، اگر سواد داشتند فوراً اعدام می‌شوند و بی‌سوادها به حبس ابد محکوم می‌شوند.

به عنوان آخرین سوال پیام شما به عنوان یک مجاهد عراقی به ملت مسلمان و رزمنده‌ی عراق چیست؟

ج) حرکت نوین اسلام که اکنون از ایران و به رهبری رهبر انقلاب اسلامی جهان امام خمینی آغاز شده است، بر جاهلیت فارسی در ایران که شاه سمبل آن بود، پیروز شد و حتماً با همکاری و وحدت مسلمین، بر جاهلیت کنونی عربیت پیروز خواهد شد، همانطوری که در صدر اسلام شد که همه در زیر لوای اسلام، از عرب و فارس و همه‌ی اقوام جمع شدند. من آرزو دارم تا ملت شریف ایران خود به آنچه انجام داده آگاه باشد بلکه بعضی‌ها از آن غفلت می‌کنند. انقلاب اسلامی از ایران آغاز شده و توسط ملت‌های مسلمان، به همه‌ی جهان سرایت خواهد کرد. چیزی که به نظر من می‌آید نکته‌ی مهمی است، اینکه پاسخ امر در ایران به تحریکات و دروغ پردازیه‌ها و تهمت‌های منافقین و دشمنان اسلام می‌باشد تا ما در دامی که دشمنان می‌خواهند نیفتیم که مثلاً از موازین غیر اسلامی مثل ایران‌گرایی، فارس‌گرایی و غیره صحبت کنیم. در واقع ما از ملت شریف ایران انتظار نداریم تا هم خود و هم ملت‌های دیگر را به پیروزی برسانند، بلکه مسوولیت هر ملتی است که خود حرکت کند و شهید و قربانی تقدیم کند و به پیروزی نائل گردد. ما آنچه آرزو داریم اینست که چیزی که از ایران صادر شود، می‌بایست اسلامی محض باشد و متأسفانه می‌توانم بگویم که تابحال، این مساله بحد مطلوب نرسیده، تبلیغات و نقش رسانه‌های گروهی رادیو تلویزیون مانند بخش عربی رادیو تهران از حرکت شتابزده سریع اسلام، بسیار عقب مانده است. من انکار نمی‌کنم که این برنامه، موثر و محرک باشد ولی جوی بر آن حاکم است که نباید باشد. یکی از برادران مجاهد در عراق که برنامه‌اش بیشتر فحش دادن به صدام است، می‌گفت مبارزه با رژیم عراق به اینصورت درست نیست.

و متأسفانه باید بگویم که رادیو عربی تهران نتوانسته است تا بحال نقش مهمی که برعهده دارد ایفا کند. موضوعات و مطالب و برنامه‌ها از نظر فکری پایین می‌باشد. این رادیو که اکنون می‌بایست وسیله‌ای برای صدور انقلاب

شکوه‌مند اسلامي باشد، متأسفانه در جهت هاي ديگر عمل کرده است و به گروه گرايي دامن مي‌زند. بهر حال مجاهدین عراقي از مسوولين امر در ايران انتظار دارند تا به تمام رسانه‌هاي گروهی که نقش بسيار موثري دارند، از هر لحاظ و در اسلامي بودن آن آنها کوشش کنند.» (اطلاعات ۱۳۵۹/۳/۲۴)

اتحاديه ميهني كردستان عراق سه مزدور بعثي را محاکمه و اعدام کرد. دفتر نظامي اتحاديه ميهني كردستان عراق گزارش از عمليات پيشمرگان اين اتحاديه را در فاصله بين ۱۹ تا ۲۲ خرداد در اختيار خبرگزاري پارس گذاشت. بر اساس اين گزارش خانه يکي از مزدوران فاشيستي عراق به نام «ناصر» مورد حمله قرار گرفته است. در يك درگيري ديگر دروستاي «قلعه خان‌لو» دو تن از مزدوران محلي کشته و يك پيشمرگه زخمي شده است. همين گزارش حاکیست سه تن از مزدوران رژيم بعث عراق به نام فتاح احمد، بکر اسماعيل، نعمان اسعد توسط پيشمرگان اتحاديه ميهني اعدام شدند. پادگان «خاتونازدار» نيز به منظور نيمساعت زير آتش شديد پيشمرگان متحمل تلفات و زيان‌هاي سنگيني شد و يك پيشمرگه نيز کشته شد. و همچنين منزل ستوان «سالم» افسر شهرباني منطقه «چوارقورنه» از سوي افراد اتحاديه ميهني مورد حمله قرار گرفت و اين ستوان به شدت مجروح شد. (کيهان ۱۳۵۹/۳/۲۴)

اتحاديه ميهني كردستان عراق اعلام کرد:

۸ عامل دولت بعث عراق در درگيري با پيشمرگان کرد عراق کشته شدند. دفتر نظامي اتحاديه ميهني كردستان عراق گزارش داد که: در حملات نظامي چهار روز اخير پيشمرگان کرد به عوامل مزدور رژيم بعث عراق و جاش‌ها ۵ مزدور و افسر عراقي به هلاکت رسيدند.

اين گزارش حاکیست که گروهی از پيشمرگان جاده سلیمانيه - کرکوک را بر اتومبيل‌هاي بسته و براي سرنشينان ۵۰ اتومبيل و اتوبوس راجع به خطمشی و خواسته‌هاي دولت عراق و رفتار فاشيستي دولت حاکم بغداد سخنراني کردند و پس از سخنراني پيشمرگان راه را باز و مسافرين سالم به محل‌هاي خود مراجعت کردند. همچنين دسته‌اي ديگر از پيشمرگان منطقه ۵ اتحاد ميهني درگيري ناحيه «شوان» سه تن از مزدوران حاکم به نام‌هاي فتاح احمد، بکر اسماعيل و نعمان اسعد را محاکمه و به مجازات اعمال جنایتکارانه خود رسانده و اعدام کردند.

بر اساس اين گزارش در حمله به سه نقطه سلیمانيه - قلغان نو و چوارقورتنه، پيشمرگان کرد با آر پي جي هفت مواضع جاش‌ها را مورد تهاجم قرار دادند و خسارت زيادي به آنها وارد کردند. (کيهان ۱۳۵۹/۳/۲۶)

